۱۰۰۰ جلد ازاین کتاب درچاپخانهٔ فردوسی بطبع رسید
طهران ۱۳۳٤

۱ ٦

کشور های پرتستان دو عامل ظرافت و تقوی را که
برای سعادت انسان تربیت‌یافته ضروری است فاقدند
شارل‌بودلر ۱

فصل اول

قرن هفدهم وهیجدهم

مسلك پورتین‌ها ۲

تاپایان قرن‌هجدهم سراسر زندگی روحی وعقلی‌مستعمره نشینان انگلستان‌جدید مملواز نصایح و مواعظ کشیشان پورتین است و این نیز موضوعی اساسی است چه‌این «کشیشان‌الهی» درجامعه امریکائی عادات وافکار ورفتاری را رسوخ‌داده‌اند که این جامعه هنوز نتوانسته‌است‌خود

۱ـ شاعر فرانسوی متولد درپاریس مؤلف کتاب Charles baudlaire «گلهای بدبختی» که علی‌رغم احساسات غم انگیز و محزون وی دراینکتاب ازنظر ابتکاو موسیقی‌صوتی وفراوانی تشبیهات وقدرت‌بیان خودرا ازشعرای درجه‌اول فرانسه نشان میدهد

۲ـPuritains فرقه مذهبی انگلستان واسکاتلند که مدعی بودند بیش ازسایرفرق مذهبی بمعتی کتاب مقدس اعتقاد دارند. خشونت اخلاقی این‌فرقه رفته‌رفته به‌سختگیری ترسناکی تبدیل یافت انقلاب ١٦٨٤ تقریباً بتمامی ساخته دست پورتین‌ها بودکه در هنگام انقلاب با مجلسیان متحد شدند، از طرفی براثر سختگیری استوارت ها عده زیادی از پوریتن‌ها ناگزیرشدندکه بجاهای دوردست مهاجرت‌کنند ونقش این مهاجرت‌های متوالی درتاریخ استعمار انگلستان مخصوصاً درامریکا بسیار مهم‌است

را ازبند آنها کاملا رهائی دهد با آنکه عادات ورسوم نو عکس العمل‌هائی شدید وغالباً افراطی درمقابل این افکار مغایر باطبیعت ازخود نشان داده‌اند ، ازاینرو یکی ازجریان‌های مهم ادبیات امریکا ازهوت هورن ۱ تا« کالدول»۲ که «ادیت‌وارتن»۳ و «پ ا مور»۴ نیز دراین میانه قرارگرفته‌اند ، بـا مباحثه عظیم‌له وعلیه‌مسلك پورتین‌ها مشخص‌میشود ولـی آثار وتالیفات کشیشان پورتین در دوره استعماری ، بغیرازاین تأثیرروحی ، ازنظرادبی ارزشی نداشته‌اند ودیرزمانی است که‌جز مورخین کسی ایـن آثار را نمی‌خوانند .

مواعظ و نوشته‌های این کشیشان مانندزندگی خود آنان خشك و خشونتی بی‌سابقه دارد ودر آنها جزازبند وزنجیر و آهن گداخته ودار و بریدن گوش وزبان وبه‌چهار میخ کشیدن بحثی بمیان نمی آید . چه این کشیشان نه تنها برای توصیف دوزخ که منتظر گناهکاران یعنی تمام بشر است ، تصورات و تمثیل‌هائی می‌یابند که زبان ناهموار آنـان ، آنهارا ترسناك تر میکند بلکه درهمین‌زندگی‌خاکی نیز ، امر ونهی‌میکنند و گناهکاران‌را به کیفرهائی خونین می‌رسانند ودامنهٔ گناه‌هم چندان‌وسیع است که کلامی را که کفرآمیز شناخته شود تاسرود ساده‌را شامل‌میشود بامحکوم کردن یك‌جاسوس شیطان ، یعنی یك مخالف مسلکی ، کشیش کاری مقدس انجام می‌دهد وباافشای حرکت یا حرف مذموم ، شخص به استقرارملکوت خداوند درزمین‌مدد میکند .

۱- Hawthorne
۲- Caldwell
۳- Edith wharton
۴- P. E. More

ولی مردم‌مستعمره جز باکوشش وترقی نمیتوانند بزندگی ادامه دهند وازهمین روی و اعظان پورتین در مورد جلب منفعت و اقدامات اقتصادی ، بناچار مهرخاموشی برلب می‌نهند رقص وقمارولبخند عاشقانه وافکار مستقل و آزاد ، محکوم‌به توبیخ و تکفیر است ولی دادوستد و سفته‌بازی واحتکار غاصبانه درباطن ترویج میشود وبراثر همین امر ملتی بمیان‌می آید رنجبر ودلاور ولجوج وخشن ، بی‌اعتنا به‌لذات ، و بدگو ، حسود ، دارای اخلاقی خشك ومحدود که فقط ترقیات اقتصادی‌رادوست دارد وتوانگری وپول‌را می‌ستاید .

نام دو یاسه تن ازاین الهیون ترسناك ، قابل‌ذکر است ، «توماس هوکر»۱ ۱۶۴۷ ـ ۱۵۸۶ یکی‌ازموسسین‌ایالت «کنکتکوس»۲ و جان ونیترپ»۳ ۱۹۴۹ـ۱۵۸۸فرماندارماساچوست‌و«جان‌کوتن»۴ ۱۵۶۲ـ ۱۵۷۴ اهل‌بستان این‌سه‌تن ازنظر صفات فنی‌وعظ و خطابه وهم‌چنین ازنظر مبدأ ومولد مقامی درادبیات امریکا ندارندچه‌در اروپابدنیا آمده اند فقط‌اهمیت آنان از آنروست که تمایلات و افکاری یکنواخت و نوعی درامریکا رواج‌دادند .

در میان نسل بعد « روجرویلیام »۵ ۱۶۸۳ ـ ۱۶۰۴ نغمه‌ای نو ساز میکند مخالف باآهنگهای دیگر ، ولی کاملا امریکائی است وآن نغمه آزادی است وی‌نخستین کسی‌است که آزادی عقایدمذهبی‌وحکومت مردم را خواستارمیشود وبهمین‌علت هم متعصبان ناحیه ماساچوست او را ازدیار خود می‌رانند ووی‌نیز «رودس۶ ایلند» را تاسیس میکند و این

۱ـ Thomas Hooker
۲ـ Connecticus
۳ـ John winthrop
۴ـ John cotton
۵ـ roger william
۶ـ rhodes Island

منطقه را تامدتی پناهگاه دزدان وشیادان می‌پنداشتند در خـاطرات و حافظه محقق ادبیات‌امریکا این‌مرد احترامی خاص باید داشته باشد چه او نخستین فرد و پیشرو یك نسل انقلابی و نخستین نغمه سرای آزادی ملتی‌بود که پس‌از وی ابراز کینه به‌استبداد سیاسی و اشتیاق به قدرت و حکومت‌را شعارخود قرارمیدهد.

راندن ویلیام ومحکوم کردن عقاید وی به‌بیدینی دردی‌از پورتین‌ها را درمان‌نمیکند واین عقاید، رفته‌رفته رواج‌می‌یابد روح‌استبدادی وخود کام عهد عتیق که جانشینان «هوکر» و «کوتن» نماینده آن هستند در همه‌جا باروح انقلابی و آزادیخواهی‌شاگردان‌مکتب ویلیام‌رو برو میشود از آن گذشته براثر توسعه مناطق مستعمره نشین ازیك‌سوی فشاراقتصادی وازسوی‌دیگر امکانات چشیدن لذات، عدم کفایت الهیون پورتین را در رهبری زندگی دنیوی مردم آشکارمیکند درقرن بعدآنکه رانده‌میشود شورشی و کافر نیست بلکه‌خود کشیش مذهب‌پورتین باید دربرابرشورش اتباع‌خویش‌شهرود یار راترك کند وآن کشیش «جانتن ادوارد»۱ است ۱۷۰۳-۱۷۵۸، ولی‌بااینهمه وی نخستین کسی است کـه از نظر سبك و صفات ممتاز آن، در ادبیات حق توطن دارد، آشنابه مفهوم لطف الهی وی‌بنحوی تناقض آمیز، در آثار خود میکوشد که مطابق سنت و عادات باترس ووحشت این‌مفهوم لطف‌را دردلها استوار کند، و همین مفهوم در کتاب «خاطرات»وی ملایمتی‌صوفیانه بدو الهام میکند کـه به بعضی از صفحات این کتاب صورت شاهکار های کوچك غنائی میدهد قوت تشبیه وهم‌چنین قدرت منطقی رساله او را درباره آزادی اراده ستوده‌اند.

۱- Ionathon Edwards

۲ - بینامن۱ فرانکلن ۱۷۹۰-۱۷۰۶

برای آنکه ادبیاتی امریکائی بوجود آید امریکائیان باید بدون شك باادبیات دیگران آشناشوند واینکار راهم فرانکلن بعهده میگیرد با آنکه وی دردانشگاهی درس نخوانده بود کتابخانه‌ای بزرك داشت وقدما ومتاخرین رابخوبی می‌شناخت مانندرفقای ادبی، فرانسه وانگلستان خودوی باآنان فاضلانه وادیبانه مکاتبه میکندو بـه علم وسیاست و ادبیات بیك اندازه عشق می‌ورزد و به علوم ماوراالطبیه و الهیات بی‌اعتناست و مانند بسیاری از رفقای قرن۱۹و۲۰ امریکائی خود ورود خود را در ادبیات از دوازده سالگی در چاپخانه آغاز میکند و چند سال بعد روزنامه نگار میشود وسرانجام بامسافرتی در اروپا تحصیل خود را بپایان می‌رساند، وصف پیشرفت‌های سیاسی وی کار تاریخ است ولی بیان محبوبیت‌وی در انجمن‌های‌ادبی پاریس باادبیات‌است اگر بپذیریم که‌استقبال پرهیجان مردم فرانسه درآغاز بیشتر به‌نماینده دشمنان انگلستان و کشور وحشیان‌نیکو توجه داشت تا به خودوی، مسلم است که اگر مردم ظریف و ادیب، فرانکلن را نظیر خود نمی یافتند و در مکالمه و کتاب «لاطائلات» وی چون ستاره‌ای درخشان تابیدن نگرفته‌بود، این هیجان بزودی خـاموش میشد کتاب «لاطائلات» کتابی است کوچك کـه با ظرافت و روانـی نوشته شده.

از آنجا که فرانکلن‌مردی اجتماعی ومهربان وخوشخو بود هیچیك ازصفات‌او زننده وتندنبود واقع بین ومقید به آداب و رسوم، به‌کلیسا می‌رفت ومعتقدبودن بخدارا بربیدینی ترجیح‌میداد، اپیکوری مسلك و

۱- Benjamin Franklin

هنردوست ، بی‌سوز و گذار عاشقانه معشوقه‌هائی میگرفت و باصداقتی مسخره آمیز وبدون شرم وحیا این امر را اعتراف میکرد براثر علاقه و شوق به ظرافت وطنز بااعتقادراسخ بحث یاجدل میکرد ولی درشنیدن عقایددیگران بربار بود ودر بحث خود حرارت متعصبان را آشکار نمیکرد ، امریکائی سنت ورسوم اروپائیان پذیرفته یااروپائی امریکائی شده ، درهرحال وی نمونه کامل انسان .مودب وصدیق قرن ۱۸ بود مکاتبات و کارنامه وی ۱۷۷۱ اورا بهمین نحو بمامعرفی میکند ، قرائت این مکاتبات و کارنامه از نظر نکات تاریخی جالب است واز نظر نقل داستان‌ها وروانی سبک وروش‌های ملایم فلسفه ظریف وجذاب

پیدایش یك ملت

درطی بیست‌وپنج سال اخیر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ تفوق بر مشکلات وحفظ استقلال ، وایجاد تاسیسات تازه وبکار انداختن آنها ، مسائلی بود که امریکائیان را ازاشتغال به‌امری غیر از سیاست و اقتصاد بازمیداشت ازهمین‌روی تنها مظهرادبی مردم این دوره اعلامیه استقلال ونطق واعلانات و ۸۵ خطابه‌هامیلتن ۱ و مادیزن ۲ وجی ۳ است که به اسم جمع . اتحادیه شناخته‌شده ، از آن گذشته این‌مدارك‌ازآنروجزء ادبیات بشمار آمده‌اند که به‌بهتر ازآنها دسترس نبود .

توماس‌پن ٤ متوفی بسال ۱۸۰۹ و هکتورسنت ژان دکروکور ٥ متوفی بسال ۱۸۱۳ را میتوان‌ازاین‌میانه استثنا کرد ولی یکی از این دو

۱– Hamilton

۲– madison

۳– Joy

٤– Thomas paine

٥– Hector saint—jean de créve cœur

انگلیسی بود ودیگری فرانسوی خطابه‌های سیاسی و مذهبی پن از نظر قدرت مشاجره وشور وشعفی که سبك فصیح آنرا زنده وجاندار میکند جالب‌توجه است و اما کروکر باآنکه وی انگلیسی را درسیزده‌سالگی آموخته بود آنرا چون هنرمندی حقیقی بکار می‌برد و در نامه‌های یك بزرگ امریکائی (که اساساً یك تالیف زراعتی است) شعر روستائی را بنحوی جالب پیروی میکند این‌دو درادبیات شاگرد مکتب‌اصالت تصور بودند وامید اصلاح‌مشوق آندو به آمدن به امریکا بود . پن شدت و سختگیری را می پسندید وکروکر دوستار آشتی وبردباری بود ولی‌هر دو تاپایان عمر به‌پیدایش مشی‌تازه بشریت معتقد بودند .

فصل‌دوم مشاجرات

واشنگتن ایورینگ۱ ۱۸۵۹-۱۷۸۳

اگرفرانکلن را نخستین مرد متمدن امریکا نامیده‌اند ایورینگ‌را نیز میتوان نخستین ادیب‌امریکا بشمار آورد ازآن‌گذشته اصالت‌حقیقی ویگانه اینکار وی دراین‌زمینه است سبکش که روانی وسادگی‌دلفریبی دارد ، تقلیدی ماهرانه از سبك گلداسمیت ۲ است تصاویر منظره ها و اشخاص معاصر ، در کتابهای سالماگوندی ۳ و تـاریخ نیویورك ۱۸۰۹

۱- Washington Ivring

۲- goldsmith ادیب‌انگلیسی متولد‌پالاس (ایرلند)دارای‌نبوغی ساده وطبیعی ومؤلف کتاب خلیفه (ویك‌فیلد)

۳- Salamagundi

مطابق تصاویر کتابهای آدیزن۱ نقاشی شده‌است وافسانه‌های وی درباره هورسن وریب‌وان ومیکل ۲ و گودال سراشیب ازسبك آلمان مایه گرفته غرض ازدگر این منابع آن نیست که ارزش و لطف غیرقابـل انکار این کتابهارا ناچیز و حقیر بگیریم بلکه برای‌اثبات این‌امر است که از نظر تاریخ‌نخستین‌نویسنده‌امریکا به‌اروپا بیش‌از کشورخودمدیون‌بوده‌است از آن گذشته‌درسال۱۸۰۲ کتاب تصاویر وی‌بحمایت‌ومساعدت والتر اسکات۳ درلندن بچاپ‌رسید ومردم انگلستان بیش‌از همشهریان خود نویسنده از این کتاب‌استقبال کردندوعلت آن‌بود که امریکائیان نویسنده‌را از اینکه درحمایت مردم‌انگلستان راه‌افراطراپیموده‌سرزنش‌میکردند ولی‌بااینهمه وی‌ازانگلستان برای‌نوشتن‌این کتاب بسیارمختصرمایه‌وموضوع گرفته‌بود وبدون‌شك برای‌تلافی این‌سرزنش‌بودکه پس از بـازگشت از مسافرت طولانی‌خود به‌اسپانیا که‌در آنجاوقت‌خودرا بنگارش‌چندین‌داستان عاشقانه آن‌دیاروقف کرده‌بود سفری به‌دشت‌های جنوب‌غربی رفت‌و کتاب‌سفری در

۱ـ addison نویسنده انگلیسی متولد «آمسبری» مقالات وی درمجله «اسپکتاتور» سبب‌شدکه ادبیات انگلستان وقار ومتانت بیشتری بدست آوردضمناً «کوتن» وی موفقیتی بسیار بزرك کسب کرد (۱۷۱۹ـ ۱۶۷۲)

۲ـ Rivp van winkle

۳ـ Scott (walter) داستان نویس اسکاتلندی متولد ادیمبورك آثار مهم وی عبارتند از «ویورلی» «زندان ادیمبورك» «پورنین‌ها» «ایوان هوتد» «رب ردی» «نامزد لامرمور» «کهنه فروش» داستان های که‌غالباً باشتاب نوشته‌شده یادآوری‌بسیار هیجان‌انگیز،و نسبتاً‌صحیح ازگذشته است

چمن‌هارا منتشر کرد ۱۸۳۵ و پس از اینکار ه۲ سال آخر عمر خود را به نوشتن کتاب زندگی واشینگتن ۱ بسر آورد و این کتاب درهمان سال مرك وی بچاپ رسید .

۲- چگونه میتوان ادبیاتی ملی آفرید

این سوالیست که همیشه بحث‌های ادبی معاصران « ایورینگ » از آن مایه میگیرد اگر شور وشعف پاره از میهن پرستان افراطی را کنار گذاریم که ازهمان فردای انقلاب میخواستند زبان انگلیسی را ازامریکا برانند و زبان دیگر را که ساخته خود آنان باشد جانشین آن کنند چهار فکر اصلی دراینمورد با یکدیگر رو برو میشد

۱ـ « ساموئل ۲ کناپ » در سخنرانی های خود در باره ادبیات امریکا ۱۸۳۹۰ معتقد بود که این ادبیات تنهـا بعلت اینکه در امریکا نویسنده و ناشر هست ، وجود دارد ، هوا داران این فرضیه خوش بین آثاری از قبیل « فتح کنعان » تألیف «دوایت» ۳ ۱۷۸۵ و « کلمبیاد »

۱ـ washington یکی از مؤسسین جمهوری امریکا که خود او نخستین رئیس آن گردید از۱۷۸۹ تا۱۷۹۷ متولد درویرژ بین ۱۷۹۹ ـ ۱۷۳۲ در آغاز جنك استقلال سربازان جوان خودرا بامهارت تمام‌مطیع انضباط نظامی کرد و بیاری لافایت و روشامبو انگلیسیان را درترانتون شکست داد ۱۷۸۱ پس ازآزادی کشور خود قانون کشور های متحده را ازمجلس گذرانید واین قانون اساسی تاامروز هم مجراست و خود او نیز دوبار بریاست جمهوری انتخاب شد و بعدباسادگی مردم روزگاز کهن به «مونت ورنن» رفت و بکار کشاورزی پرداخت ، اراده‌ای آرام و متین فعالیتی ثابت صداقت و صفـای نیت اینها خصائص اساسی آزاد کننـدهٔ امریکاست .

۲ـ Samuel L. Knapp ۳ـ dwight

بارلو۱ ۱۸۰۷ راکه ازآن پس تقریباً بطور کامل گرد فراموشی بر آنها نشسته ، نظیر بهشت۲ گمشده «میلتن »۳ و « انئید »٤ ویرژیل۵ معرفی می کردند.

۲ ـ چارلز جی۶ ینجرسل در سخنرانی خود در انجمن فلسفی فیلادلفی درباره «تأثیر امریکا در روح » ۱۸۲۳ بر عکس صاحبان‌عقیده

۱ـ Barlow

۲ـ lost pardisi داستان حماسی‌مشهور عیسوی دردوازده آواز که‌باشعر بی‌قافیه توسط میلتن ساخته‌شده است وموضوع آن‌هبوط آدم‌است واین کتاب یکی ازارکان‌شعر انگلیس است ۱۶۷٤ـ۱۶۶۷

۳ـ milton شاعر انگلیسی متولد در لندن پس از مرك کرمول که‌وی منشی او بود اززندگی دولتی کناره گرفت ، تهیدست و فراموش شده ، نابینا ، وی بزن ودخترخود شعر جاودانی خویش (بهشت گمشده) را املاء کرد۱۶۷٤ـ۱۶۰۸ میلتن درسنت‌چهلر مدفون است:

٤ـ Eneïde شعرمشهور رزمی ویرژیل‌دردوازده آواز و درباره موضوعی که ملی فرض‌شده است این‌شعر تقلیدی بسیار ماهرانه از ایلیاد واودیسه همراست کمال سبك وظرافت اشعار و نحوه بیان احساسات در این اشعار قابل ستایش است ، هنری که برای انجام این آوازها بکار رفته بر نقائص‌واقعی طرح‌شعر و نقاشی احساسات پرده می‌افکند

۵ـ Virgile مشهور ترین شاعر لاتن متولددرمانتو مؤلف کتاب «ووستائی» و «ژئوژریك» و «آئینه» اوکتاو و مسن از اوحمایت می کردند وپیش ازآنـکه «انئید» را تمام کند درگذشت و قصد داشت که درحیات خود «انئید»را نابودکند . ذوق وررح‌ملائم وحساس‌وی‌حرارت وشورعالی (لوکرس) راندارد ویرژیل بنحوی طبیعی به‌آنچه موزون و ظریف است دست می‌یابد مقلددائم ولی بسیارماهر یونانیان و مخصوصاً تئوکریت‌وهمروی بواسطه عشق وادراکش نسبت‌بطبیعت وکمال مطلق سبك‌ووزن اشعارش مبتکری اصیل است

۶ـ Charles samuel Ingersoll

فوق معتقد بود که امریکا نه تنها نویسنده و ادیب اصیل ندارد بلکه نباید هم‌داشته باشد چه روح ملت نو دوستار فایده و عمل است و باید این روح در کارهائی که نفع واقعی دارد تجلی کند نه در ادبیات.

۳ ـ در مقابل این عقیده « رفس‌و گریس‌ولد »۱ در مقدمه کتاب نویسندگان امریکا » ۱۸۵۷ به کسانیکه اصالت و ابتکار هم میهنان او را ریشخند میکنند چنان پاسخ میدهد.

« ادبیاتی منحصراً ملی نه‌هیچگاه بوده‌است و نه میتواند باشد کلیه ملل بیکدیگر و به قرون گذشته مدیونید بعضی‌ازمنتقدین ازما که به‌همان زبان گفتگو میکنیم وهمان « بیکن » ۲ و «اسپنسر» ۳ و «شکسپیر» ٤ و « میلتن » رادر آسمان‌ادب‌خودداریم انتظاردارند که‌از آنان (انگلیسان)

---

۱ ـ Rufus W. Griswold

bacon Roger کشیش انگلیسی ملقب به‌مجتهد ستوده ، متولددر ایلچستر یکی از بزرگترین علمای قرون وسطی وی‌یکی از کسانیست که بخطا اختراع باروت توپرا باو نسبت میدهند ۱۹۱٤-۱۲۱٤

۲ ـ Francis Bacon وزیر دادگستری در زمان جاك اول و فیلسوف مشهور انگلیسی متولد در لندن و با نگارش (ارغنون جدید) درزمره مؤسسین روش‌تجربی درعلوم در آمد وی تحقیقات علمی‌را را ازروش قیاس ، تقلیدودین‌جدامیکندشهرت وی براثراتهام رشوه گیری که سبب سلب درجات کشوری وی‌توسط مجلس انگلستان گردید لکه‌دار شده‌است (١٦٢٦-١٥٦١)

۳ ـ Spencer edmond شاعر انگلیسی متولد درلندن مؤلف « پادشاه پریان» ۱۵۹۹-۱۵۵۲

٤ ـ Spencer (Herbert) فیلسوف انگلیسی متولد (در بای) موسس‌فلسفه تکامل (۱۹۰٤-۱۸۲۰)

بیش از اندازه‌ای تفاوت داشته باشیم که خود آنان آن تفاوت را بایونانیان ورومیان ندارند و مسئله ما وسایر ملل آن نیست که کدامیك بهتر میتوانیم کاملا گذشته رابدور افکنیم بلکه مسئله آنست کدامیك بهتر میتوانیم از آن بهره بریم .»

همچنین «لانگ‌فلو»۱ میاندیشید که ادبیات امریکا جز ادامه ادبیات انگلستان نمیتواند باشد

٤ ـ «ویلیام» «چانینگ» ۲ درسال ۱۸۳۰ : باهم آوازی با این عقیده «سن‌ژان کروکر» که میگوید

« امریکائی چون انسانی نواست و مطابق قواعدی نوکار میکند باید ازافکاری نومایه بگیرد وعقایدی تازه ببار آورد »

چنین مینویسد

« ما این عقیده را که این کشور باید جهان کهنه را تقلید کند و

۱ـ (William) shakespeare بزرگترین شاعر تأثری انگلستان متولد دراسترات فورد مولف شماره بسیاری غمنامه و نمایشنامه که غالباً شاهکارشناخته شده‌اند « رؤیا در نیمه‌شب تابستان » ، « رومئوژولیت » «ریچارد۳» «تاجر ومینی» « زنان ونیدمور » «ژول‌سزار» «هاملت» «اتللو» «ماکبث» «پادشاه لیر » « آنتوان و کلئوپاتر » وغیره ... شکسپیر توانسته است باصداقتی جالب وگیرا و حرارتی ستودنی تمام احساسات وعواطف شورانگیزرا نقاشی کند بنوبت ساده دل ، ترسناك ، لطیف، پرهیجان ، مقلد ، غمناك ، عمیق مضحك سپرده بخیالی دل‌انگیز باآزادی توانای نبوغ (۱٦۱٦-۱٥٦٤)

۲ ـ long fellow

۳ ـ WilliamE channing

تکراراو باشد نمیتوانیم بپذیریم واگر کشورمادرشرایطی بدین ویژگی، که اجازه آفریدن‌وابتکاررا بمامیدهد،به‌تکرارطوطی‌وارعقاید بیگانگان اکتفاکند ، ماشرمنده میشویم »

اگراین‌بحث‌هم به‌سرنوشت بحث‌های‌دیگر گرفتار آمده است یعنی از دائره نظر و فرض بیرون نرفته و در جریان اموری که در قرن ۲۰ «گریس‌ولد» و «لانگ‌فلو» را کاملا اشتباه‌کار نشان میدهد تأثیری‌ناچیز داشته است تنها وجودهمین بحث ثابت‌میکند که‌ادبیات امریکائی بنحوی ناگهانی و بی‌سابقه در عرصه وجود جلوه گر نشده واگر«امرسن» ۱ آن افتخاررا دارد که ندای حقیقی‌استقلال‌عقلی‌را درمیدهد این‌نداء در دلهای مردمی‌مؤثر می‌افتد که ازپیش برای پذیرفتن آن آماده بوده‌اند.

۳- شعر در آغاز قرن ۱۹

دراین مرحله شعرای امریکائی‌به‌قافیه‌سازی اکتفا میکنند« ویلیام کالن برنیانت» ۲ ۱۸۷۸ - ۱۷۹٤ تخیلی داشت خلاق ولی ضعیف و تصوراتی ابتدائی ومذهبی، ازاین‌قبیل. خداوند آفریننده اعمال‌نیك‌است، برتری عدالت ، حقیقت در اخلاق، آزادی سیاسی ودر ماوراء الطبیه کلیه افراد بشر را صاحب روحی فنا ناپذیرمیدانست ومعتقد بود که به دیدار عزیزان در جهان دیگر نائل خواهد شد همه این تصورات باتشبیهاتی مقتبس از طبیعت که آنرا بخوبی میشناسد ، بیان شده است اینگونه احساسات رایج ، که طبیعت در بشر تأثیری ملایم وآرامی بخش دارد ،

۱- Emerson

۲- William cullen Bryant

و افکار وی که ادراك آنها برای هر کس آسان بوده و همچنین مطابقت عقایدوی با عادات و رسوم مردم معاصر ، شهرتی برای وی بدست آوردند که زودآمد ودیگر اورا ترك نکرد « بریان » بافکری بیشتر استدلالی ومحاسبه گر تاعالی وباعظمت، هنرمندی دقیق ودل آگاه وروشن بین ومنظم است ولی شاعری بزرگ نیست وبا اینهمه مسلماً بر معاصران خود از همین نسل از قبیل « پرسیوال » ۱ و «دریك» ۲ و « هالك » ۳ و غیره، برتری دارد

۴- نخستین داستان نویسان

امروز داستان نویسی به صورت هنر عالی امریکائیان جلوه گری میکند و بعبارت دیگر رشته تخصصی واقعی ایشان است ولی باید گفت که داستان نویسی در امریکا درقرن اخیر آغازشده است آثار «فیلدنیگ» ٤ «ریچاردسن » ٥ «استرن» ٦ « اسمولت» ٧ رامستعمره نشینان میخواندند ولی درنهانی، چه بازرسان دینی این آثاررا « گستاخ و شهوی وهرزه ومخرب

۱- Percival ۲- Drake

۳- Halleck

٤- Fielding داستـان نویس انگلیسی متولد در گلاستن بری ۱۷۰۷-۱۷٥٤

٥- Richardson موسس داستـان نویسی جدید انگلیس مولف «گراندیش» وغیره ۱۷٦۱-۱۸٦۹

٦- Sterne نویسنده انگلیسی تولد در کلومل مولف کتاب «سفر احساساتی» وی نویسنده‌ای صاحب نظر وشوخ وملایم است (۱۷٦۸-۱۷۱۳)

۷- Smolett داستان نویس اسکاتلندی مولف کتاب « سرگذشت ودریك» ۱۷۷۱-۱۷۲۱

اخلاق» می‌پنداشتند« ج ادواردز»۱ پس از انقلاب تقریباً مانند روسیه جدید، میهن پرستان معتقدشدند که داستان های انگلیسی بانقاشی اخلاق فاسد دنیای قدیم دل‌جوانان جمهوریخواه‌را گمراه میکند ازهمین روی نخستین داستان نویسان دودلیل رادستاویز خودنمایی خویش کردند یکی آنکه حوادث داستان‌های آنان فایده اخلاقی دارد و دیگر آنکه امریکا عرصه وقوع این حوادث است.

به استثناء تزیینات وصحنه‌ها، این نویسندگان ازانگلستان ومخصوصاً «ریچاردسن» تقلید میکنند.

هنوز «چالز بر کدن۲ براون»۵ ۱۸۱ـ۱۷۷۱ افکاراصلاحی اجتماعی خودرا ازیك انگلیسی از « گدوین»۳ اقتباس میکند و این افکار را در روایاتی مملوازشوروشعف ووقائع غیرمحتمل، و آکنده به‌حوادث ترسناك بیان‌میکند کتاب‌های (« ویلاند»٤ ۱۷۹۸ ، «ارموند»٥ ۱۷۹۹ » کتاب « ویلاند» که بیش ازیکقرن بر « درایزر»٦ و «فلکنر»۷ سبقت گرفته نخستین داستان امریکائی است که در آن روح یك تبه کار تحت مطالعه و تحقیق در آمده‌است ولی ازواقع بینی دراینجا اثری نیست اینگونه تبه‌کاران جز در تخیل اذهان آشفته وجود ندارند .

۱ـ J Edwards

۲ـ Charles Broc Kden Brown

۳ـ Godwin ادیب انگلیسی متولد در(وایسبیچ) ۱۸۳٦ـ۱۷٥٦

٤ـ wieland

٥ـ ormond

٦ـ dreiser

۷ـ Faulkner

همچنین قدرت تخیل صفت ممتاز «جیمس فنی مور کوپر»۱ ۱۸۵۱ ۱۷۸۹ بشمار می‌رود درعصر خود ، وی امتیازی دیگر نیز داشت و آن ابتکار و اصالت رای بودوی ازهیچکس تقلید نمیکرد میگویند که نخستین داستان وی «احتیاط» ۱۸۲۰ نتیجه یك شرط بندی بود در هر حال اگر شماره کتابهائی راماخذ قضاوت قراردهیم که وی بنحوی خستگی ناپذیر درطی بیست سال باسرعتی روزافزون بایدبنویسد می‌توانیم گفت که ذوق وی درهمین ابتکار بوده است ، چون از نخستین کتاب خود که از نظر حوادث وصحنه‌سازی و آداب ورسوم آنرا زیاد انگلیسی میدانست شرمنده بود سوگند خورد کتابی بنویسد که «کاملا امریکائی باشد وعشق میهن موضوع آن باشد» پس از این سوگند بزودی بکار آغاز کرد و سال بعد «جاسوس» را که ماجرائی از جنگ استقلال است چاپ کرد و بعد در ۱۸۲۳ نخستین کتاب وی درباره مرزبنام «پیشروان» ودر ۱۸۲٤ نخستین داستان دریائی وی بنام «دریانورد» منتشرشد بااین دوموضوع یعنی جنك بین سفیدپوستان وهندیان وماجراهای دریائی به آسانی میتوان آثار وی را به‌دودسته مشخص تقسیم کرد آخرین موهی ۲ کان «چمن» و «پی جویان» به‌دسته‌اول تعلق‌دارند و «راهزن سرخ‌پوست» (در بین سالهای ۱۸۳۱و۱۸۳۳ وی‌برای اثبات برتری حکومت عامه بر حکومت اشرافی سه کتاب سیاسی نوشته‌بود که هرسه با شکست مواجه شده بود و دیگر دراین‌زمینه اصرارنکرد ودرموضوع‌مورد علاقه‌خود ازنو شروع بنوشتن کرد) به دسته‌دوم.

۱- James Fenimore cooper ۲- Mohicans

آرزوی «کوپر» آن بود که با «والتراسکات»۱ که درسراسر جهان بلندآوازه بود ازدر رقابت درآید واگرمقیاس را شهرت خود کوپر قرار دهیم وی کاملا به آرزوی خود رسیده است و واقعاً نیزوی میتواند بخوبی وماهرانه رشته حادثه‌ای را بدست گیرد و شرائط وقـوع آن حادثه را بیافریند ومنظره‌ای را زنده وجاندار جلوه‌دهد (حتی ؟ چمنی را که ندیده است) وداستان‌های کشف وتعقیب وی وقتی که خواننده بدانها می‌رسد ، بسیار گرم ودلچسب است ولی چه‌بحث‌های بیهوده وخستگی آور وچه طول کلامی ،! بایداعتراف کرد که‌امروز تنها کودکانند که‌داستان‌های کوپر را میخوانند و کوپر برای آنان می‌نوشت وهنوز مسلم‌نیست که باتشویق کودکان به‌خواندن این‌داستانها خدمتی به آنان‌شده‌باشد باستثنای‌جنگل کوپر آنچه راکه باآن وفور و کثرت وصف‌میکرد ، بخوبی نمی‌شناخت هندیان پرهیزکار وی که درنیل به‌هدفهای عالی‌ومشروع مهارتی‌موفقیت‌آمیز دارند وهم‌چنین پیشروان وی که سادگی آنان بایدسرمشق باشد، صرفاً زاده‌تخیل‌اند وفرضیه‌های موروثی وی از رویای قرن ۱۸ در باره حالت‌طبیعی و آزادی کامل ووارستگی زندگی مردم مرزنشین ،بیش از ابداعاتی نیست وازآن گذشته داستان‌های وی آیابیش‌از یك‌سلسله آدم کشی و کشتار نیست که این‌کار ها همگی بنحوی اسفناك موجه و لازم شناخته شده‌اند چه بالاخره ، نیکان در ایـن داستانها بیش از بـدان آدم‌میکشند .

ولی تاثیروی‌عظیم‌بود نوع‌داستان ، موفقیتی چنان بزرگ بدست

۱- Walter Scotte

آورد که تقریباً درحدود ۵۰سال وی ومقلدان وی مطمئن بودند که با تقلیدازیکدیگر از اینراه ثروتی بدست‌می آوردند ، صحنه‌ها ونام ها را عوض‌میکردند ولی پیشروان دلیر یکی‌بود ، ومردم نیز از خواندن آنها خسته نمیشدند.

ازاین روی « ست جانز »۱ یا «زندانی مرز» ۱۸۶۰ تالیف (اس الیس)۲ ازحدنصاب ۶هزارنسخه متجاوز میکند «اوایکن»۳ میتوانست هفته‌ای یك‌داستان چاپ کند و«اینگرام‌پرنتیس»۴ : بیش‌ازهفتصدداستان «جان‌استن کوك»۵ باوفاترین مقلد کوپر نخستین کسی بود که با (جان برنت»۶ (۱۸۶۲) داستانی‌شایسته این‌نام ، درباره « باختر دور » نوشت و « تئودور وتنیرب»۷ نخستین کسی بود که در کتاب « ویرژینی ، تاریخی‌از ملت» و« بازیگران ویرژینی» ۱۸۵۴ به‌جنوب‌قهرمان پیش‌ازجنگ‌انفصال جنبه خیالی داد وجنوب قهرمان ، موضوع داستانهای پرخریدار گردید آیا این‌امریکی‌از علل‌شهرت وموفقیت کتاب« بربادرفته مارکارت‌میچل ۸ نبود ؟) ولی حالا که اینرا گفتیم با وجود ارزش آنها از نظرکتابفروش این‌آثار ارزش ادبی‌ندارند ، کوپر لااقل قدرت‌ابداع واختراع داشت‌ولی دیگران هیچ ، وبالنتیجه «فرانك‌نوریس»۹ بحق متاسف است که حماسه

۱– seth johnes

۲– E. S. Ellis

۳– A. W. Aiken

۴– ingran Prentiss

۵– john esten cooke

۶– john Brent

۷– Theodor winthrop

۸– Margaret mitchell

۹– Frank norris

باختری هنوز «همر» ۱ خود را نیافته است .

۵ ـ ، گوشه‌گیر . ادگارالن ۲ پوئه ۱۸۴۹-۱۸۰۹

در کشور «بودلر» و «پول والری ۳ شهرت پوئه نیازی به اثبات ندارد چه‌این یکی اورا روشنترین فرضیه‌دان هنر نوشتن میدانست و آن دیگری اورا سرمشق خود قرارداد ، ولی‌پوئه چنین دلباختگانی‌درمیان مردم‌معاصر خودنیافت ، درعصروی ، یعنی‌عصر «لانگ‌فلو» اشعار وفرضیه های وی‌چنان‌ابتکاری واصیل بود که نمیتوانست عامه مردم و یا استادان ادب‌را شیفته خود کند وچون هیچ‌از امریکا سخنی‌نمیگفت ، نمیتوانست پسندنظر میهن‌پرستان شود کمی بعد ادبیات امریکا درجهت مکتب واقع بینی وطبیعت‌پردازی پیشرفت خود را آغاز کرد و چنانکه خواهیم دید عقایدهنری پوئه ازپیش این‌نهضت‌ها را به‌فنا محکوم میکندازآن گذشته وی هیچ دربند اجتماع نیست وپیام‌وی صرفاً هنری‌است درآثار وی‌نه‌تنها ازاخلاق‌چیزی یافته نمیشود بلکه‌وی‌اخلاق‌را به‌بیگانگی وحتی‌به‌مخالف بودن باهنر محکوم میکندوحال‌آنکه در آن‌عهد ، امریکائیان که‌چندان

---

۱ ـ Homére شاعر یونانی مولف «ایلیاد» و «ادریسه» هفت شهر یونان در باره اینکه کدامیک زادگاه همر بوده‌اند اختلاف دارند افسانه‌ها وی‌را پیر ونابینا معرفی میکنند که ازشهری به‌شهر دیگر می‌رود واشعارخودرا میخواند براثر بحث‌هائی که بمیان آمده ناچارشده‌اند که منکر وجودهمر شوند یالااقل تصدیق کنند که شاعر ایلیاد واودیسه مختلفست

۲ـ Edgar-allen pœ

۳ـ Paul valéry شاعر فرانسوی متولددرست مولف «گورستان دریائی» (متنوعات) تألیف‌دی ازنظرفنی وسبك كنايه ممتاز است ۱۹۴۵ ـ۱۸۷۱ عضو فرهنگستان فرانسه

به‌فرضیه هنر برای‌هنر توجهی نداشتند دربارهٔ یك‌نویسنده تنهااز نظر ارزش پیام‌اخلاقی او داوری میکردند.

منتقد ـ قسمت‌عمده‌انتقادات وی جنبه‌مقاله نویسی وتصادفی دارد ولی از میان آنهامیتوان‌فرضیه‌ای ثابت‌ومنظم‌بدست آورد. اندیشه‌ابتدائی هنرمند باید نه نمایش موضوعی باشد و نه توضیح و شرح عقیده‌ای بلکه ایجاد یك‌اثر مجموعی، واز این‌جا لزوم تألیفات کوچك بر میخزد، یك شعرطویل «تناقضی بنفسه» است‌ونویسنده داستان وحکایت کوچك را برتری خواهد داد داستان یا شعر کامل برای این‌اثر مجموعی وکلی و مطابق باآن ساخته خواهد شد این اثرمجموعی‌باید باکمال خونسردی «از پیش ادراك شده» باشد وحوادث یا اشعار موزون پس از ادراك این اثر برای اثبات وتحقق آن، اختراع شود.

خلاصه، انشاء ادبی ساختمانی است‌نظیر ساختمان معماریاآهنگ های استاد موسیقی، پوئه شعررا «ایجاد موزون زیبائی» تعریف‌میکند و هنرمند برای رسیدن بدین هدف بایدروشنی ذهن و آزادی‌اداره را از دست ندهد «شعروسوزوگذار» باهم‌سازگار نیستند شور شعف والری دراینجا فهمیده میشود! حقیقت فرع‌است ومزاح «باآنچه روح‌شعراست مغایرت مطلق» دارد بیان امریکائیان جدید نیز در اینجا فهمیده میشود یکی از بزرگان انتقاد امریکا «لودیگ لیوسن» ۱ این فرضیه ها را «یاوه» میشمرد و میگوید که پوئه عدم امکانات خود راقانون هنر قرار داده است»

۱ـ ludwig lewishon

ولی باید استقلال دلیرانه فکری‌را که این فرضیه‌هارا در حدود بیست سال پیش ادراك کرده ، یادآور شویم و اگر این فرضیه‌ها برای يك فرانسوی قرن بیستم چندان تازه بنظر نیاید دلیل آنست که ادبیات کشور فرانسه از آثار شاگردان‌مستقیم پوئه یعنی‌بودلر و« مال‌آرمه »۱ متأثر شده است

شاعر ــ از قضاوت بودلر در باره پوئه این جمله‌ها رانگه‌میداریم «ادیب عالی قدربمعنی وسیع ودقیق کلمه » و « صاحب‌سبکی‌اصیل‌و کاملا صحیح » ولی عبارات « بنوغ بزرك » و عمیق مانند آسمـان‌ودوزخ و «فلسفه عالی » را بحساب، شیفتگی بودلر بکشف شخصی خود و حمایت از شر يك‌بدبختی و تنهائی‌میگذاریم درواقع‌موسیقی وهم آهنگی اوزان و وزانی پوئه غالباً میان تهی است و این موضوع را آن جوانانی در یافته‌اند که باحرص وولع به‌خواندن « کلاغ » یا « آنابل‌لی » ۲ پرداخته و به اعتماد عقیده استادان بزرك امیدوار بوده‌اند در این آثار اعماقی آشوبگر والهام بخش بیابند

ولی چون برای ادراك تاثیر يك موسیقی انگلیسی کاملا آماده نبوده‌اند ، از خواندن خود جز احساس ، اغفال یا این احساس دردانگیز که مطلب را بخوبی‌نفهمیده‌اند، بهمراه نیاورده‌اند وحال آنکه بسادگی باید گفت مطلب فهمیدنی‌دراین‌خواندن هیچ نبوده است ازآنجا که پوئه

۱- Mallarmé شاعر فرانسوی متولد درپاریس۱۸۹۸ - ۱۸٤۲ دی با «پول ورلن» موسس سبك کنایه است کتاب « بعدازظهر حیوان» ازاوست.

۲- Annabl lee

درست فرضیه‌خودرا بکارمیبرداگر محدویت موضوع‌را براو خرده گیرند چنانکه بسیاری‌ازمنتقدین انگلیس کرده‌اند مانندآنست که بر« پیسارو »۱ خرده گیرند که چرا جز منظره نقاشی نکرده است واگر موضوع غالباً متداول آثار پوئه، مرگ‌است، ومخصوصاًمرگ جوانان‌زیبا برای‌پیروی‌از فرضیه غم خود پوئه، اینکار راکرده‌است وی در کتاب« فلسفه انشاء » این فرضیه را چنین باز مینماید

« از موضوعات غم‌انگیز ، کدامیك مطابق عقیده عمومی بشریت غم‌انگیزتراست؟مرگ‌جواب‌مسلم‌بدین پرسش‌است، وچه‌وقت گفتم که‌این غم‌انگیزترین‌موضوع شاعرانه‌ترین‌موضوع‌هاست؛ وقتی‌بازیبائی توأم باشد پس مرگ یك زن زیبامسلماً شاعرانه ترین موضوعی‌است که در جهان یافته میشود»

در منطق‌قوی این‌استدلال وقیاس، نکته‌ای است که بنحوی‌بچگانه به لجاحت آمیخته است وعلت آنهم اینست که پوئه خودبیمار و ناتوان وگوشه گیر بود مانند یك فراری، به تنهائی میاندیشید ولی‌برای قضاوت درباره ارزش وی، نمیتوان براو سخت گرفت که چرا چیزی‌را که هرگز آرزوی انجام آنرا نداشته، انجام نداده است .

آرزوی وی آفریدن زیبائی‌بود ودر دوازده‌شعر که آهنگی‌بی‌نظیر دارد بدین آرزوی‌خود کاملادست یافته است‌دراین اشعار وی‌چون‌استادی هنرمند جلوه میکند (کلاغ، انابل‌لی، کاخ پریان ، زنگها و غیره ...)

۱- Pissaro منظره‌نگار فرانسوی متولد در جریره سن توماس (۱۹۰۳-۱۸۳۱)

با تجزیه و تحلیل جاذبه عجیب و توانای این اشعار به وجود ، موازنه و ترجیعات و تکرار والتزام حروف و تقلید اصوات و بیکنوع رمز مبهم پی‌میبریم (آنچه خود او نامعین مینامد) ولی بنظر نمیرسد که تنها بکاربردن این عناصر برای ساختن زیبائی دستوری لازم و حتمی باشد چه ازمیان مقلدان پوئه یکنفر توفیق یافته‌است، یعنی بودلر ، از آن گذشته اگر خود وی در عصر لانگ‌فلو و هوگو ۱ و تنیسن ۲ بدین کمی شعر سرود علت آن است که مانند همه هنرمندان حسود به هنر خود، وی مشکل پسند بود و پیوسته اشعارش را اصلاح میکرد تنها از قطعه (کلاغ) بیش از دوازده نسخه اصلاح شده هست

داستانسرا ـ پوئه بر اثر نگارش داستان وافسانه های خیالی موفقیت و نفوذی بزرك در کشور خود بدست آورد وی در آنجا قهرمان داستان های کوچك بود و نخستین کسی است که قواعد این گونه داستانها را تدوین کرده وی آنچه را به حوائج مردم امریکای معاصر وی جواب می

۱ـ Hugo ـ مشهورترین شاعر قرن ۱۹ فرانسه متولد در بزانسن ۱۸۸۵ـ۱۸۰۲ وی کودکی خودرا در اسپانیا و ایتالیا و بعداً در پاریس گذرانید ودرسال ۱۸۲۲ کتاب «قصائد» درسال ۱۸۲۷ کتاب «کرمول» ودرسال ۱۸۲۸ کتاب «شرقی ها» را چاپ کرد نمایش (هرنانی) ۱۸۳۰ مایه شهرت وی گردید اشعار وی بزودی اورا بر اثر عظمت تشبیهات و استواری قافیه و وسعت احساسات درراس شعرای غنائی قرارداد آثار مشهور وی عبارتند از «آواز باطن» «کینوها» «مراقبه» «افسانه‌های قرن» «بینوایان» «کارگران دریا»

تشییع جنازه وی بسیار باشکوه بود ودر پانتئن بخاك سپرده شد

۲ـ Tennyson شاعر انگلیسی متولد درسامر بای ۱۸۹۲ـ۱۸۰۹ مولف، «درغزلهائی برای شاه» شاعر ملی، سبك وی از نظر هم آهنگی وزن وصورت ممتاز است .

داده بخوبی دریافته است لزوم «مختصر ،فشرده ،وروش روزنامه‌نویسی بجای مباحثه واستدلال» از آن گذشته وی‌مبتکر نوع داستان‌های «پلیسی» است که ذوق استدلال منطقی وقیاس های ضروری وی وهم چنین فرضیه های وی درباره روابط ایجاد اثر مجموعی وحوادثی که بایدبسختی تابع این اثر باشد ، اورا به این نوع داستان رهبری میکرده‌است بدیهی است که وی از عهده ساختن یك واقعه بخوبی برمی آید و میتواند ماهـرانه به حادثه‌ای رنگهای تند وشدید بزند مخصوصا دررنگهای تیره‌وترسناك سیاه آمیخته به سرخی خون ، بخوبی توفیق می‌یابد ولی‌دراین زمینه‌وی شاگردانی بسیار عالی داشته است که توانسته اند به‌وقایع تنوعی بیشتر بدهند ومکان ووضع‌را محتمل‌ترواشخاص‌داستان‌را با وضع‌روحی‌حقیقی تر نشان دهند و از حزن‌ونوای مرك اثر کلی داستان اندکی بکاهندپوئه افزار فرسوده وحشت راکه بیش از همه رایج است بما نشان میدهد یعنی شب تاریك،رنك پریده مرده ، مردگانی که بجهان باز میگردند و آوازهای ترسناك، طوفان وغیره با بیانی که تقلیدی مسخره آمیز ازسبك غنائی است آقای «لیالومینه» بخوبی‌نشان داده‌است که ترجمه‌بودلر غالباً ، غنی تر و هنری‌تر و مجازی‌تر و یا غالبا شدیدتر و پرمعنی‌تر ازاصل است که تقریباً به‌سبکی معمولی نوشته شده.

٦ - مکتب برتری فرد

پوئه ، هیچ‌چیزی که نماینده کلی‌مردم امریکا باشد نداشت وی را چنین پنداشته‌اند که در مه‌های رودخانه تایمز بـه پرورش نبوغ خود پرداخته وشایدهم هرگز روزی‌را ندیده‌بود که ادبیات کشورش براثر تأثیر افکاروی تغییر کند ،شاید تنها شعرفرانسه‌تغییر جهت داده‌باشد

وی معاصر خود، رالف والدو امر(۱)سن (۱۸۸۲-۱۸۰۳) را کاملا برعکس خود دیده‌است، چه اهمیت وی در توسعه ادبیات امریکا نظیر اهمیت «پلیاد۲» درفرانسه ویا مقدمه «اشعارغنائی۳» در انگلستان است.

ازامرسن، مقالاتی فلسفی ویك روزنامه و شعر و نطق‌هائی بجای مانده است دراروپا رساله‌وی را درباره «خصائص انگلستان» تاامروز هم می‌شناسند، باآنکه این تالیف منثور، از نظر انشاء ادبی، کاملا منظم ومرتب است فکر نویسنده وصفات امریکائی را کمتر نشان میدهد این تالیف را فقط ازآنرو برگزیده بودند که در آن ازانگلستان سخن می‌رود واینهم یکنوع نحوه آشنائی باادبیات امریکابود. ازآن گذشته‌از۱۸۵٦ به بعد باندازه‌ای تغییرات اقتصادی وسیاسی درجهان و کشورهای منضمه روی داده‌است که غالب‌قضاوت‌های امرسن‌فقط ازنظر تاریخ دارای‌ارزش

---

۱ - Ralph Waldo Emerson

۲ - Ly rical Ballade تألیف شاعر انگلیسی - Samuel taylor collcridge یکی از پیشروان بایرن وسبك غنائی مشهور بود که وی ظریفترین سخنگوی زمان خود بوده است ۱۸۳٤-۱۷۷۲

۳ - Iliade، شعرهمر در ۲٤ آواز وشاهکار شعررزمی این‌شعر شرح مبارزه یونانیان پس‌از بازگشت آشیل‌بخیمه خود است مرك‌پاترکل که بدست‌هکتور کشته میشود بیداری‌آشیل که‌اسلحه‌اش را ازجسددوستش پاترکل برداشته‌اند، تودیع هکتورواندرماك، برخورد هکتور وآشیل که برآخرین حامی تروآ پیروز میشود وجسد او را در پیرامون تروآ میگردانند وسرانجام به پریام پیر پدرهکتورمیدهدکه آن را باجلال و شکوه بخاك سپرداینهاوقایع اساسی این اشعاراست‌که قدرت بیان‌وقدرت احساسات وبیانات شدید قهرمانان ستودنی است.

۳ - مجمع هفت شاعر فرانسوی

میشوند و توضیحات و استدلات وی که جنبهٔ پیشگوئی دارد ، خنـده آور است .

رساله‌وی درباره طبیعت (۱۸۲۸) و دوجلد کتاب «مقالات» ۱۸٤٤ ۱۸٤۱ بنحو غیر قابل مقایسه از کتاب فوق ، مهمترند در این رسائل ، فرضیه‌های مشهوروی درباره ، فرد ، اعتمادبنفس ، پاداش ، روح ، بیان شده ونطق‌وی دردانشگاه کامبریج در۱۸۳۷ که بحق تحت‌عنوان (ندائی به دانشجویان امریکا) معروف شده است از نظر اهمیت در زمره این رسائل بشمارمی‌آید این نطق که شایسته عنوان (اعلامیـه استقلال عقلی امریکا) شناخته شده بمنزله یکی‌از عالی‌ترین آهنگ‌های شیپور در هر عصر ودرهر کشوراست که افکار یك‌ملت را به‌شورش وبیداری وبکار انداختن قوای‌فردی فرا میخواند از آنجاکه این ندا تأثیری شگرف در نویسندگان نسل‌بعد امریکا داشته‌است بایددرتاریخ ادبیات مکانی رفیع برای آن برگزید، ولی‌این‌ندا از کار کلی‌امرسن‌جدا نیست ودر آنجا فقط بـاطرحی عملی، تولید عقلی‌راجانشین فرضیه‌های فلسفی اومیکند .

متفکر - ازآنجاکـه فلسفه امرسن فلسفه اصـالت تصور است ، استخراج نتایج‌عملی وقابل‌انطباق با وقایع خارجی ، از این فلسفه کاری است اساسا امریکائی تااین تاریخ آرزوی ایجادادبیاتی تازه وویژه‌امریکا مبهم بود ومخصوصا ازنوعی میهن پرستی افراطی یا تحقیر خـود سرانه جهان قدیم سرچشمه میگرفت وتمایل ناپسندیده ، به‌ستایش کور کورانه مصنوعات وحوادث امریکا نقشی عمده‌را بعهده‌داشت هنر امرسن آنست که‌این آرزو وتمایل را برپایه عقل‌واستدلال قرارداد .

وی به‌برتری عقل‌توانا اعتقاد دارد (ما همیشه فکرخود را ادراك

میکنیم) ، که روح هریك پاره‌ای ازروح کلی است که جهان‌خارجی ، تجلی نشانه ، یا کتاب خواندنی ، آنست (وحی ـ یاالهام ـ روح)

در این فرضیه عقیده‌ای تازه و ابتکاری دیده نمیشود وامرسن به حل مسائل ازلی فلسفه از فکر خود مددی‌نمیکند. قدرت و نیروی‌وی کاملا در آن شجاعت عقلی است که در مقابل نتایج عملی فرضیه هـای خود از خویش نشان‌میدهد هنگامیکه میگوید :

« من ـ این جهانیکه‌من نامیده میشود ـ قالبی است که جهـان مانند موم در آن ریخته میشود »

چنین نتیجه میگیرد که هرمن ، هر بشر ، از نظر فلسفه ماوراء ـ الطبیعه مدرکی است آفریننده ، نه یك بازیگر سیاسی واخـلاقی و از همین‌جا فلسفه اصالت فرد کلیه عقاید وی ناشی می‌شود این فلسفه‌جنبه انقلابی دارد .

رساله وی درباره «طبیعت» نیز « اعلامیه استقلال دینی‌واخلاقی امریکا » نامیده شده است کاملا آمیخته به مسلك پوریتن پـدران وی، از این مسلك جدا نمی‌شود مگر برای‌آنکه فرضیه پـرتستان هارا بـه آخرین نتیجه منطقی خود برساند که دین‌امری‌است مربوط به‌آزمایش فردی و باطنی‌ازاین روی ، آداب و رسوم دینی پایه‌ای نداردو نخستین جلوه عملی شرف و تقوی امرسن آنست که چون دین‌فردی و باطنی را ترویج میکرد ، کلیسا را ترك گفت .

نتیجه دوم : حالا که هرفرد با تماس مستقیم یا باطنـی باروح کلی ، خلاق جهان است ، اقتدار وتفوق فردی بر فرد دیگرغاصبانه‌است امرسن در صف هواداران مخالف بردگی جامیگیرد .

پیام ادبی وی ـ بالاخره در ادبیات مرجعیت وسنن و رسوم شرعی دلیلی که موید وجود آنها باشد همراه ندارند ، فرد باید باانتخاب صور و کلماتی که فقط بنظر او مناسب آید : بدون اطاعت از بندوقیدی جز الهام خود آنچه می پسندد بنویسد در اینجا باید توجه کرد، امرسن مانند موسسین مکتب ادبی، قواعد نورا جانشین قواعد کهن نمیکند و یك نحوه چیز نویسی را بر نحوه دیگر برتری نمیدهد وی استقلال و اصالت مطلق فرد را اعلام میدارد و از همین جاست که پیام خارج از زمان وی رنك کهنگی بخود نمیگیرد و برای هر نسلی تمام نیروی خود را نگه میدارد و در هر روز آنرا میتوان گفت

چه بنظر امرسن تنها مهم آن نیست که فرد خود را از بند گذشته تاریخی برهاند بلکه رهاندن از گذشته فردی نیز اهمیت دارد .

« یك روح بزرك، با ارتباط و بستگی کاری ندارد هرچه امروز می اندیشی با کلماتی سخت بگو وفردا نیز اندیشه خودرا بگو آنرا هم با کلماتی سخت اگرچه، با گفتار امروزت متناقص باشد آری در اینصورت کسی مقصود شما را نمی فهمد، بزرك بودن هم آنست که مقصود شمارا دیگران هیچ درنیابند » .

« تقلید انتحار است»

« کسی که میخواهد انسان باشد بایدقید مطابقت و اطاعت را از گردن بردارد »

و این جواب را به « برویر(۱)» میدهد

---

۱ ـ La Bruyére عالم اخلاق فرانسوی متولد پاریس وی در آغاز بعنوان مربی و بعد بعنوان منشی مدتی از زندگی خود درخدمت نوه کنده بزرك بسر آورد کتاب « اخلاق » خود را بر ترجمه تئوفر است افزود در سال ۱٦۹۳ بعضویت فرهنگستان در آمد در امثال و تصاویر کتاب اخلاقش وی صفات و اخلاق معاصران را وصف کرده است (۱٦۹٦-۱٦٤٥)

« بهتر آنست که بگوئید هر ادبیاتی هنوز بکمال نرسیده است ، بشر تازه به اولین سرودهای خود رسیده ، جهان تازه و نواست و آنرا کهنه و گذشته مپندار امروز جهان چون دختری نوخواسته‌است »

و مخصوصا این عباراتی که خطاب بدانشجویان امریکائی است

«هرعصری باید کتابهای خودرا بنویسد یابعبارت بهتر هر نسلی برای نسل دیگر کتب دوره گذشته بکاراین دوره نمی آید ، چه راهنما ، خود سر ومستبد است ، من جز آنچه دیده‌ام و بر من گذشته است نمی‌شناسم ، عقل در نهادشما خفته‌است وشما باید همه‌را بشناسید و به هر کاری دست یازید ، بیش ازاندازه به‌الهه‌های صیقلی‌شده اروپا گوش‌فراداده‌ایم»

پیداست که‌این‌عبارات‌دراذهان‌جویای‌اظهارعقایدواحساسات‌شخصی چه‌تاثیری میتوانندداشته باشد واز همین‌جا اهمیت امرسن درتاریخ‌ادبیات امریکا آشکارمیشود ، هموست که واقعا اصول وقواعد ادبیات امریکا را پدیدآورده اصولی که نه‌تنها نویسندگان این کشور را در کوشش خود برای رهائی ازنفوذهای بیگانه رهائی‌داده بلکه نفرت و بیزاری آنانرا ازهر دسته وجمعیتی بیان‌میکند و بهمین دلیل هم در این تاریخ مکتبی ادبی یافته نمیشود ودسته‌بندی نویسندگان دشوار است .

نویسنده ـ آنچه بجامانده تعین‌ارزش امرسن از نظر نویسندگی است سبك‌انشاء امرسن ، بعلت تحقیر نویسنده‌به مکتب ادبی وارتباط و دلبستگی مضطرب‌است ، اگروی درفلسفه ماورالطبیه خود معتقد است که جهان رشته‌ای پیوسته وچون زنجیر بیکدیگر مربوط است (اتفاق وهرج‌ومرج درجهان نیست هرچه‌هست منظومه طبیعی یافلسفی و درجه بندی است) دیدیم که بنام آزادی کامل حتی وفاداری منطقی به عقاید

خودرا نیز ناپسندیده میداندو چون واقعا نخستین شاگرد مکتب خود است، افکارش ناپیوسته است عبارات وجملات وفصل های کتابش بدنبال یکدیگر می آید ولی بهم پیوسته نیست وی داستانهائی اخلاقی مینویسد که بنحوی ماهرانه باوقایع صدق میکند ولی غالبا متناقض یکدیگرند از آثار هیچ نویسنده‌ای بهتر از آثاراو نمیتوان قطعات منتخبه ، بدست آورد ، چه‌این قطعات سبب میشود که خواننده به‌عدم تناسب و تناقض آنها پی نبرد نوشته های وی بمثابه گوهرهائی است درخشان و گرانبها ولی بیشتر نظیر گردن بندهائی است که در آن‌مروارید و الماس به تعداد مختلف بهم می‌پیوندد نه آن گردن‌بندی که اگر الماسی کوچك از آن بیفتد هم آهنگی مجموع را برهم زند هنراین نویسنده آنست که جملات کوتاه را با قدرتی نظیر قدرت سبك مدرسی (Classique)اداء میکندو متابعت از قواعد دستور ولغات وبکاربردن کلمات کهنه و نادر بیشتر نوشته هایش را به این سبك نزدیك‌میکندو این‌هم‌قاعده وزبان‌دوره‌جملات‌پیوسته‌و بزرگ است که او آنرادرجملات مجزا و بریده بکار می‌برد ، پیروفرضیه «رمانتیك»درمورد الهام روش انشاء وی آنست که از صفحه خاطر افکاری راکه مناسب با تالیفش باشد برمیگزند وآنهارا دراین تالیف کنار یکدیگر میگذارد ، کوششی که برای بهم‌پیوستن این‌افکار برگزیده‌بکار می‌رود خسته کننده است ولی‌چون هرفکر به‌تنهائی داستانی اخلاقی است غالب جملات وی ازنظرصحت وقدرت بیان‌ماهرانه است .

شاعر ــ همین‌خصائص ، صراحت وزیبائی ، همین فکر گستاخ و سختگیر ، ولی فشرده‌تر ، وبدون تکرار و ترجیع ، و برعکس باقدرتی بیشتر در انشاء و معنائی بیشتر ، و آن متمم نیروئی که وزن و بحر

میدهد ، در اشعار وی یافته میشود که درزمره روان‌ترین پر معنی‌ترین ، وخواندنی ترین وهم‌چنین «مدرسی» ترین ، اشعار ادبیات امریکا قـرار گرفته است تمام‌اشعار وی چنان‌می‌نماید که از «هراس۱» الهام یافته‌است بالطف‌لاتن وتقطیع آنها .

اگروی‌جوانان‌را به بی‌اعتنائی به‌آثار قدما وامیدواردخوداو کاملا به‌این آثار آشنائی دارد واز نفوذ آنها لذت‌می‌برد وی به‌هم‌میهنان خود اندرز میداد که «به الههای صیقلی‌شده اروپا بیش‌از اندازه گـوش فـرا داده‌اند» ولی‌سبکی که کمتراز سبك‌او امریکائی و بیشتر صیقلی‌شده‌باشد نمیتوان یافت وی نخستین کسی‌بود که از رواج یك «نقدینـه لفظی» در ادبیات غمگین بود و بعنوان پیشرو حقیقی قرن بیستم توانست بنویسد «چه‌اندازه اسفناك‌است که نمیتوان دریك‌مجمع دوستانه بیکدیگر دشنام داد ! این کلمات مذموم ، یگانه کلمات پسندیده است ، این دشنام های هرزه وممنوع واین‌شوخی‌های میکده گرمی و نمك دارند ...»

ولی هیچکس بیش‌ازاو مؤدب وخوش‌پوش نبود وهیچگاه وی به «گستاخی» که ترویج میکرد تن‌درنمیداد و همیشه مانند آن قسمت از اجتماع محترم ماند که وی‌برای «کسیکه بخواهد در تماس با عضلات و استخوان‌های جامعه خود را شاد و خرم کند ،» اجتناب از آنرا تجویز میکـرد .



بیشتر امریکائی ازلحاظ نزدیکی به‌افکار عمومی ودرنتیجه آثارش از آثار امرسن خواننده دارتر ، رفیق و شاگرد و مقلد امرسن ، «داوید هنری۲تورو» است (۱۸۱۷-۱۸٦۲) که آنرا امرسن کوچك نامیده‌اند

درحالیکه یکی میکوشید اصالت فردرا درفلسفه وعقل بوجود آورد ، دیگری باتلاش فوق بشری میخواست درعرصه سیاست نیزاین فلسفه را ، راه‌دهد ، امرسن درجایگاهی مستحکم قراردارد که در آن‌اندیشه بنحوی مستحکم میتواند قواعدی بسازد ولی با «تورو» اندیشه درمرداب‌های‌وهم وپندار می افتد در همین مرداب هاست که فکر وشعور عامه میتواند اندیشه‌را پیروی کند عقایدوی درباره «شورش‌مدنی» وزندگی ساده، که یادگاری ازساده دلی قرن ۱۸است احساسات موروثی استقلال طلبی هر امریکائی حقیقی‌را به جنبش وهیجان در می آورد ، زیبائی سبک روان وی، آکنده به کلمات‌حکیمانه معقول وبموقع، مقتبس‌از افکاراستادوی، وهم وپندار را قوت میدهد با اینهمه تورو خود برای کتابفروشان‌مالیات ده مبتکر وفیلسوفی‌است .

شجاع‌تر وصدیق‌تر وشریف‌تر ازوی نمیتوان تصور کرد با ایمانی راسخ ازدادن مالیات سرپیچد وبزندان رفت ، دفاع محکوم بمرگی را بعهده گرفت که‌عالماعامداقوانین کشورش‌رادرموردبردگی‌نقض کرده بود بااعتقاد به‌اینکه زندگی عاقلانه‌تر یعنی خوشبخت تر ، ساده تـر از همه‌است وانسان متمدن درراه معاش لذات‌زندگی را تباه‌میکند و برای آسایش روح و آرامش وامنیت ، مالیات میدهد ، معامله‌ای که در خور ابلهان‌است ، حسن‌نیت را تا آنجا رسانید که بجای آنکه به‌گـرد آوری اثاث‌خانه وماشین ودم‌ودستگاه پردازد ، چنانکه معمولا اشخاص‌پس از انتشار چنین‌نصایح عاقلانه میکنند ، در کنار استخری رفت و دوسال در کلبه‌ای که خود باقطع اشجار جنگل مجاور ساخت ، بسر برد وازشکار وحاصل کشاورزی خود گذران کردوهمین ماجرا است که‌در کتاب «والدن

یا زندگی درجنگل » ۱۸۵٤ نقل کرده است این کتاب مایه شهرت او گردیده هدف تجربه وی آنست که انسان بی‌منت‌دولت و محاکم و بازار و پست و پاسبان وحتی بدون وسائل و مخصوصا بدون پول که غالبا فقدان آنرا ایراد میکردند ، میتواند آنچه دوست‌دارد فراهم آورد ولی در آغاز چه‌مخارجی لازم دارد؛ ازبین روست که کتاب « والدن » برای اثبات اینکه این آزادی ، تجملی برای توانگران نیست پراز محاسبه و تخمین است .

بعلت‌تشابه‌وضع‌دوقهرمان،این کتاب‌را با کتاب«روبنسن(۱) کروزوئه» مقایسه کرده‌اند ولی بااین مقایسه فقط میتوان فاصله نابغه را با خیال باف‌اندازه گرفت«دفوئه(۲)» درجزیره‌ای لم یزرع زندگی نکرده بود و بااین حال داستانش زنده وجاندار است ودر صورتیکه « تورو »ی‌پرگو وقایع نادری راهم که ممکن‌است جالب باشد درگرداب موعظه و پند غرقه میکند آنچه در یك جلد گفته میشود « مثل ، جامه‌مایه‌خوشبختی و نشانه انسانیت نیست، وی پنج یا شش صفحه سیاه میکند تابیهودگی تن پوش و وسائل آسایش‌وتلگراف (چه اخبار بد را بزودی‌می‌شنوند) و روزنامه (خنده‌آوراست که بدانند فلان شاهزاده خانم انگلیسی سر

---

۱ ـ Robinson crusoe قهرمان اساسی کتاب‌دانیل دوفوئه‌این کتاب شرح سرگذشت مردی است که در یك جزیره دورافتاده میتواند وسائل زندگی وحتی سعادت خودرا فراهم‌آورد و این سعادت بوسیلـه ورود بشری دیگر «واندردی»سیاه که روبنس‌او را از چنگال وحشیان میرباید تکمیل میشود .

۲ ـ Daniel defoe روزنامه‌نگار وداستان‌نویس انگلیسی‌متولد درلندن (۱۷۳۱-۱٦٦۰)

ما خورد) و راه آهن (اگر محاسبه زمانی که برای تهیه پول بلیط لازم است بشود انسان با پا زودتر میرود) را ثابت کند و هر بار نیز بهمین اندازه یا بیشتر برای اثبات سایر مطالب خود لازم دارد راست است که این مطالب به سبکی پرحرارت و بخوبی اداشده ولی پایان آنها پیدا نیست، مانند آن بازیگران (اپرا) که در مقابل نرده پلکان دقایقی طولانی بیحرکت ایستاده‌اند و میخوانند « تند بدویم ، تند بدویم » تورو » پس از سی وشش صفحه نطق وخطابه چنین نتیجه میگیرد « ولی اکنون برای رسیدن به تجربه من باید بشتابیم» که بمجرد رسیدن آنرا رها کنیم.

بدترین قضاوتها را درباره کتاب « والدن » هزاران ستایشگر این کتاب کرده‌اند که آنرادر صندلی راحتی در روشنائی چراغ برق دراطاق گرم شده باوسائل برقی ، میخوانند این کتاب یك خیال پرست است که مسلما پایش روی زمین بوده ولی نگاهش در ابرها سیر میکرده، نطق وی درباره «شورش مدنی» دلیل دیگر این ادعاست

« پسندیده نیست که احترام قانون را باندازه احترام حق ترویج کنند ، یگانه تعهدی که حق دارم بخود نسبت دهم، آنست که هردم آنچه را « من » حق طلق خود میدانم انجام دهم »

دراین مورد تنها کسانی شاگرد وی هستند که آثارش را نخوانده‌اند یا پس از اعمال این دستور آثارش را برای تبرئه خود خوانده‌اند از قبیل نوکیسگان بی‌باك ، وتوانگراق نابکار وکارمندان فاسد، موفقیت تورو درکشورخود ، بربسیاری از مناظر حیرت انگیز رویه‌های آزادیخواهی امریکا پرتوی درخشان تر می افکند واین رویه ها نتایج تاثیر « میراث

کالون(۱)» درافکار کوتاه بوده‌است .

تناقضی شوم در پایان است ، این دوستار زندگی سالم و هوای آزاددره٤ سالگی بمرض سل‌در گذشت .

« تورو » کتاب (هفته‌ای در کنار رودخانه کنکور وموی ماك) ۱۸٤۹ را نوشته که مخلوطی نامنظم است از حقایق اخلاقی و توصیفات شاعرانه که در آنها ، گردش باقایق بهانه‌ای برای معرفی مقالات امرسن است درباره دوستی و تقوی وغیره .. ولی سبك و زبان وی روان و روشن است .

« فلسفه‌برتر(۲)»- « باشگاه‌فلسفه برتر » مرکب ازگروهی آزاد از عقلا بود که در سال ۱۸۳٦ برای مبادله افکار درباره « عقاید تازه » در فلسفه و ادبیات و الهیات ، پیرامون امرسن گرد آمدند فرضیه های

---

۱ ـ Jean calvin مبلغ اصلاح‌مذهب درفرانسه‌وسوئیس‌متوفی‌در ژنو در جائیکه جمهوری پروتستان راتشکیل‌داده بود (۱۵٦٤ـ۱۵۰۹)

منظومه مذهبی کالون با مذاهب دیگر پروتستان این اختلافات را دارد تساوی افراد که این تساوی راکالون بقدرت مذهبی نسبت میدهد حذف کامل آداب و رسوم ، انکار مطلق سنت و تقلید ، و معین بودن سر نوشت

۲ ـ Transcendentalisme درفلسفه‌کانت آنچه‌را بعقل‌محض‌قبل از اشتغال‌آن بتجربه تعلق دارد برتریا ترانساندانتال مینامند ،

کانت مثلامعتقد بود که‌زمان‌ومکان‌دومفهوم برتراست یعنی‌عقل‌بدون استعانت‌تجربه بالذات این دومفهوم را داراست . فلسفه برترمکتب‌فلسفی امریکائی است که از فلسفه کانت ناشی شده که امرسن نماینده آنست ومشخص این فلسفه نوعی عرفان وحدت وجودی است .

« کانت(۱) » که این گروه نام خودرا از آنها گرفته ، ازانگلستان مخصوصاً بوسیله« کالریج(۲) »تازه به‌امریکارسیده‌بود اصحاب فلسفه‌برتر که فیلسوف ماوراءالطبیعه نبودند ، از این فرضیه ها عقایدی مبهم که بکارهم میهمان خودآید، استخراج کردند عقایداین‌قوم که‌بطورکلی نامعین‌است‌منظومه‌ای فلسفی‌را تشکیل نمیدهد، یگانه بیان فلسفی‌این عقاید که تاحدی روشن وصریح‌است‌در آثارامرسن دیده‌میشود، یگانه‌بیانی که« برتر » بمعنی اخص بود .که تازه آنراهم امرسن بنام خود نوشته نه بنام رئیس یك مکتب یاانجمن ، این گروه هیچگاه اساسنامه ای نداشت اعضائش باندازه ای به‌آزادی فردی علاقه داشتند که مفهوم یك انجمن رسمی‌را نمی‌پذیرفتند ولی میتوان گفت که این گروه لااقل درباره وحدت اساسی‌کلیه مذاهب و اصالت فرد ، وماهیت منفی شر عقایدی مشترك داشتند وروح تحمل و بردباری کامل وخوش بینی آنان وهم‌چنین بی‌اعتنائی آنان به‌کلیه سنن و آداب ومرجعیت وتقلید ، ازهمین‌جا سرچشمه میگرفت .

«خوش‌بینی این گروه باانجمن« بروك فارم۳ »متعلق به« جرج(٤) ریپلی » که‌نوعی صومعه برای ادبا بود آشکارگردید در این صومعه علل سوء تفاهم باید با استدلال عقلی ازمیان‌برخیزد ومباحثات‌عقلی ومطالعه‌را

---

۱ ــ Kant فیلسوف آلمانی متولددر « کونیگسبرك » موا‌ف« انتقاد عقل‌محض » « انتقادعقل‌عملی » « انتقادحکم » بعقیده‌وی زمان‌ومکان صورت احساس است واشیاء در اینصورت مانند جلوه و نمود دردسترس حواس‌ما قرارمیگیرد وشناختن‌اشیاء بنفسه برای‌حواس‌مامیسر نیست‌ولی‌قانون اخلاق مستلزم آزادی وبقای روح ووجود خداوند است

۲ــ Coleridge

۳ــ Brook Farm

٤ــ George ripley

در درجه اول قرار دادند تازندگی اجتماعی بهتری بوجود آید وحوائج مادی راکه دررفع آن همه باید شرکت کنند ، در درجه دوم ، با وجود علاقه و اشتیاق این گروه به تجربهٔ عقاید خود ، هیچیك از رؤسای این سلسله، نه امرسن، نه« الکت(۱) » نه «مارگارت(۲)فولر » به این انجمن نپیوستند و این انجمن با آزادی فردی و بی اعتنائی آنان به هردسته و گروهی ، مغایر بود ، انجمن « تورو» درکتاب « والدن » سازگار تر از همه بود .

« این انجمن نشریه‌ای نیز داشت در « دائل(۳)» که‌مدتش کوتاه بود ولی نویسندگانش برجسته بودمانند امرسن ، آالکت « لوول (٤) » «والری(٥)چانینك »و « مارگارت‌فولر » پس‌ازخاموشی‌هنر که‌ناشی‌ازفلسفه پورنین‌ها واطاعت ازسنن و آداب بود ، فلسفه برتر،مخصوصا تجددحیات ادبی‌را باخود بهمراه می آورد .

باید یادآور شد که فلسفه برتر لااقل با مکتب های فلسفی سایر دوره‌ها و مخصوصاً مکتب « اصالت وجود » (٦) دوجهت‌مشترك داشت اشخاص بسیار مختلف بدون اینکه دسته‌بندی وتقسیم شوند پیرو این مکتب بودند ٦ عامه مردم که پیروان این‌مکتب را جز اسماً نمی‌شناخت

---

۱ ــ Alcott

۲ ــ Margaret fuller ۳ ــ The dial

٤ ــ Lowell ٥ ــ W. Ellery channing

٦ ــ Existentalisme عقیده‌ایست‌فلسفی که مطایق آن بشر که قبلا نوعی وجود فلسفی وماوراء لطبیعه‌دارد بافعالیت‌وجود وماهیت‌خودرا انتخاب میکند برای توضیح بیشتر رجوع شود بکتاب(اکر نسناسنالیسیسم) تألیف فولکیه `

و هیچ‌هم دربند آن نبود که عقاید آنانرا در یابد این مکتب را مجمع خارجیان می‌پنداشت و نام « برتر »را معادل گیج و شیدا می گرفت اگر درنظر آوریم که عامه مردم براثر سنن وررویه‌های پروتین‌ها عادت کرده بود که همه را از دریچه چشم گناه بنگرد این طرز فکر طبیعی و عادی بنظر می آید و حال آنکه اصحاب فلسفه برتر که امرسن در رأس آنان بود با انکار وجودشر معتقد بودند که فقط طرزفکرغلط و عادات ناپسند بافته میشود که آنهم مولود تنبلی و کاهلی عقلی است و بابکار انداختن صحیح‌عقل‌سلیم وباشهامت والهام روحانی، میتوان آن‌را ازمیان‌برداشت.

۷ـ دو داستان نویس « هوت هرن۱ وملویل۲ »

یکی از آنان در این خوش بینی سهیم نبود واو هم نویسنده قوم «فاتاینل هوت هرن » (١٨٦٤ ـ ١٨٠٤) بود وی با دوستان خود دراین فکر موافق‌است که قانون‌استبداد و زور درجامعه فرماندهی می کنید ولی این قانون ضروری و حمتی است وهمیشه از نوآغاز میشود ، یك یوغ بردگی‌را تکان‌میدهند وبر میدارند تا دیگری‌را جانشین آن کنند که‌شاید هم بدتر باشد «هوت هرن » ١٨٤١ بانجمن براك فارم پیوست تا در تجربه و آزمایش آن شرکت کند و از این شرکت فقط خاطره‌ای بیاد او ماند که از سفری که لحظه‌ای انسان را از بار غم آزاد میکند . همراه میاورند ، چه وی غمگین و بدبین بود ، شك او نسبت به اصلاح طلبان بحد کمال بود ، و از همین روست که داستانی مانند « دختر راپاسینی۳ »

۱- Hawthorne ۲- Melville
۳- Rappacini

بدبختی‌هائی‌را نشان میدهد که تغییر دهندگان جریان طبیعی امور بدان گرفتار میشوند، وداستانی‌مانند « عشق بلیدال۱ » ۱۸۵۲ خطرات‌دست زدن بنظم اجتماعی را یاد آور میشود تنها جنایت آزادی بخش است قهرمان کتاب « حیوان مرمری۲ » ۱۸٦۰ ، حیوان آدم شده ، با ارتکاب جنایتی روح و عشق زنی را تصرف میکند و « هستر پرین ۳ » قهرمان داستان« نامهٔ‌سرخ ٤» ۱۸۵۰ براثرزناوفسق‌توانسته است آزادتر وتواناتر شود وناله مستمندان‌را بهتر بگوش دلسوزی بشنود .

ننك نا امیدی ، تنهائی ، اینها استادان او بودند و او را توانا کرده بودند .

این داستان ، را بحق شاهکار « هوت‌هورن » دانسته‌اند واقعاً‌نیز این داستان با آنکه غالباً‌توصیفات خسته کننده رشته کلام راقطع کرده ماهرانه نوشته‌شده است «این کتاب ماجرای زنی‌است که در دوره‌قدرت علمای دین ازجامعه پوریتن؛ بعلت زنا رانده شده ، حکایت کتاب کمتر از سایر آثار « هوت هورن » به رمز وسحر وجادو آمیخته و کنایه‌واشاره در آن فراوان است از قبیل : قدرت‌آزادی بخش هیجانات درونی ولی لزوم و ضرورت قیود ، نیرو ولزوم شر ، فائدهٔ رنج‌وعذاب ، ازآنجاکه مسئله گناه همیشه درفکراوست « هوت هورن » داستانسرائی غمگین وافسرده است چنانکه پنداری باکابوسی همراه‌است . آثار وی‌نیز مانند فکرش غم‌انگیزاست وی‌نخستین فرد این سلسله بدبینی‌است که درقرن

۱- Blidal

۲- Thr Marble Faun

۳- Hester Prynne

٤- The Scarlet letter

بیستم به ادبیات سیاه منتهی خواهد شد .

و بهمین دلیل «هوت‌هورن» بیشتر به رفیق خود « هرمان‌ملویل» ۱۸۹۱ ـ ۱۸۱۹ از لحاظ فکر نزدیك میشود تا بدسته اصحاب فلسفه برتر . دو وجه‌مشترك در این دو نویسنده هست که آندورا از نویسندگان امریکا متمایز میکند نخست بوسیله سبك : این رو معنی و مفهوم بودن را فدای تشبیه و استعاره و کنایه و وزن و جمله بندی های نا- موزون میکنند، مفهوم بودن ، اندیشه اساسی نویسندگان امریکا به «استثناء جیمز و « فلکنر » است ، «این دو با بیانی مهذب و آراسته مطالب خود را می‌نویسند بدون اینکه بتوانند سبکی «حقیقتاً مشخص‌و تازه بوجود آورند . فقط قواعدکهنه ولغات ادبی نویسندگان قرن ۱۷و ۱۸ انگلیسی را غالبا ماهرانه بکار می‌برند و هم‌چنین وجه متمایز این‌دو این نیز هست که داستان نویس امریکایی (دیدیم که پوئه چنین نیست) تصویری خیالی یا نزدیك به واقعیت میکشد و برجامعه‌ای که در آن بسر می‌برد خرده‌میگیرد و حال آنکه « هوت هورن » و « ملویل » ازاینکار جداً خودداری میکنند « هوت‌هورن » دردامن‌تخیل‌مسحور خودپناه‌می برد ، افسانه‌های خیالی ، افسانه‌های تاریخی و داستان های جادوگری ، زاده این تخیل‌است و «هرمان ملویل » دریا وجزیره و دیوهای خود را پناهگاه خویش میکند .

باآنکه وی این جزائر ودریا هارا باتجربه شخصی می‌شناسد چه وی در هفده سالگی براثرشکست در زندگی‌خانوادگی، به کشتی‌نشست و در جزیره « مارکیز ۱ » زندانی قبائل « تی‌پی۲» گردید و در ۱۸٤٤

۱ـ M-arquise

۲ـ Typee

بعد ازآزاد شدن بخدمت یك کشتی جنگی درآمد ، برای نگارش این داستان از تخیل و خاطرات خود بیك اندازه مدد میگیرد ، و در واقع ماجراهای شخصی خود اوست ،که زیور یافته و آراسته و افزوده شده موضوع نخستین آثار او قرار میگیرند «تی‌پی‌وامو ۱» ۱۸۴۷ «سیاه و سفید جامه» ۱۸۴۹ پس‌ازاین نگارش داستانها ، زن میگیرد و با «هوت هرن» پیوند دوستی را استوار میکند و در همین وقت است که کتاب «موبی ویك۲ یانهنك سفید» را می‌نویسد این کتاب‌را معمولا شاهکاروی دانسته‌اند . گفته‌اندکه منظور وی در این کتاب بیان رمز وتمثیلی‌است ، این دیو تجسم شر جهانی است‌که بشر باکوششی خستگی ناپذیر ، آنرا دنبال میکند و ناوبان «اهاب ۳» نماینده بشر است ، این بشر بدان دیو می‌رسد ولی مغلوب دیو میشود ، یعنی پیروزی نصیب شر میگردد .

هرچه باشد « موبی ویك » از معایبی‌که دامنگیر کلیه‌کتابهای «ملویل» است برکنار نیست این کتاب عباراتی فصیح ومناظری عظیم و چندداستان گیراوجذاب‌دارد ولی‌همه‌اینهادرمیان‌چه‌لاطائلاتی‌غرقه‌شده‌اند! وی‌درافکارخود ، بی‌پروا ونامنظم‌وپرهیجان است ، ماجرای داستان وی بافصولی‌کامل ازتاریخ طبیعی وجغرافی، حیوان شناسی‌وعلم‌الاشتقاق‌قطع گردیده‌که خواننده‌را دلسردوبیزارمیکند هیچ‌چیز بیش ازکوشش‌مداوم نویسنده برای‌اثبات‌این‌که ماجرای اوحقیقی است درحالیکه مسلماچنین نیست، نمیتواند اشتیاق وتوهم واقعیت را درخواننده نابود کند وامادر سبك باوجود قدرت شگفت‌انگیز وعظمت آهنگ ووزن‌که غالباً بدان

۱- Typee ommo

۲- Moby dick

۳- Ahab

دست میباید سبکش راتقلیدی مضحك دانسته‌اند سبك وی پیچیده‌ومبهم وبنحوی‌ترس آورفاضلانه‌است، در آن کسی « نمی‌میرد » « جان‌می‌سپارد » رنگ سرخ‌وجود ندارد فقط «ارغوانی» و «نارنجی» است ، خانه‌نیست «ساختمان‌هائی‌است که « شبکه » دارند روز دراین سباك بپایان نمی‌رسد « فقط سجاف جامه زرین وی میغرد » وغیره

۸ ـ سازگاران انگلستان جدید

کلیه کشورها درهرقرنی سهمی ازادبیات مدرسی‌ومبتذل داشته‌اند ولی بدون شك هیچ‌کشوری باندازه آمریکا این ادبیات را جدی وواقعی نپنداشته است‌ونتوانسته‌است مدتی بدین درازی موجدین این ادبیات‌را بدین بزرگی‌وشکوه معرفی کند تا تقریباً سی‌وپنج‌سال پیش « لانگ‌فلو » ۱ « ویته۲ » ودیگران معمولا بزرگترین‌اسامی‌ادبیات‌امریکا شناخته‌میشدند و بجز پوئه ، فقط این عده‌کسانی بودند که نامشان در کتب درس نوشته میشد . هنوز هم آنزمان نرسیده‌است که هیچ یادی‌از آنان نشود چنانکه درتاریخ ادبیات فرانسه دربارهٔ « ویلمن » ۳ و« پونسار» ٤ و« دلاوینی ٥» کرده‌اند، چه‌زمانی که مردم بحثی‌جز نام این‌ادبا نداشته‌اند بسیار نزدیك است . ولی‌لااقل کسانیکه درسر کلاس درمقابل کتاب اشعار« لانگ‌فلو » و« ویته» به خمیازه افتاده‌اند مطمئن باشند که ذوق آنان بد نبوده است

۱ـ Longfellow ۲ـ Whittier

۳ـ Villemain منتقد فرانسوی‌متولد پاریس‌استاد دانشکده‌سوربن (۱۷۸۰-۱۷۹۰)

٤ـ Ponsard (۱۸۱٤-۱۸٦۷) شاعر فرانسوی وی با افراط مکتب غنائی مخالف بود .

٥ـ Delavigne شاعر غنائی وتاتری فرانسه۱۷۹۳-۱۸٤۳

این دو شاعر کوچك فقط از نظر شماره و حجم کتاب‌های خود بزرگند مسلماً «هنری‌ورت‌لانگ‌فلو ۱» (۸۲_۱۸۰۷) شعررا بارروانی و آهنگی ملایم ومنظم می‌سرود واگر غیرازاین بود آیا میتوانست ده‌ها هزارشعر بسراید؟ ولی‌فکر وتشبیهی‌ازتشبیهات وافکار او پست‌تر وحقیرتر نمیتوان یافت وی‌شعر روایتی‌را رشته‌تخصص‌خود کرده‌بود ومحبوب‌ترین آثار او که همه محبوب بودند تاریخ‌اخلاقی«اوانجلین۲» ۱۸٤۷ است ، که در آن دخترك بینوا او پرهیزکار آکاری بجستجوی عاشق خود برمیخیزد معلوم نیست چه چیز این داستان معاصران وی را بیشتر دلباخته خود کرده ، احساسات ابلهاله ، یا دستورهای اخلاقی تقلیدی کـه در جای جای این داستان بسیارطولانی وخسته کننده ، آمده است وداستانهای کوچك وی نیز ازقبیل«آواز شب»۱۸۳۹ بهمین اندازه ازاین دستورهای اخلاقی‌دارد درمجموعه « قصائد واشعار دیگر» و « افسانه‌های مهمانخانه کنار راه » ۱۸٦۳ و«هیواتا»(۳) ۱۸۵۵ و« مایلزاستاندیش٤» ۱۸۵۸ و« افسانه‌های زرین » وی علاقه‌ای خاص به‌قرون وسطی نشان میدهد و اینهم از یك امریکائی‌معاصروی بعید واستثنائی‌است ، اگروی برتری‌وهنری داشت آن مهارت درتقلید بوداین‌استاد ادبیات دانشگاه « هاروارد »کتب یونانی و لاتین وایتالیائی و فرانسه وانگلیسی را بخوبی می‌شناخت واز هیچ جای دیگر الهام نمی گرفت حتی وقتیکه صحنه‌ها ومناظرداستانها واشعار خود را ازمیهن خویش اقتباس میکرد.

۱- Henry worth longfellow ۲- Evangeline
۳- Hiwatha ٤- Miles standish

معاصر وی ، شاعر صوفی « جان گرنیلیف ویته۱ » ۱۸۹۲ ـ ۱۹۰۷ بیش ازنیم قرن اشعاری ازهمه نوع از کارخانه طبع خود بیرون ریخت از قبیل، قصیده، قطعات اتفاقی، هجو نامه، شعرغنائی، شعر روایتی وغیره... مشهور ترین این اشعار عبارتند از « آوازههـای آزادی » ٤٥ ـ ۱۸۳۷ «موودمولر» (۲) ۱۸٥٦« گلوله برف» ۱۸٦٦ « چادرساحل » ۱۸٦۷وی باساد گی عامیانه سبك خود که فهم آن نیازی به تعقل عمیق نـدارد و با نصایح اخلاقی خود که باقالب افکار پورتینها کاملا مناسب است و بالاخره چون اینشاعرروزنامهنگاری ماهر بود میدانست یكفرد متوسط جامعه بهچه موضوعی علاقه دارد ، محبت وعلاقه معاصرانش را بخود جلب کرد یك قسمت عمده آثاراو ، اشعار اتفاقی است که در آنها بساد گی احساساتی را که فهم آن برای همه میسراست، درباره وقایع روز ، بیان میکند وی بزودی باعشقی پرشور بابردهفروشان بهمخالفت میپردازد وبدیدهمنتقدین امریکا این امر هنربزرگ وهمچنین برتری او بر «لانگفلو» است که به مسائلی که کشور اورا تکان دادند وبعد بخاك وخون کشیدنـد، بسیار بیاعتنا ماند اگر «ویته» واقعاًازرنج ضعفا بدرد آمده باشد واگرشجاعت وجوانمردی وی ، از لحاظ اینکه وی بشربود ، او را محبوب و صمیمی نشان دهد ، اینها حقایقی مسلم است ولی باشخصیت وارزش ادبـی کاری ندارند .

همچنین اگر هزارهاشعری کهازکانون خانـگی « پوشیدهازبرف » توصیفی دقیق میکند برای مورخ، مدرکی مهم اززندگیداخلی پورتینها

۱ـ John Greenleaf

۲ـ Maud Muller

باشد، این اشعار برای خوانندهٔ مشتاق هیجان وتشبیه یا زیبائی، چندان اهمیتی ندارد، وبا این همه درپایان زندگی (وی‌ده سال پس از لانگ‌فلو زنده‌ماند)معاصرانش‌عموماً اورابزرگترین شاعر امریکائی میدانستند، باستثناء «ویت‌من» و شاید اوبزرگترین شاعربود.

« جیمس روسل لوئل «James Russel Loweil (۱۸۱۹-۹۱ جانشین « لانك فلو » در کرسی‌ادبیات و هنرهای زیبای « هاروارد » نیز درصف مخالفان برده فروشی درآمد ولی‌فکرش بسیار مدرسی بودواز لحاظ نزدیکی به احساسات عامه بپایه « ویته » نمی‌رسید اشعار مهاجاتی وی چون « بچلوپی‌پرز » Bigelow papers (۱۸٤۸) شهرتی عظیم در زندگی شاعر بدست آوردند.

اگر بخواهیم از نظر شعر وشاعری درباره او داوری کنیم باید بگوئیم که فاقد اصالت رای وابتکار بود و از قوه انتقاد چندان بهره‌ای نداشت باآنکه شهرت خودرا نخست دراین زمینه بدست آورد فضلای امریکا اورا « سنت‌بو ۱ » امریکا شناختند پیش‌از جنگهای انفصال‌وی در کتاب « داستانی برای انتقاد » توانسته بود پاره‌ای از هم‌میهنان‌خود را

---

۱ ـ Charles-augustin sainte-Beuve منتقد فرانسوی‌متولد در « بونونی‌سورمر» وی‌نخست براثر اشعاری‌چون «قصائد» «زندگی» «شعر وافکار یوسف دلرم» و داستان هائی مانند «شهوت» در آسمان ادب درخشیدن گرفت وسپس کتابهائی بسیار درباره انتقاد وتاریخ نوشت که از آن‌جمله «تصاویر ادبی» « پورررویال» ، مصاحبه دوشنبه « دوشنبه های جدید» را میتوان نام‌برد وی انتقاد ادبی‌را ادراك نبوغ هر نویسنده میدانست ودراین زمینه صفاتی ممتاز ازذوق وظرافت ودقت‌وصحت اوخود بعرصه‌ظهوررسانید (۱۸٦۹ـ۱۸۰٤)

بنحوی جالب و هیجان‌انگیز وصف کند ولی کمی بعدکه مقامی در ادب حاصل کرد همت خودرا به تتبع در آثار نویسندگان «کلاسیك» مقصور گردانید و به نهضت‌های ابتکاری که درادبیات‌جوان کشور وی‌بوجودمی آمد بی اعتناء گردید و حتی از بودن این نهضت ها نیز افسوس می خورد «لوئل» استادی دل‌آگاه بود ولی فکری وامانده داشت و فقط به مطالعه و تحقیق درباره گذشته و جهان قدیم می‌پرداخت و تحقیقات وی چنان بود که حتی‌نظریه یا فکری تازه را درباره«اسپنسر» و«میلتن» و «دانته۱» و «چاسر۲» chacer و غیره...دربرنداشت‌عنوان« کتاب های وی «پنجره های اطاق کارمن» ، «درمیان کتابهای خود» اشاراتی

۱ـDante Aligrieri بزرگترین شاعر ایتالی متولد درفلورانس وی درشهر ولادی‌خود اهمیتی سیاسی داشت و ازطرف زمامداران شهر مأموریت‌های سیاسی مختلفی یافت دانته یکی‌از شش‌رئیس صومعه شهر خودبود ولی‌چون به‌حزب«سفیدان» تعلق داشت ازطرف‌حزب «سیاهان» تبعیدگردید (۱۳۰۲) وچندی در «ورن» بسربرد . وبعد بشهر «راون» سفرکرد ودرهمانجا درگذشت وی درهمان‌آغاز جوانی اشعاری عاشقانه وقصایدی سرود که درآنها عشق‌آسمانی و تقریباً عرفانی‌خودرا نسبت به «به‌آتریکس» Béatrix دختر «فلکوپرنی ناری» اظهار داشت‌وکمی بعد بخاطر همین« به آتریکس» بودکه‌کتاب « ویتانوآرا » تحت نظم درآورد ولی بیش از همه دانته بنام‌مولف «کمدی الهی» معروف است وازاین‌لحاظ اورا پدرشعر ایتالیا دانسته‌اند (۱۳۲۱ـ۱۲٦٥)

۲ـ Geoffrey chaucer شاعر انگلیسی متولد درلندن مؤلف کتاب «داستان های کنتربوری» وی درترجمه « داستان گل‌سرخ » «le roman de la rose» بانگلیسی ازهنر ایدالی و هنرکلاسیك پیروی کرد ـ چاسر یکی از بنیادگزاران ادبیات شاعرانه انگلستان است . (۱۳٤۰-۱٤۰۰)

حقیقی هستند که بی آنکه نویسنده پیش‌بینی کند بر کتاب خانه‌ای‌دلالت دارند که درهای آن بروی نسیم تازه بسته‌است.

«اولیویه‌وندل همز » olivier wendellholmes « ۱۸۰۹-۱۸۹٤

از سال ۱۸۵۷ یکی ار نویسندگان مهم مجله «اتلانتیك ماهانه» بود که « لوئل » سردبیر آن بود وی در این مجله با نثری ساده و صحیح فقط هجو نامه هائی جالب درباره مهمانان مهمانخانه خیالی یکی ازخانواده های « بستان » نوشت ، این مقالات ، رفته رفته جمع شدند وکتابهائی بوجود آوردند بنام « مستبد هنگام صرف چاشت » (۱۸۵۸) « استاد هنگام صرف چاشت » (۱۸٦۰) « شاعر هنگام صرف چاشت » (۱۸۷۲ « همز » مخالف با پوریتن‌ها بود و این مخالفت در این عصر خودابتکار واصالتی بشمارمیرفت ولی‌این ابتکار برعکس ظاهرخود امری واحدنبود در باره ارزش ادبی تالیفات وی تنها میتوان گفت که این تالیفات خیلی جالب بودند.

فصل سوم

نخستین نویسندگان ملی

اکنون به‌نیمه دوم قرن ۱۹ رسیده‌ایم ولی‌ممکن‌است که خواننده بی‌خبراین‌چند نویسنده بزرك راکه درطی‌این رساله براحوالشان آگهی یافتم انگلیسی بداند راست است که « امرسن » از صمیم قلب خواهان ادبیاتی ملی بود ولی‌حتی خود اونیز با ظرافتی‌انگلیسی‌افکاری فیلسوفانه داشت که عامه مردم از ادراك آنها ناتوان بودند شاید بهمین جهت بود

که مردم به افکاری کوچك تر می پرداختند ولی در موضوعـاتی بحث میکردند که با جریان طبیعی افکار او بسیار نزدیك می‌نمود .

راز محبوبیت داستان های « فرنیتر » نوشته « فنی‌مور کـوپر » و «کلبه عموتم » نوشته خانم « هاریت بیچراستو» Beecher -- stowe Mrs Harriet (۱۸۱۱ـ۹۶) در همین جا نهفته است کلبه عموتم کـه یکی از مشهور ترین داستان های جهان است در ۱۸۵۱ بچـاپ رسید و تعداد چاپش بزودی بریك ملیون بالــغ شد و در سال بعد در تماشاخانه بمعرض نمایش در آمد و بکلیه زبان‌های متمدن جهان نقل گردید شیوائی سبك وروانی وزیبائی انشاء وفصاحت جملات نیست که این کتاب تبلیغی راکه برای فاش کردن مصائب بردگان در دول جنوبی نگاشته شده بود محبوب‌جهان گردانیدعلت استقبال مردم آن بود که این کتاب درموضوعی بحث میکرد که همه در آن موقع بدان اشتیاق‌داشتند مطالب احساساتی و اخلاقی در آن عصر زبانزد همگان بود وبا آنکه خانم « استو » هنر وطبع ظریف« دیکنز ۱ » را نداشت باعشق وصمیمیت‌از آرمانی بزرك و پسندیده هواداری میکرد مسئله برده فروشی به آتشی مانند بود که او او آنرا باتـابشی بیشتر برافروخت مباحثاتی که درباره مبـانی جنگهای

۱ـcharles Dickens داستان نویس انگلیسی‌متولد در « لاند پورت» درداستان‌های بیشمارخود نقاب ازچهره ریاکاری و خودپرستی بر میدارد و از بدبختان و کودکان آواره دفاع میکند ازمیان آثار او «سرگذشت آقای پیك‌ویك » « بیکل نیکلبی» و « داوید کوپرفیلد » و «داستانهای نوئل»را میتوان نام‌برد که درآنهاشوخی باتأثر آمیخته‌میشود (۱۸۱۲ـ۱۸۷۰)

انفصال بمیان آمده هرچه باشد انکار پذیر نیست که «کلبه عموتم» را باید یکی از علل آن دانست چرا که در عقاید وافکار عمومی سخت کارگر آمده بود این کتاب چون روغنی جوشان بود که بر آتشی نهفته در زیر خاکستر ریخته باشند آنچه مردم کمتر میدانند اینست که پس از جنگ خانم «استر» بسیار کوشید که سرنوشت سیاهان بدبختی را نکوتر کند که برای آزادی آنان بدینگونه فداکاری کرده بود این آزادی برای سیاهان خطرناك شده و آنانرا بیچاره و پریشان احوال و آواره کرده بودو و رهانندگان سیاسی و نظامی آنان نیز غم درمان این دردهارا نداشتند

ولی باید گفت که عظمت روح و پاکی قلب وحتی موفقیت برای پدید آوردن اثری که شاهکار باشد کافی نیست وبحث درباره موضوعی که خاص امریکا باشد با ایجادروشی که امریکائی باشد دوتاست این مرحله قطعی را« والت ویت من »Walt Whitman و« مارك توان» Mark Twain می پیمایند که نخستین کسانی هستند که در نظم و نثر توانسته‌اند روح و دل امریکائی را با زبانی بسخن وا دارند که از هیچ نظر مدیون ادبیات اروپائی نیست .

آیا اینکار بر اثر نفوذ امرسن بود ؟ ظاهر حال چنین نیست «توان» شاید کتابهای اورا هم نخوانده بود و «ویت من» تابع افکار واحساسات خویش بود یا اگر بهتر بگوئیم از آشنا و بیگانه آنچه نکو می دید بوام می گرفت ! ولی شوری در دلهای مردم بود که راهنمای این دو نویسنده گردید شرط لازم برای ایجاد ادبیات ملی آنست که ملتی درمیان باشد «لانگ فلو» بدین موضوع پی برده بود ولی آنرا دلیلی برای واهی بودن آن ادبیات می دانست.

« ادبیات ما نمیتواند صرفاً ملی باشد مگر تا اندازه‌ای که صفات وطرز فکر ما باصفات وطرز فکر ملل دیگر تفاوت‌دارد » واز همین‌مقدمه نتیجه‌میگرفت که امریکائیان‌فقط بایدادبیات‌انگلستان‌را « ادامه » دهندولی حقیقت‌آن است که کشور بزرك تازه ، صفاتی‌خاص کسب میکرد که دیگر جنبه آرمان‌وآرزو نداشتند،عشق بآزادی‌فردی‌وحکومت‌عامه که دروجود «آبراهام لینکلن » ۱ مجسم شده بودو درنطق های ساده و مهیج و پر معنی او تجلی میکرد و همچنین ذوق به هنر ووسائل جدید کار وبی اعتنائی به تمدن قدیم و احترام‌پیروزی و موفقیت ، دردلها پدیدمی‌آمد

۱ - « والترویت من » walter whitman ۱۸۹۲ - ۱۸۱۹

خالی از اغراق نیست اگر بگوئیم که « والتر ویت من » نویسنده ای بوده است که عامه مردم به‌آثار او اشتیاقی نداشته‌اند بر عکس چون کسی او را نمی‌شناخت یا قدرتش مجهول بود در تمام زندگی‌خود می کوشید که هنر و استعداد خودرا بمردم بشناساند شاید تاریخ‌انتشار کتاب های او علت این‌بی اعتنائی مردم‌را بیان‌کند در ۱۸۵۵ هنگامی که کتاب « برك‌های گیاه » خودرا برای نخستین بار بچاپ رسانید هنوز بسیار زودبود که سبك و افکار وی از نظر صورت ومعنی در ادبیاتی‌مؤثرافتد که « لانگ فلو » و « لوئل » استاد آن بوده اند از آن گذشته

۱ـ Abraham Lincoln رئیس‌جمهور کشورهای متحد امریکا متولد در «پارون» انتخاب او بریاست‌جمهوری ازطرف هواخواهان‌الغاء برده‌فروشی (۱۸۵۹) نشانه‌جنك انفصال بود وی‌چون دوبار در ۱۸٦٤ بررقیب انتخاباتی خود « ماك‌کلان » پیروزشد بدست یکی‌ازطرفداران متعصب برده فروشی بنام «ج.و. بوت» پس ازپیروزی دول‌شمالی کشته گردید(۱۸٦٥-۱۸۰۹)

ایمان او به حکومت ملی وخوش‌بینی ساده‌اش بر اثر تغییراتی که زاده انقلاب صنعتی و نتایج جنگهای انفصال بود ، بسیار کودکانه می نمود . در این غوغای مشغله و کارهای فنی و صنعتی شعر درپس پرده‌فراموشی جا گرفت و جای خودرا به داستان‌ورمان‌سپرد با اینهمه درباره وی درست است که بگوئیم اگر «امرسن» عالم نظری ، ارسطو۱ یا «بوالو۲» ادبیات تازه امریکا بود « ویت من » نیز « چاسر »یا « ویون » (۳) آن‌بشمار

۱- Aristote فیلسوف شهیر یونانی‌متولد در «استاژیر» مقدونی وی مربی ودوست اسکندر کبیر رمؤسس نحله مشائی بود منظومه‌فلسفی اوطبیعت‌را بماچون‌صحنه‌های بزرك نشان‌میدهد که‌در آن‌ماده بیجان‌میکوشد که بفعل محض یعنی بعقل وذکاء تبدیل گردد عقل‌ارسطو بزرگترین‌عقلی است که تاکنون درافراد بشر تجلی‌یافته وی‌مصنف مؤلفات بسیاری‌است ازمنطق وازسیاست واز تاریخ‌طبیعی وازسماع طبیعی که ترقیات‌علوم‌جدید ارزش آنهارا ثابت کرده‌اند « تاریخ حیوانات » و « معانی و بیان » و علم‌الجو و سایر آثارش پراست از نظریات اصیل و ابتکاری درسراسر قرون‌وسطی وی‌استاد فلسفه بود ولی فیلسوفان قرون وسطی آثار اورا خوب نمیفهمیدندو آنهارا بدتعبیر میکردند وی‌در «کالسیس»واقع در «آدیه» درگذشت (۳۲۲-۳۸۴قبل‌ازمیلاد)

۲- «Nicolas boileau Despréaux» منتقد وشاعر فرانسوی متولد درپاریس مؤلف «مهاجات» « نامه‌ها » و «فن‌شعر» و «تورن» وغیره خطای اوآن بود که از ادبیات قدیم و ملی فرانسه بی‌خبر بود و ارزش ادبی‌شاعران‌مقدم بر «مالزرب» را انکارمیکرد ولی‌ظریف ترین نکات عقل‌وذکاء خودرا بکاربرد تاباحساسات ساختگی وتکلف وتصنع وفضل‌فروشی خلاصه با آنچه‌ازعقل‌وطبیعت بدوراست مبارزه کند وی‌دوست مهربان و پایدار «کورنی» و« مولیر » و «راسین» و« لافتن » بود (۱۷۱۱-۱۶۳۶)

۳- Fransois Villon شاعر فرانسوی متولد درپاریس درسال ۱۴۳۱ وی‌عمرخودرا باآشفتگی‌وپریشانی بسر برد وچندین‌بار نزدیك—

می آمد چه وی نخستین شاعر ملی بود .

آثار وی نسبت به آثار فراوان شاعران معاصرش ناچیز است و رویهمرفته سراینده یك جلد کتاب شعر بنام « برگهای گیاه » است که در تمام عمر اشعاری بر آن افزوده است هنگامیکه در سال ۱۸۵۵ برای نخستین بار بسرمایه خود این کتاب را بقطع وزیری بچاپ رسانید صفحات این کتاب بیش از ۹۵ نبود ولی هر طبع مجدد اشعاری تازه داشت و طبع آخری که درسال ۱۸۸۲ انجام گرفت کتابی قطور از کار در آمد که باحق تألیفی که بوی رسید توانست خانه‌ای بخرد سی سال طول کشید تا بالاخره موفقیت با آغوش باز به استقبال این شاعر شتافت ، چاپ های نخستین این کتابرا مردم نادیده گرفته یا مسخره کرده بودند علت آن چه بود ؟ غالباً این عدم موفقیت و ناسپاسی توده را نسبت به « ویت‌من » معلول شخصیت و اخلاق خود شاعر دانسته اند چه او بچه‌باز و لافزن بود و هم میهنانش از این عیب مخالف طبیعت سخت متنفر بودند ولی این عیب و نظایر آن از چیزهائیست که مردم معاصر بطور کلی از آنها غافلند نه بچه‌بازی مانع محبوبیت « ورلن۱ » گردیده است و نه زنای بامحارم از شهرت « بایرن۲ »

→ بود که بدار آویخته شود، ویلن سراینده «وصیت نامه کوچك» و «وصیت نامه بزرك» است که در آنها از نظر زمان اولین شاعر غنائی فرانسه بنظر می آید (متوفی بسال ۱٤۸۹)

۱ـ Paul Verlaine شاعر فرانسوی متولد در «متز» مؤلف «جشن‌های دلبری» و «عقل» وغیره. شعر وی ساده وغنائی است و باموسیقی هم آهنگی دارد (۱۸۹٦ـ۱۸٤٤)

۲ـ Gorgegordon lordbyron شاعر مشهور انگلیسی متولد درلندن مؤلف «چانلدهارلد» «دن‌ژوان» وغیره شعر این شاعر مانند طبع وخویش ، آتشین و هجوآمیز و هیجان‌انگیز است هنگام شورش یونان بایرن بمشرق رفت و در «نی‌سولن‌قی» درگذشت (۱۸۲٤ـ۱۷۸۸)

byron کاسته . علت تمسخر مردم را به آثار او باید درخود همین آثار جستجو کرد وی شاعری بود که بجای آنکه مانند شاعران زبردست دیگر از عشق و غم و بلبل و زیبائی زن و دلاوری و مرگ دم زند هوادار حکومت ملی وصلح و برادری و ترقی بود بدبختانه اینها کلماتی بودند که امروزهم اظهار سادهٔ آنها مردم را بخنده میآورد ولی «ویت‌من» بدین کلمات ایمانی راسخ داشت و برای اثبات آنها از عقل روشن وقلب مشتاق خودمدد میگرفت : شعله امید دردلش افروخته بود واین امید ازوهم وپندار بهره‌ای نداشت درست است که وی فیلسوفی تصوری بود ولی فکرش درآسمانها سیر نمیکرد و ازخطرات ومشکلات حکومت ملی بخوبی آگاه بود از آن گذشته شهوت پرستی ونحوه ادراك وی از طبیعت چنان بود که اورا از راز اشیاء ساده آگاه میکرد و آن احساس را از زیبائی در دلش پدید می‌آورد که مایهٔ امتیاز شاعران بزرگ میگردید یگانه عیب او آن بود که خود پرستی‌اش حجاب دیده انتقاد میشد وغالباً سبك وی آمیخته به احساسات تند میگردید و یا چنان پرتکلف بود که از ذوق و ابتکار بهره‌ای نداشت .

صورت عروض شعر نیز موضوعی بود که مایهٔ بی‌اعتنائی مردم باشعار او میگردید چه « ویت‌من » نه تنها قاعده هنر خودرا « اجتناب از استعارات شاعرانه » میدانست بلکه وزن وقافیه را نیز منکر بود و قوانین عروض وبحور شعررا ناچیز میگرفت مسلم است که وی همیشه‌متیوانست ازخود وزن و آهنگی بسازد وزن و آهنگی ملایم ودلکش که «چون پرواز پرنده در هوا بودویا چون شنای ماهی در آب» ولی معلوم بود که روشی بدین تازگی که زاده فکر شاعر بود با فکر معاصرانش موافق نمی‌افتاد

با آنکه همین معاصران این روش‌را بمنتهای سادگی رساندند با اینهمه وی شاعری اصیل وصاحب نظر است وخصائص‌مردم امریکارا در خود جمع آورده « ویت‌من» چنانکه خود را تعریف کرده است نمونه‌ای کامل ازآرمان اصحاب مکتب اصالت فرد امریکائی‌است.

« درباره حیات و تولد بحث کرده‌ام و به‌افکار خود جامه‌ای از منظره‌ها وایام وکارهای زمان خود پوشانده‌ام تا اینکه جائی خاص خود داشته باشند و بدرستی شناخته گردند وگاهی نیز این افکار را با غرور وتهور آزادی آمیخته‌ام تاروح امریکائی را که درحال تکوین‌است از اوهام وخرافات ونفوذ خفه‌کننده افکار گذشته اروپائی وآسیائی ضد حکومت ملی برهاند مقصد نهائی من آن است قواعد لفظ و شعررا برهم زنم و بدون یاوری الفاظ پرتصنع صفت ازلی و شهوی نفس خود را بیان کنم »

۲ ـ دسته جدید نویسندگان

مارك‌توان (۱۸۳۵ـ۱۹۱۰) Mark Twain

مارك‌توان، نه‌پیرو فرضیه‌های بزرك‌بود نه‌قدرت وتهوری‌خاص داشت به‌سادگی افکار خودرا باز میگفت وچندان دربنداتکار و تقلید نبود بر اثر ذوق نویسندگی وعلاقه بزندگی وهم چنین دریافت مزد چیز مینوشت واین صفات او را به‌یك‌امریکائی متوسط قرن ۱۹ بیشتر نزدیك میکرد : وی‌زن‌ومخصوصاًزن‌خودرا بسیارمحترم میداشت ودوستار اشیاء وقایع ونحوه رفتار ورفقای‌جوانی پرآشوب‌خودبود به‌افتادگان وفروتنان ترحم میکرد وپول‌را می‌پرستید وشیفته حوادث هیجان انگیزبود مشاغل وی در دوران زندگی عبار بودند از ، شاگردی مطبعه ، ناوبانی کشتی

بخار در رود « می‌سی‌سی‌پی » کشافی طلا ، روزنامه‌نگاری ، انتشار کتاب وسخنرانی توان بااین‌مشاغل ثروت‌هائی ازدست داد وثروتهائی‌نیز بدست آورد « بی آنکه ازفاش‌کردن دامهای ثروت چشم‌بپوشد » ظرافت‌ومهارت هنرمندانه زنان فضل‌فروش را مسخره‌میکرد وبامنطقی ساده ازمحبوبیت خود به‌ارزش آثارش می‌پی‌برد وی برای‌توده کار میکرد و میدانست چه کند که محبوب او گردد هیچگاه درغم آن نبود که منتقدان روزنامه ها را باخود همدست کند ازهرانجمنی کناره میگرفت ودرنویسندگی‌روشی را می‌پسندید که مایه موفقیت او گردد ، وآن‌روش نگارش موضوع‌های جالب باسبکی روشن بود .

دوهنر خاص که پس‌از وی همه نویسندگان امریکا در کسب آن دوکوشیده‌اند اورا ازنویسندگان سبك‌جدید کرده‌اندتاپیش‌ازوی ادبیات امتیاز امریکای شرقی وخاص طبقه‌ای بود کسی ادیب بشمار می آید که به‌جهان‌ادبی‌خاص‌واستثنائی « بستان»و« نیویورك»تعلق داشته‌باشد یااگر هم درجائی‌دیگر بدنیامی‌آمد بایستی به‌امریکای شرقی سفر کرده باشد .

باآنکه مرزامریکا ازمغرب به « کالیفرنی » رسیده‌بود ونام امریکا بر سراسر این قاره اطلاق میشد ولی‌شهرهای « انگلستان جدید » انحصار زندگی عقلی را دردست گرفته بودند «امرسن « تورو » ، « هوت هرن» وحتی « ویت‌من» ازاهالی مشرق‌امریکا بودند واگر «کوپر » و «پوئـه» درزیرآسمانی دیگر چشم بجهان کشوده باشند ، زندگی ادبـی آنان در مشرق امریکا آغازگردیده است ودر انجاست که خودرابمردم‌شناسانده اند این‌واقعه درتاریخ امریکا مهم‌است‌که توان که در « می سی پی » بدنیاآمده است هنگامیکه ناشران توانگر وتوانای «بستان»ونیویورك

می‌توانند توجه اورا بخود جلب کنند ، وی مایه سرافرازی ومباهات مردم شهر «سانفرانسیسکو» میگردد واقعه مهم دیگر آنست که وی از میان توده برخاسته است باظهور «توان» نه تنها برای نخستین بار مغرب امریکا بر مشرق آن تسلط می‌یابد بلکه بجای آنکه مشرق شکوفه های دانش وادب خودرا برسم ارمغان به غرب فرستد ، دیگر ادبیات مقام خود را که عبارت ازتعلیم وتربیت توده باشد از دست میدهد و توده درادبیات جائی برای خود بازمیکند «ساموئل کلمنز» Lamual Clemens وقتی هم که به «مارك توان» ملقب میشود باز از توده جدا نمیشود همین توده وافتخاری که این توده درحق او قائل شده شد اورا درزمره علما بشمار آورده‌اند وحتی هنگامیکه موی سروصورتش سفیدمیشودودانشگاه‌های امریکا درباره افتخار اعطاء تاج «استادهنر» بوی بایکدیگر نزاع میکنند و «اکسفورد» آری «اکسفورد» ! اورا دکتر ادبیات می شناسد ، مارك توان ، ازنظر سبك وذوق وافکار همان خبرنگار کوچك است که اهالی کالیفرنی باالشتیاق وحرارت آثاراورا خوانده‌اند .

هنگامیکه وی به اوج افتخار می‌رسد منتقدان همه سرتعظیم در برابراو فرود می آوردند وبه استادی اش اقرار میکنند واو را دیکنزی تازه یابزرگترین بذله گوی زمان حاضر می‌شناسند ولی در حکایات بذله سرائی او بندرت ازشوخی‌های آوازه‌خوان مهمانخانه ها بهتر وگرانمایه تر میشود قهرمانان داستانهای او اشخاص خشن و زننده‌اند که ظرافت طبع وروح وحقیقت قهرمانان «دیکنز» را ندارند وی افکاری خنده آور دارد ولی اندازه‌ای برای آنها قائل نیست ویك فکر را تاحد اشباع تکرار میکند

چون این نویسنده خوش بین درپایان زندگی سختی‌ها و ناکامی‌هائی دیده و آنهارا بزبان‌قلم جاری ساخته‌است برخی بدین‌علت او را متفکر و فیلسوف دانسته اند و این صفت بدبین و بذله گو از ملاحتی آمیخته به تناقض عاری نیست خود او نیز فریفته این موضوع گردیده است مکالمه‌ای «فلسفی» ازاو بجامانده که پس‌از مـرك بچاپ‌رسیده بنام «بشر چیست».

اگر درباره این کتاب ناچیز وابتدائی بحث کنیم شایـد از اهمیت وی بکاهد ولی نه‌چنین نیست آثار توان همگی دلاویز ودلرباست‌چه او آسان می‌نویسد ومیداند چگونه‌خواننده را شیفته‌خود کند ، کتاب‌های اورامردم‌امریکادوست‌دارند بخاطر آنکه وی عالم‌اخلاقی وواقع‌بین‌است ولی سخنی خشن وزننده نمیگوید ، وباز بخاطرانکه وی‌از اخلاق‌و آداب معاشرت یك‌امریکائی متوسط بخوبی آگاه است بی آنکه فکری انقلابی ومخرب داشته‌باشد. «توان» کتابهائی مهم‌درباره مسافرت‌هائی نوشته‌است که تقریباً در کلیه قسمت های جهان کرده . براثر ایمان به‌برتری خود و تمایلش بـه ادراك مناظـر زیبـا از نظـر بهداشت و آسایش از شوری و کیك ها و بو های بد باندازه زیبائی ویا خاطرات تاریخی صحنه های مشهور ، متاثرمیگردد چنانکه در کتاب « بیگناهان در خارجـه » (۱۸٦۸) دیده‌میشود ، دراین کتاب بهمان اندازه خود را امریکائی نشان میدهد که در کتابهائی دیگر که باغرور واشتیاق ازمیهن خود بحث‌میکند مانند کتاب « به‌سختی » (۱۸۷۲) و کتاب«زندگی در سواحل می‌سی‌سی پی» ۱۸۸۳وی به‌مرز جنبه‌ای آسمانی‌میدیدوقهرمانان آنرامردمی‌شجاع و بی‌باك می‌شناسد و رود (می‌سی‌سی‌پی)را ازهمه‌رودخانه‌ها مهمتر میداند

«چه‌هستند رودخانه‌های دمشق در برابر پدر آبها ؟!» مسافرت‌های او را درمکان میتوان به‌سیاحت‌هایش در زمان نزدیك کرد در کتابهائی مانند «شهریارو بی‌نوا»(١٨٨١) یا امریکائی‌دردربار «آرتور پادشاه» (١٨٨٩) همین ترحم تمسخر آمیز نسبت به کلیه آثار و اشیاء غیر امریکائی و همان تحقیر و بی اعتنائی نسبت بحکومت هائی ، از خلال آنهاخودنمائی میکند ،که براثر اراده ملت بمیان نیامده اند ولی « توان » دلی حساس دارد و این فیلسوف تحققی کـه پیرو مسلك پروتستان است ده سال از عمر خود را برای تـالیف تاریخی از زندگی « ژان دارك » (١٨٩٦) میگذراند این کتاب‌ازاحساسات غم‌انگیزوسوزناك پر است‌و بنظر نویسنده دل‌آویزترین کتاب اوست ولی‌نه‌نسل های‌بعد براین‌عقیده‌اند و نه‌هیچیك از کتابهای او که‌اکنون کهنه بنظر میآیند .

عبارات کتاب « زندگی درسواحل می‌سی‌سی‌پی » افتخاری حقیقی ومسلم برای او کسب میکنند چه در این کتاب وی‌تجربیاتی را می‌نویسد که از ناوبانی کشتی بخار بدست آورده ، سبك نگارش‌وهم‌چنین ماجرای این داستان باندازه وقایع زندگی « رابینسن» در جزیره خود ، هیجان انگیز و گیراست ودو کتاب دیگر که وی خاطرات جوانی‌خودرا درآنها نقل میکنند همین لطف و جذابیت را دارند این دو کتاب عبارتند از « تام اره‌کش » Tom Sawyer (١٨٧٦) و مخصوصاً متمم آن«حوادث زندگی هکل بری فینا» Huckleberry finna (١٨٨٤) که‌شاهکاری از ادبیات‌توده‌بشمارمی‌آید « همینگوی » Hemingway نویسنده‌مشهور آمریکائی بخواندن این کتاب‌رغبتی‌فراوان دارد در آنجا «توان»شوخی

های مبتذل را کنار میگذارد و بشوخی حقیقی که آمیخته به ترحم وواقع بینی است دست می یابد اشخاصی که وی در صحنه داستان می آورد همگی شوخ و بذله گو هستند ولی این بذله گوئی آنان تصنعی نیست وخواننده احساس میکند که این اشخاص طبعاً شوخ و بذله گوهستند و بهمین علت آنانرا با معایب وجنون ها و افکاری باطل که دارند دوست دارد حوادث این کتاب غیر مترقب یا خارق العاده اند ولی وقوع آنها محتمل بنظر می آید و مجموعاً پرده ای بدیع و باروح از « غرب میانه » میسازند که متن آن مناظر عظیم و شاعرانه «می سی سی پی» است برخی گفته اند که «فینا» کتابی است که میتوان آنراهم سنك « رابین سن کروزوئه » و «تام جانس» Tom Janes دانست چه « فینا » « آئینه ای تمام نما از کلیه مظاهر یك تمدن است »

برخی « توان » رافاقد ذوق ادبی دانسته اند بیگمان وی خوش دارد که با طرزی زننده وزشت نویسندگانی بزرك راچون « جان آستن » Jane austen و « جرج ایلو » George Eliot و «هوت وهرن» خوار و ناچیز بشمرد ولی خوبست فقدان ذوق ادبی اورا به فقدان بی طرفی تعبیر کنم آنچه اورا زشت و ناپسند می نماید ادبیات لفاظ و پر تکلف امریکاست که پیروی از آن برای نویسندگان ومردم عامه اجباری است « درباره اهالی بستان باید گفت که من خوشتر دارم در آسمان «جان بینان» John Bunyan درزمره دوزخیان بشمار آیم وورقی ازاین ادبیات نخوانم» حقیقت امر آنست که وضع ادبیات امریکا در سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۹۰ بسیار رقت انگیز بوده است در وقتی که سبك واقع بینی در فرانسه باوج کمال می رسد امریکا هنوز بیش از انگلستان پابند « آداب » دوره ملکه

ویکتوریاست « توان» نخستین کسی است که این قیود رادر هم می‌شکند و از همین روست که با وجود معایبش ، در ادبیات امریکا بعنوان مبتکر آئینی تازه ، و هم چنین بعلت نفوذ ادبی، مقامی شامخ دارد سبك اوساده و دقیق و پرمعنی و روان است واز تکلف وصنائع لفظی بهره‌ای ندارد وی بانظری صائب و معقول لغات محلی و اصطلاحات عامیانه ولگـردان کوچه وبازار را بکارمی برد در کتاب « هك فین » Huck finn ایـن اصطلاحات چنانند که گوئی قهرمان کتاب خودسر گذشت خویش را بـاز میگوید مانند همیشه که برای مردم حرف میزند ، منتها با ذوقی ادبی و طبعی خداداد که وزن و آهنك جملات را مراعات میکند در پایان میتوان گفت که « مارك توان » دروازه واقع بینی را بروی مردم امریکا گشوده است یعنی دروازه ای که بزرگترین قسمت های کالای ادبی امریکاتا پنجاه سال بعد ، از آن وارد خواهد شد .

۳ـ «صبغه محلی»

« برت‌هارت » Bret Harte باآنکه از نظر ذوق و استعداد از «مارك توان» پائین تر است ولی بازمیتوان اورا باتوان مقایسه کردنه از آنرو که دوست او بوده و درفن نگارش تاریخ تااندازهٔ راهنماو استادوی بشمار میآمده است بلکه مانند توان وی دوستدار موفقیت و محبوبیت است و در مغرب امریکا بوسیله اهالی مغرب به آرزوی خودمی رسد وی مبتکر آئینی است که آنرا « مکتب صبغهٔ محلی » نام نهاده‌اند. وارد کردن زبان ورفتار مردم کارگر وبازاری در ادبیات عکس العملی است در برابر سبك ساختگی و پرتکلف سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۹۰ ولی با اینهمه « برت هارت » وشاگردانش باندازه پیروان این سبك پرتکلف منفور اصحاب مکتب «طبیعت پردازی» **Naturalisme**

می‌باشند با آنکه تهیه کنندگان فیلم بسیاری از فیلمهای خودرا از روی کتابهای آنان برداشته‌اند . علت این امر آنست که این مکتب مناظر غم‌انگیز وتاریك‌را نقاشی نمیکند آنچه می نگارد کودکانه است ولی در پرده نقاشی‌اش نکته‌ای دیده نمی‌شود که بیننده‌را ناخوش آید . هیچگاه دربند توصیف کیفیات نفسانی و روانشناسی نیست و به‌انتقاد از اوضاع اجتماعی کاری ندارد آنچه می پسندد توصیف مناظر زیبا و محاورات منطقی و آدابی است که باآداب محافل ادبی تفاوت می کنند ولی کاملا دقیق است که آرامش سیاسی خواننده را با گفتار خود مشوش نکند .

« ربرت هارت » با نخستین دسته جویندگان زر به « کالیفرنی » میرودوا گرزری نمییابد درعوض از توشه‌ای که از شهرهای زیبای تازه و ومنظره زندگی مردمان نیمه‌طبیعی بهمراه می آورد ثروتی فراهم میکند کتاب (ثروت صحرای غرنده) (١٨٦٨) که حکایاتی در باره زندگی جویندگان زر را در بر دارد مایه بزرگترین ترقی برای کتابفروشان امریکائی میگردد ولی نکته قابل ذکر آنست که (هارت) با عزمی راسخ حقیقت را فدای نتیجه واثر کتاب خویش میکند وی نویسنده‌ای حساس وغمگین است وسخنانش از تناقض عاری نیست چون در بادی امر برای روزنامه چیز مینویسد فقط در بندآنست که وقایعی سرسری و هیجان انگیز بدست آورد حکایات چهار یا پنج صفحه‌ای او ناگهان توسعه‌ای غیر مترقب مییابند واحتمال وقوع آنها نیز کمتر میگردد : گدا توانگر میشود وسفله فضیلت‌و تقوی پیشه میکند وزن خشن وستیزه جو محبتی مادرانه مییابدوغیره . قهرمانان کتابهای‌وی که همه تصنعی هستندبازبانی مانوس‌ونمکین‌سخن میگویند ولی خود نویسنده برای بیان‌داستان‌سبکی

(ادبی) بکار میبرد که غالبا بر اثر فقدان سادگی مغشوش و نا درست میگردد .

نفوذ وی بسیار بزرك بوده است به پیروی از او تا ده سال زندگی مردم امریکا را در حکایاتی کوچك نقاشی کرده اند و از این لحاظ «مارك توان» و «جاك لندن » London و « اوهنری» O . Henry را باید از شاگردان وی دانست .



«اوهنری» (ویلیام سیدنی پرتـر ۱۹۱۰ - ۱۸٦۲) - William sydney Porter است که بیش از همه بوی شباهت داردو از نظر نقل حکایات ووقایع حیرت انگیز گوی سبقت از او میربايد داستانهای او که پایان آنها همیشه غیرمترقب است معنائی عمیق ندارند ولی شاهکارداستان نویسی بشمار میآیند نویسنده نیز در نقل وتوصیف مناظر بدیع افراط نمیکند وی حکایات و عباراتی دارد کـه در آنها زندگی روزانه یك امریکائی متوسط در نظر گرفته شده و با دقت وصحت نقل گردیده است ولی چون میخواهد با احساسات وتخیلاتی شورانگیز آنها را بیش از آنچه طبیعی است زیبا ودلاویز کند نقاشی هائی که ازجنوب ومغرب نیویورك کرده است واقعیت خود را از دست میدهند وار نقاشیهای « برت هارت» از کالیفرنیا حقیقی تر بنظر نمی رسندقهرمانان کتابهای او نمونه ومظهری ازانسان واقعی یا تقلیدی تمسخر آمیزاز اوست چون نخست اورا استادی بزرك وحتی نابغه دانسته اند باید گفت که وی نویسندهٔ شوخ و بذله گو ولی هنرمندی توانابوده است.

فصل چهارم

آغاز دوره جدید

تنها در کشور متحده امریکا نیست که داستان نویسی در طی عمر چندین نسل مقامی شامخ بدست آورده است وحتی جنبش داستان‌نویسی نیز از این کشور آغاز نگردیده .

« بالزاك۱» و « دیکنز » و « تاکری۲ » و « داستایووسکی۳ »

۱- Balzac (Honoré de) داستان نویس ماهر و پرتألیف فرانسه متولد در تور نویسنده «مضحکه بشری» سلسله‌ای ازداستان‌های جالب که باوجود نقایص‌مربوط به‌سبك واطاله پاره‌ای از توصیفات ، از نظر قدرت مشاهده واحساس واقعیت‌و باروری تخیل بسیار دلکش‌است‌مهمترین این داستانها عبارتند از « اوژنی گرانده » « باباگوریو » « جستجوی مطلق» « توهمات گم‌شده » «درخانه پسر» « سوسن‌دردره » «عظمت و بدبختی فواحش» «سزار بیروتو» « پسرعموپن» «دخترعمویت» وغیره (۱۷۹۹-۱۸۵۰)

۲- Thackeray (William) داستان نویس انگلیسی متولد در کلکته نویسنده «بازار لاف» «هنری اسمند» وغیره.. داستان هائی که قدرت مشاهده وتمسخر در آنها بهم آمیخته است و نویسنده بسختی معایب اجتماع‌را ریشخند میکند (۱۸۶۳- ۱۸۱۱)

۳- Dostoïevski (Fedor) داستان‌نویس روس متولددرمسکو نویسنده داستانهائیست که از نظرروانشناسی وتأثر بسیارجالب‌است کتاب های مهم او عبارتند از « بزه و کیفر» «درخانه اموات (۱۸۸۱-۱۸۲۱)

۴- در تاریخ ادب وسیاست‌روسیه سه‌تن بنام «تولستوی» مشهور شده‌اند یکی Leon comte Tolstoï سائس روسی مشاور پطر کبیر بوده است (۱۷۲۹-۱٦٤٥) و دیگری Lon comte Tolstoï داستان نویس روسی‌است متولد در«یاسنایا - پولی یانا» (۱۹۱۰-۱۸۲۸)آثار مهم‌او‌عبارتند از «صلح‌وجنك» «اناکارتین» «رستاخیز» وغیره ... ←

و « تولستوی٤» سالها بود که روی در نقاب خاك نهفته بودند و نویسندگان امریکا میکوشیدند که داستانهای امریکائی را در جهان رائج کنند ولی اکنون که داستانهای فرانسه وروسیه و انگلستان از شهرت مردگان ، زنده و جاوید مانده‌اند کشور امریکا مقام اول را در داستان نویسی بدست آورده است واگر علوم طبیعی را کنار گذاریم میتوان گفت که کشورامریکابا داستان‌نویسان کنونی خوددر آسمان ادب جهان‌درخشیدن آغاز کرده ، همین نویسندگانند که بآرزوی ادبیات ملی جامه هستی پوشانیده‌اند این ادبیات از ادبیات بیگانه الهام نگرفته ولی از آن تقلید کرده‌است‌از این‌رودردوره‌ای که آغاز وانجام آن‌تقریباًاز ۱۸۸۰ تانخستین جنك جهانی‌طول میکشد داستان (رمان) امریکائی شیوه وروشی خاص یافته و نوعی مشخص پدید آورده اصت .

دگرگونی قرن

نزاع اصحاب مکتب خوش بینی ونخستین واقع بینان

این ادبیات که ترجمان احساسات و افکار ملی‌است‌از روزی‌پدید آمده که نویسندگان‌امریکائی خواندن کتابها را کنار گذاشته وبامریکا ومظاهر آن پرداخته‌اند «توان» ومکتب صبغه محلی (بهمین‌کار کمر بسته وبرخواسته) اند .

← تولستوی در نقاشی‌زندگی‌واخلاق‌وآداب ورسوم مردم روسیه بسیار مهارت دارد وچون‌عالم الهیات واخلاق است میکوشد که عقاید خودرا به مسیحیت‌ابتدائی نزدیك کندسومی «الکسی نیکلاویچ تولستوی» Alexis nikoloevitch Tolstoï نویسنده روسی‌است متولد در « بیکلایوسك» (۱۸۲۲-۱۹۴۵)مولف کتابهای «درطوفان» «پطر کبیر» «ایوان‌مخوف» احتمال قوی می‌رود که منظور نویسنده از تولستوی ، نویسنده « آناکار نین» باشد .

بدنبال آنان نویسندگان وسپس شاعران امریکا از فکر ازلیت و کلیت باز آمده وهمه را دربند شناختن جزئی وفردی درزمان و مکان گردیده‌اند. بشر دیگرمایه‌سرگرمی آنان نیست آنچه آنانرا به اندیشه وتفکر وبحث وامیداردامریکائی‌معاصر است از این‌نهضت بیشتراز آنرو پشتیبانی‌میشود که‌بسیاری از نویسندگان‌جدید بجای آنکه‌دردانشگاهها یا درکتابخانه‌های‌خود بسر برند جز روزنامه نگاری کاری ندارند و همه را دربند آنند که برای روزنامه خود اخباری بدست آورند با ظهور (هنری جیمس) Henry Jamse و (ادیت وارتن) آغاز قرن بیستم با آخرین نویسندگان ادیب ودانشمند آشنا میشود برای آنکه ادبیات امریکا بمقام‌حقیقی‌خودرسد باید نویسندگانی از باختر امریکابرخیزند یا نویسندگانی پدید آیند که روزگار مردم باختر و سرزمین آنرا بخوبی بشناسند چراکه انگلستان‌جدید تقریباجزئی از جهان قدیم است که در کرانه غربی‌اقیانوس اطلس قرار گرفته وامریکا از آنروی شگفت انگیز است که چمن‌هائی پهناور دارد وشهرهای کوچك وبزرك.

ولی از دوجهت‌نویسنده میتواند بشهر و کشور خویش‌نظرافکند یکی بخاطر آنکه‌چون شهری‌بدین زیبائی دارد بخود ببالد ودیگر آنکه زشتی وبدیهای آنرا باز گوید، نهضت نخستین که عبارت از ستایش‌شهر ودیار باشد از دیرباز درامریکا معمول گردیده است از زمان (سن ژان کروکر)و(واشنگتن)تا زمان(ویت‌من)و(مارك توان)و(تودرروزولت۱)

۱– Theodore Roosevelt سائس‌امریکائی متولد درنیویورك نائب رئیس‌جمهوری امریکا در ۱۹۰۰ وسپس رئیس‌جمهور در۱۹۰۱ بر اثرمرك «ماك کین‌لی»وی در۱۹۰٤ دوباره انتخاب شد ۱۹۱۹–۱۸۵۹)

و (کوپر) و (امرسن) و (لینکلن) این نهضت نه تنها به ادبیات بلکه بفعالیت اجتماعی و سیاست ملت نیز روح وحرارت بخشیده است ولی آنچه تازه است نهضت دومی یا انتقاد از کشور خویش است این نهضت که از خلال آثار (هوت هورن) به سختی دیده میشود و در آثار (سنیکرلوئس) Sinclair Lewis و (دس پاسس) Dos passos کاملا هویداست و در سال ۱۹۰۰ با ظهور (هاولز) Howells و نویسندگانی طبیعت پرداز (N-aturaliste) چون (نوریس) Norris (اپ تن سینکلر) Upton و (درایزر) Dreiser رفته رفته صورت وشدتی بخود میگیرد

این نهضت انتقادی با ظهور (ادیت وارتن) و (تودردرایز) theodor و (لوئیس) و (دس پاسس) و (فیتزرالد) Fitzgerald بزرگانی درادبیات آمریکا پدید میآورد وازاین روست که خوانندگان این ادبیات آن را تجلی حقیقی روح کشورهای متحد امریکا میدانند ولی نهضت دیگر را که ستایش آثار امریکا باشد نباید فراموش کرد از آغاز قرن بیستم وحتی تا امروز (رمان) های احساساتی امریکا از آنها هستند که بیش از همه مایه گرمی بازار کتابفروشان می گردند وحال آنکه طبیعت پردازان غم انگیز وبدبین عیب جوی اجتماع که بعلت هنر واستعداد شخصی یا نفوذی که در تحول ادبی داشته اند بسیاری از صفحات آتی را ببحث در احوال و آثار آنان اختصاص خواهیم داده معمولا معروف نظر هم میهنان معاصر خود نگردیده اند ویا بخوبی مقاصد آنان فهمیده نشده است و رویهمرفته آثار آنان خیلی کمتر از آثاری خوانده شده است که در تاریخ ادبیات ناچار است اندکی درباره آنها بحث کند.

دوره آشفته ادبی جدید را نویسندگانی چون « ائی. و. هاو »

E. w. Howe «هاملن گارلند» Hamlin garland و« آر،اج، داویس»
R. H. Davis و« دی،جی، فیلپس» D. G.Phllips و«ربرت هریك»
Robert Herrick بوجود آورده‌اند در صورتیکه محبوبیت عامه نصیب
« بوت تارکینگتن » Booth tarkington و « درتی‌کان فیلدفیشر »
Dorotuy Can field fisher و « ویلیام آلن‌وایت » Allen white
William میگردیده است راست است که نویسندگان اخیر بهتر ودلاویز
ترمی‌نوشته‌اند و مهارت و استعداد آنان از نویسندگان نخست‌بیشتر بوده
است ولی‌این‌نکته به‌تنهائی علت‌محبوبیت وشهرت آنان‌نیست نویسندگان
اخیر بیش ازهمه زندگی سالم و باتقوای روستاها ومزارع را می‌ستوده‌اند
وحال آنکه، غریزه انتقام‌جوی«ای ، و، هاو» ونگاه های غم‌انگیز«هاملن
گارلند» به‌جهات خنده آور و زشت این زندگی توجه‌کرده است ولی‌با
اینهمه «ربرت هریك» فساد اخلاق طبقه‌متوسط را براثر بازرگانی و سود
پرستی،نقاشی میکند.

داستان نویس امریکائی امروزبدیده ما آدمی بی‌شرم وگستاخ‌می
آید و اگر نیاك بنگریم می‌بینیم که آثار «دس‌پاسس» و«فارل» Farrel و
« کالدول» و از جهتی «همینگوی»همین احساس رادرما بوجود می آورند
ولی غلو در احساسات وستایش تقوی معمولا معرف ادبیات امریکا نیست
دربرابرادبیات‌مستهجن ور کیك « کالدول»و«هنری‌میلر» Henry Miller
انجمن هائی را نباید فراموش کرد که برای دفاع ازسجایای پسندیده و
تحریم زشتی ها و ناپاکی هائی بوجود آمده اند که سراسر داستان های
«فیتزاولد»و«همینگوی»رافرا گرفته‌است سینمانیز برای آن ساخته‌شده‌است
که‌تاحدی ازشدت وزنندگی «ادبیات‌سیاه» بکاهد فیلم امریکائی‌باتشویق

احساسات «نیکو» میهن پرستی و نمودن پیروزی قهرمان جوان پرهیزکار وتصورشاعرانه اززندگی روستاها وپشیمانی کارفرمای انحصارطلب که در پایان فیلم دست دوستی بسوی کارگران خوددرازمیکند، ویا بانشان‌دادن صحنه های بزرك تاریخی گذشته ، وارث‌وادامه‌دهنده‌رمان‌عامیانه امریکائی است آن رمانی که بشیوه و روش « بوت تارکینگتن » نوشته شده است مبارزه مکتب واقع‌بینی با این تمایل آمیخته به‌خوش بینی و احساساتی وبا مکیب رمانتیك « Romantisme دو صفت برجسته مکتب واقع‌بینی را نشان میدهد که یکی توجه‌روزافزون وغالباً انحصاری این مکتب‌است به‌نواقص ومعایب تمدن امریکائی ودیگری مخالفت آنست باهر مکتبی که ازنظر صورت یا ماهیت دراحساسات غلو کند خلاصه با هرچه در آن شائبه وهم وعاطفه شدید واحساسات تند و آتشین باشد سرمخالفت دارد ناگفته نگذریم که این مبارزه ومخالفت اززمان « اگلستن » Eggleston تاعصر «درایزر» بسیار طولانی وسخت بوده است

در ۱۸۶۱«رزتری کوك» Rose Terry Cooke یکی ازحکایات خودرا بااعلامیه‌ای‌منتشر کرده‌بود که‌میتوان آنرا بیانیه مکتب‌جدیددانست

«داستانی غم‌انگیز اززندگی پاك وساده یا تاریخی ازاجتماع‌مردم رعناوتوانگر بشماتقدیم‌نمیکنم بلکه آنچه‌دردسترس شما میگذارم‌حکایتی کوچك است درباره زنی که نمیتوانست فداکار وجانبازباشد.»

وای وی‌پااز دائره فکرونظربیرون ننهاده بود هم چنین درغریزه اجتماعی وعیب جوی خانم «بیچراستو» تمایلاتی ازمکتب واقع‌بینی یافته میشود درنهاد «ادوار اگلستن»Edwavrd که دردل دارد نهضی از«واقع بینی» پدید آورد اراده‌ایست که میخواهد مشکلات راه را از میان

بـردارد و سرزمین انگلستان جـدید و زندگـی مردم آنـرا موضوع داستانهای خود کند . در واقـع « رمان »های‌نامی وی که از میان آنهـا « هوزیه آموزگاردبستان » در ۱۸۷۲ محبوبیتی بـزرك یافته است صحنه هائی حقیقی از شهر های « اندیانا » Indiana و «اوهیو» Ohio و«ایلی‌نوا» Illinois و«می‌نه‌سوتا» Minnesotaرا نشان‌میدهند با آنکه به احساسات تند و وقایع غم انگیز آمیخته‌اند . با اینهمه بخاطر واقع بینی عاری از تصنعی که در پاره‌ای وقایع یافته میشود«اگلستن»را نویسندگان جدیدمحترم داشته‌اند (۱).

ولی ادبیات در کشورهای متحدامریکا تنها معلول انقلاب‌وتحولی عقلی نیست‌بلکه پیدایش آن بیش از سایر نقاط به انقلاب صنعتی بستگی دار که باید بعنوان صفتی که مشخص آمریکاست، جنگ های انفصال‌و جلوگیری ازنهضتی که بمنظور اطلاع از سرزمین باختر امریکاو زندگی مردم آن آغاز کرده است بر علت آن بیفزائیم براثر بسته شدن مرز این نهضت ازمیان میرود.

توسعه صنعت بزرك که مصادف است با دوره مرمت آسیب های جنگ ۱۸۶۵ـ۱۸۶۰ شوری برای صنعت و کاردردلهای امریکائیان پدید آورده که نه سابقهٔ داشته و نه تاریخ از آن پس‌نظیر آنرا نشان داده است مردم امریکا در طی چند سال شهر هائی میسازند و ترعه هائی میکنند

---

(۱) ازمیان داستان‌هائی که بسبك رآلیسم نوشته شده‌است داستان دلاویز « زن کوچك » (دختران دکترمارش ۱۸۶۸) نوشته «لویزامی آلکت» Louisamay Alcott رامیتوان نام‌برد که مسلماً داستانی‌سیاه وحتی غم‌انگیز نیست ولی نماینده ترقی و پیشرفتی‌است که درمطالعه صفات حقیقی ازنظر روانشناسی روی‌داده است.

راه آهن سراسر قارهٔ امریکا را فرا میگیرد و مردم ثروت هائی هنگفت بدست می آورند سفته بازی پادشاه دلها میشود وبساط رشوه گیری و فساد مانند نوعی دستگاه دولتی گسترده میگردد در طی پانزده سال کشورتازه ودمکرات کشور میلیونرها میشود ولی درهمین زمان مرز امریکابه کالیفرنی میرسد وسراسر قاره بتصرف شمال می آید ازاین پس دیگر از مهاجرت بسوی باختر امریکا سخنی بمیان نمی آید مهاجرتی که تاکنون صفت مشخص اجتماع امریکائی بوده است و به هر کس که درخود یارای بخت آزمائی را میدیده آن نیرورامی بخشیده است که دل بدریا زندو راه سفر پیش گیردو باکارو کوشش و تهور ثروتی کسب کنداز این پس هیچکس جز باپول توانگر نمیشود زمین های باختر طالع وسر نوشت همه را ازجهت کسب ثروت یکسان میکرد وهمینکه این زمینها به عدهٔ منحصر گردید امریکا ننگین ترین وانقلابی ترین کشوری شد که در آن ثروت ها بنحوی نامساوی تقسیم شده بودند واین همان موضوعی است که پاره‌ای نویسندگان که از آن جمله‌اند(و.ری.هاولز» و«اج. آدامس» H. Adams (دریگانه داستان خود«حکومت ملی») و«ف نوریس» و« آر.هریك» وغیره نخستین امریکائیهائی بوده‌اند که بدان توجه کرده‌اند ودراجتماعی که براثراحادیث وسنن ملی از سرنوشت خود راضی است این نویسندگان نخستین کسانی بوده‌اند که معایب ومفاسدآنرا بدیگران باز گفته‌اند.

۲ـ «ویلیام دین هاولز» William Dean Howells (۱۹۲۰ـ ۱۸۳۷) «هاولز» نیزمانند «توان» درباختر بدنیاآمده وعلم‌را در مدرسه نیاموخته بود، طابع کتاب وروزنامه نگاربود ولی درهمان‌وقتی که «توان» با نیروی ظرافت طبع وقدرت استعداد وهنرخویش محبوبیتی دردلها می

یافت «هاولز» دردومجله مشهورادبی، ازمکتب‌واقع بینی دفاع میکرد این دو مجله یکی «اتلانتیك» The Atlantipue بود و دیگری «هارپرز» Harperos که از۱۸۸٦تا۱۸۹۱ وی دراولی که درشهر «بستان» منتشر میشد بعنوان منشی سردبیر کار میکرد ودر دومی که در نیویورك انتشار می‌یافت بعنوان سردبیر درمجله اخیراست که بر اثر مطالعات ماهانه و وانتقاد از کتابهای رائج نفوذی درادبیات بدست آورده وی ازنظر مکتب واقع بینی درباره اینکتابها بحث میکرد

« هاولز » همیشه پرستنده حقیقت عریان و سادگی بود ودرهمان داستان نخست خودچنین نوشت .

« آه! حقیقت‌ناتوان! آیا می‌توانم از لذتی که چهره‌زشت وزننده تو درمن ایجادمیکند بدیگران نصیبی‌دهم؟»

براثر نفوذ « تولستوی » که استاد وراهنمای او درنویسندگی‌بود مکتب واقع بینی‌را شعار خود قرارداد .

اگر از حق نگذریم مکتب واقع بینی وی مکتبی معتدل بود نه از آن‌نظر که «هاولز» شهامت ادبی نداشت چه برای اثبات شهامت خود ازدسته‌ای از « انارشیست » ها دفاع کرد که بعقیده وی بناحق محکوم‌به مرك شده بودند وهم‌چنین الحاق فیلیپین‌را به امریکا صلاح ندانست واز درون شهر ارتجاعی که تابعیت خودرا به‌او داده بود افکار اشتراکی و ایمان خودرا به‌آینده‌ای که در آن تساوی‌اقتصادی حکمروا باشدبیمحابا اظهار داشت ولی‌اورا طینتی احتیاط پیشه و طبیعتی عفیف بود وافکار و

عقاید « زولا »۱ را نمی‌پسندیدصحنه‌های معمولی داستانهایش ، تالار ها و مهمانخانه‌ها و عرشه کشتی‌هاست و هیچگاه بوقایعی نمی پردازد که در خوابگاه‌ها وزیرزمین‌ها و انبارهای تاریك و آلوده کشتیها روی میدهد قهرمانان داستانهای وی بمحیط نویسنده تعلق دارند بمحیطیکه با تواضع وادب و آرامش آمیخته است .

امروز آثار اورا کم‌میخوانند شماره این آثار اعم‌ازداستان‌ووقایع سفر ومقالات انتقادی وخاطرات تقریباً بالغ بر ۸۰ میشود وعلت آن این است که باوجود ظرافت سبك «هاولز دقیق وهنری می‌نوشت » این آثار کمی‌مبهم بنظرمی آیند واگروی نخستین کسی است که صحنه‌هائی‌واقعی اززندگی مردم امریکا را نقاشی کرده است باید گفت که این‌صحنه ها دیگر زندگی جدید امریکارا مجسم نمیکنند شاگردان وپیروان‌وی‌نه

۱ــ Zola (Emile) داستان نویس فرانسوی متولد درپاریس ، رئیس مکتب طبیعت پردازی، مؤلف سلسله انتشارات «روگن ماکار» افکار علمی وی‌غالباراه جدل‌وبحث را بازمیگذارد ولی انشاء او دلکش وسبکش پراستعاره وغالباً غنائی است واستعدادی عجیب در نقاشی‌وقایع‌و واوضاع اجتماعی دارد (۱۹۰۲-۱۸٤۰)

«روگن ماکار» « تاریخ طبیعی و اجتماعی یك خانواده است در زمان امپراتوری دوم« بلن‌وال» درتاریخ ادبیات‌فرانسه درباره«زولا» چنین می‌نویسد« هنرزولا » آنست که به‌بهترین وجه‌ممکن اماکن عمومی‌و مردمان آنها را نقاشی میکند وی هوای مست کننده محافل ، جشن ها و عیاشی ها وترس‌هاوخونخواری‌ها وفریادهای جماعات وفجایع باده‌خواری ومعایب رامی‌نویسد وچنانکه ویکتورهوگو درکتاب « نتردام دوپاری» کرده. بخواننده احساس فعالیت تب‌آور وکار خسته کننده ولذت مستی یا لطفی‌را منتقل میکند که‌اززندگی درکارخانه یایك‌مغازه بزرك یایك‌معدن یابازارپاریس یاازیك میکده یاازیك باغ و... ناشی میشود.»

تنهاازنظر پیروی ازمکتب واقع بینی و نقاشی حقیقی مناظر ازاوجلو افتاده اند بلکه آثار واحوال اجتماعی را می نویسند که به اجتماع ما بسیار شباهت ونزدیکی دارد . از اینرو عظمت و غم انگیزی «هاولز» بخاطر آنست که شاهد دقیق وغمناك انقلابی بوده است که درزمان وی روی داده وی می بیند ومی فهمد که همان امریکائی که جوانی خودرا در آن گذرانده یعنی امریکای آرمان پرست وخیال پرور از آرزوهای شیرین خوددست برداشته ودرزیر قدرت وتسلط پول قد خم کرده است در همان وقتی که معاصرانش ازتشعشع زرین آفتاب سعادت وخوشگذرانی خیره شده اندوی آن شایستگی واستعدادرا دارد که بیعدالتی ها وظلم ها و شرمساری ها و آزمندهائی را پیش بینی کند که ازاین سعادت ناشی میشوند و هنوز وی نخستین کسی است که براجتماع صنعتی و پرمشغله جدید خرده می گیرد ولی دیگر پنجاه سال ازعمرش میگذرد ونیمی از تألیفش نوشته شده است براثر این فکر دراین تالیف اختلافی عجیب روی میدهد

در قسمت اول که مشهور ترین عناوین آن عبارتنند از « آشنائی اتفاقی » ۱۸۷۳ « تقاضای جدید » (۱۸۸۲) «طلوع سیلاس لافام» (۱۸۸٤ وی خودرا نویسنده حقیقی صفات و آداب ورسوم نشان می دهد این آثار وتألیفات همیشه زنده وباروح اند زیرا صفات حقیقی هیچگاه تغییر نمیکنند ولی آداب ورسوم ازمیان می روند واز آداب و رسوم یك اجتماع آرام و وثابت امروز دیگر اثری بجانمانده است در آثاری که پس از ۱۸۹۰ منتشر میشوند « تصادف ثروت های جدید» «آنی کیلبرن » « جهان اتفاق » « مسافر آلترووریا » « از سوراخ سوزن » وی سر آن دارد که اجتماع جدیدرا نقاشی کند ولی اینکار ازاو ساخته نیست چه وی چون شاهدی که

کنار ایستاده باشد به اجتماع می نگرد وخود از کشاکش وسختی های آن بهره‌ای ندارد و از همین روی داستان های اجتماعی اوعاری ازلطف و حقیقت است انتقاد فقط از طریق مکالمه و بحث انجام گرفته و آشکار است که قوت آن ازانتقادی کمتر است که اعمال اشخاص‌را چنانکه‌هست نشان میدهد وری بجای اینکه مانند «درایزر» زندگی قهرمانان‌داستان های خودرا بامعایب ومحاسن نقاشی کند تنها در مکالمات آنان انتقادی ازمفاسداجتماع بمیان‌می آوردواین‌قهرمانان‌معایب وزشتی‌ها واجحافات‌را فاش میکنند ولی ازطرز پیدایش وتغییر خلاصه از زندگی درآنها سخن نمیگویند «هاولز» درآثار خود به‌پیری دانا مانند است که وقایع جهان را باتجارب جوانی‌خود می‌سنجد یابمسافری ماندکه ازتغییراتی بشگفتی فرو میرودکه درغیاب وی دردهکده‌اش روی داده یااگر بهتر بگوئیم به فرستاده‌ای از کشوری خیالی شبیه است که از آنچه درجهان واقع می بینید تعجب میکنند

۳ ـ عشق تاریخی

امریکائی که باقدرتی روزافزون در صف ملل بزرك جا می گیرد احساسات ملی یا حس جهانگیری اش که براثر توسعه صنعتی وجنگ پیروزمندانه با اسپانیا و الحاق جزائر «فیلی‌پین» برانگیخته شده است اورا وامیدارد که گذشته‌ای تاریخی برای خود بسازد، اگرچه این گذشته از دیگران باشد . درآخرین‌سالهای قرن ۱۹ تاریخ‌های افسانه آمیز درکشورهای متحد امریکا شهرتی عجیب بدست آورده‌اندا کنون که روزگار گذشته سپری شده وامیدی بباز گشتن آن‌نیست نویسندگان خوش دارندکه زیبائی ومزایای زندگی خانوادگی برزگران جنوب را

پیش ازجنگهای انفصال (جی . و . کی‌بل) G. W. Cable (پی . ج)
Page « جی . سی . هاریس » J. C. Haris و شیـوه استعمار فرانسه
را در دره « می سی‌سی‌پی » (لاپارك‌من) Parkman «می.فی.وولسن»
C. F. Woolson . « اچ . ام . کاتـرود » A M Catker Wood و
اشراف دوره انقلاب « اس . و . می‌جل » S. W. Mitchell وکالیفرنی
واسپانیا را « خانم . اچ. اچ . ژاکسن» H.H Jackson کتاب (رامنا)
۱۸۸٤ توصیف کنند این دوره به « بن‌هر » Ben Hur (۱۸۸۰) وژنرال
« لووالاس » Lew Wallace و «ام . بو کر » M. Beaucaire (۱۹۰۰)
و «بوت تار کینگتن» تعلق دارد کلیه این تاریخهای افسانه آمیز بسبکی
کهنه نوشته شده‌اند وسینما بانمایش داستانهای احساساتی «ئی.پی.روئه»
E. P.. Roe و «فرانسیس ماریون کروفرد» Francis marion Craw
ford (۱۹۰۹_۱۸٥٤) نویسنده‌ای که آثارش رامردم بیش ازهمه‌میخوانند
ازمحبوبیت عامه سهمی‌می‌برد موفقیت‌های این بازرگانان ادبیات که از
راه آسان نویسی وتوصیف مناظر نیکو وزیبای زندگی و جهان ، بدست
آمده نشان میدهند که تاچه‌اندازه مردم برای ادراك وقبول‌عقاید پیروان
مکتب طبیعت پردازی نامستعد وناورزیده بوده‌اند « کروفرد » ازمسائل
اجتماعی یا مسائلی‌دیگر وحشت دارد و مکتب واقع‌بینی‌وحتی آن‌عقیده
را مسخره میکند که کلیه آثارامریکارا زیبا وپسندیده میداند وی‌صحنه
های کتاب‌های خودرا از کشوربوهم وانگلستان و آلمان وایتالی‌و کشور
خود متساویاً بوام‌میگرد محبوبیت وموفقیت‌اش ناشی ازهمان‌علتی‌است
که امروز غبار فراموشی براو و آثار اوافشانده است و آن علت ، کهنه
پرستی است .

٤ـ «استفن کرین» (۱۸۷۱ـ۱۹۰۰) StephenCrane پیشرو حقیقی نویسندگان جدید «استفن کرین» است که‌دو داستان مهم‌خود‌را درسن بیست و دو و بیست‌وسه سالگی می‌نویسد ودرسن۲۹ بمرض سل میمردوی که ذکاء واستعدادی حقیقی دارد بتنهائی بی آنکه نفوذ کسی‌را بپذیرد درهمان وهله اول بایجاد روش وطرحی در سخن ونگارش موفق میشود که ازآن پس متداول گردیده وعبارت است از : داستان واقعی‌و دقیق تمسخر خشك وپنهانی وپر ازکنایات زهردار وآنچه جبر تقدیری یاالظهار واقعیت‌نام‌دارد : ازاحساسات نویسنده در کتاب‌اثری دیده‌نمیشود وقهرمانان آن‌مانند قهرمانان «همینگوی» باشخاصی شبیه هستند که به حوادثی گرفتار می‌آیند »

سبك موجز و روشن شبیه به‌صورت حسابی ساده، غالباً مزین به استعاراتی که‌هرچه غریب‌تر و صریح‌ترند لطف وزیبائی آنها بیشتر است خواننده‌را بفکر «استندالی» (۱) می‌اندازد که‌شاعرتر و غم‌انگیزتر باشد .

---

۱ ـ Henri Bayle stendhal نویسنده فرانسوی متولـد در «گربنل» مؤلف « صومعه پارم » و«سرخ وسیاه» وی‌روانشناسی‌ماهر است وتخیلی‌قوی وپرهیجان دارد (۱۷۸۳-۱۸٤۲) در کتاب سرخ وسیاه خود روانشناسی‌جوانی حریص‌وبی‌شرم را مطالعه‌میکند که‌برای سرهنگ شدن درزمان ناپلئون‌آفریده شده است وبراثر پیش‌آمد ناچارمیشوداز شغل‌نظامی‌چشم بوشد ودرسلك اباء کنیسه درآید این جوان بی‌آنکه‌زهد ونقوی یا اخلاقی پسندیده‌داشته باشد بالای دارمیمرد . «صومعه پارم» این نویسنده مطالعه‌ای درآداب ورسوم مردم ایتالی‌است «استندال» را که نویسنده‌ای کنجکاو ودقیق‌ومتخصص شناسائی مشتهیات از«فعالیت» و «عشق» است«تن» و «پول بورژه» ستوده‌اند

داستان « ماگجی » Maggie دختر هرجائی ، زندگی کوتاه و وحشتناك دختری ازخانواده‌های کارگر نیویورك‌را نشان میدهد ـ برای نخستین‌بار بدبختی وپیاده‌رو ، کلبه تاریك و چرکین در ادبیات با زبان خاص‌خودوارد‌میشوند . این‌کتاب ازاظهار شفقت ورحم عاری‌است واز آن درس‌اخلاقی فهمیده نمیشود وبه شرح وتفسیر نیاز ندارد و براثر همین‌امر ، تلخ وغم‌انگیز است .

ازنظر‌دقت وطرح‌داستان به نمایشنامه‌ای ماند که برای تماشاخانه نوشته باشند بامعایبی‌که این‌نوع نوشته‌ها دارند که صحنه‌هائی یکنواخت را نشان‌میدهند درخانه این‌مردم تنگدست وبی‌نوا باندازه‌ای ظرف‌وکاسه می‌شکندکه اگر بازظرفی برای شکستن باشد خواننده تعجب میکنید ولی رویهمرفته این‌کتاب فاقدنکات‌روانشناسی نیست «هاولز» در همان وهله نخست شیفته آثار «کرین» میشود با اینهمه داستان وی چندان خواننده‌ای ندارد وچون خشك و عاری از احساسات نوشته شده است پسنددل مردمان عاشق وپیشه وخیال‌پرور و اشخاص برجسته و محافظه کارنیست ولی باکتاب « پیروزی شجاعت » «واقعه‌ای از جنگ داخلی» «کرین» موفقیتی بدست می‌آورد ومیتواند به‌اندازه گرسنگی‌غذابخورد ولی‌افسوس که دیرشده‌است وسلامت اودیگر بازنمیگردد .

این کتاب (که انگلیسی آن « نشان سرخ شجاعت » است The Red Badge of courage) واقعاً از نظر تخیل بسیار دلربا وزیباست‌و نخستین کتاب وشاید واقعی‌ترین‌داستانی‌است که کیفیت‌جنگهای جدید را نقل‌میکند وحال‌آنکه «کرین» هیچگاه به‌نظام وظیفه نرفته و ازصحنه‌های‌جنگ خبری‌نداشته‌است همچنین‌این کتاب‌ازنظر روانشناسی

بسیاردقیق وماهرانه است بسیاری از کسانیکه در جنگهای انفصال یا در جنگ‌جهانی شرکت کرده‌اند درست مانند آن‌روستائی جـوان بوده‌اند که برای‌جنگ آتش‌اشتیاق دردلش افروخته میشود وداستانهائی خیالی میسازد که پس‌ازبازگشت آنهارا برای دیگران نقل کنـد همینکه بمیدان جنگ وخط‌آتش می‌رسد ترس سراپای وجودش را فرامیگیرد وچون اشخاص پست و سست عنصر پا بفرار میگذارد ولی دو بـاره بمیدان باز میگردد تاآز خونریزی و کشتار سرمست شود برای‌نخستین‌باردرادبیات، جنگ از زیور وآرایش قهرمانی وافسانه‌ای خویش‌عاری‌میشود وازچهره حقیقی ووحشتناك خود پرده برمیگیرد ۱ ولی بااینهمه «کرین» هوادار عقیده‌ای نیست قضا یاو وقایع را بدرستی درنظر میگیرد و به‌معنی‌حقیقی دلاوری پی‌می‌برد اگرقهرمان داستان‌وی نخست‌مردی ترسنده و بـددل است که درمیان اشخاصی‌چون‌خود قرارگرفته وپا بفرار میگذارد واگر تمسخری زهرآلود دراین‌واقعه نهفته‌است که‌وی بعلت آنکه‌درمیان‌هرج‌و مرج ودرهم‌ریختگی دسته‌ها ازدست گریزنده‌ای دیگر زخمی‌برمیدارد شائسته تحسین‌میشود . سرانجام میتواند گروهان‌خودرا بجنگ وادارد «کرین» درباره جنگ که خود هیچگاه در آن شرکت نداشته است . تخیلاتی واهی‌ندارد وبی‌آنکه به‌جنگ رفته باشد میداندکـه در جنگ چگونه حس‌غرور وجانبازی بیدارمیشود .

---

(۱)در آغازقرن کنونی «آمبرز بیرس» Ambrose Bierce تخصصی در نگارش‌داستان‌های وحشتناك درباره جنگهای‌انفصال بدست‌آورده بود هنروی‌آن‌بود که میتوانست محیطی‌ازوحشت دربرابر دیده‌خواننده‌مجسم کندولی‌داستان‌های‌او فقط ترسناك‌اندو هیچ‌فکری برجسته‌درآنهادیده‌نمیشود.

انشاء کتاب‌های وی غالباً اندکی آشفته ومغشوش است وصحنه‌ها چون صفحات البومی که ورق زنیم به سرعت جانشین یکدیگر میشوند و گاه گاه نیز یاخواننده نمیداند اکنون در کجاست وچه می‌بیند ویا چنین احساس میکند که منظره‌ای راکه سابق دیده است اکنون از جهتی دیگر بدان می‌نگرد ، مخالف باجهت اول ، ولی اگر سن نویسنده ووضع او را درنظر گیریم که خبرنگاری تحصیل نکرده ولی نابغه بوده است بازازلطف وجذابیت مجموعی داستان کاسته نمیشود

۵ ـ عیب جویان Muckrakers

چون هدف واقع بینی آنست که زندگی را چنانکه هست ادراك کند یعنی باسختی وتلخی یا با یکنواختی وملال انگیزی ، ممکن است شخص را به‌سه نظریه مختلف راهنما گردد ، یکی واقع بینی دینی است که زشتی‌هاو ناپاکی‌هارازاده علتی میداند ومصائب وبلایای بشری را به‌دلیلی نسبت میدهد ودرباره‌سیر تاریخ نیز به‌مشیتی الهی قائل است ودیگری خوش بینی انقلابی است که علل بدبختی و مصائب را نتیجه سازمان غلط اجتماع می‌پندارد وامیدوار است که تغییر اوضاع اجتماعی آن مصائب را ازمیان بردارد سومی نومیدی صرف ورضا بقضاست . ادبیات امریکای جدید کاملا ازنظریه نخست بی‌خبر است چراکه دومفهوم اساسی وحقیقی مذهب را ازدست داده‌است که یکی مفهوم ماورالطبیعه باشددیگری مفهوم گناه ، دونظریه دیگر بنحوی طبیعی ومعمولی به‌تناوب در ادبیات بمیان آمده‌اند نخست خوش بینی ظاهر گشته‌وسپس نومیدی جانشین آن گردیده است بهمین دلیل است که «استفن گرین» همان جوانی که‌روحش چون روح مردی پیر وجهان‌دیده وباتجربه ازوهم وپندار عاری است به« فیزالد» و«پاسس»

ازنظر فکر نزدیک‌تراست تا به‌معاصران خود که نمایندگان آنان «فرانك نوریس» ، «جاك‌لندن» و «اپتن‌سینکلر» بوده وامید داشته‌اند که‌بانیروی کاروکوشش بشررا ازبدبختی و سختی برهانند .

درواقع کشورهای متحدامریکا باشوروهیجان وامیدهائی بـزرك وارد قرن‌بیستم میشوند پادشاهان پولِ از امثال «مرگان» Morgan و «راکفلر» Rockefeller و «کارنجی» Carnegie حـدی برای توسعه ثروت وقدرت خود قائل‌نیستند زمامداران سیاسی نیز به‌سرنوشت ملتی جوان‌که به‌آسانی وآسودگی برجهان غلبه‌می‌یابد اطمینان‌دارند جوانان وپیروان افکارنو باسرمایه‌داری وآزادی ناشی‌از اینسرمایه‌داری مخالفند افکارجدید نیز برای‌هریك از دو نظریه دلائلی متقن‌فراهم میکند مکتب داروین Darwinisme پیروزی قوی و نابودی ضعیف را قانونی طبیعی میداند و«امپریالیسم۱» «کیپلنیك۲» بشرسفید پوست را حامی و مبتکر تمدن می شناسند و رهبری واداره نژادهای عقب افتاده را برعهده او میگذارد برعکس مکتب اجتماعی Socialisme ستمدیدگان را نویـد میدهدکه ازسود ثروت ها و ماشین‌هائی که موقة بدست سرمایه داران

۱ـ Imperialisme ـ بمعنای خاص عقیده‌ای راگویندکه موافق با امپراتوری باشد و بمعنای‌عام، فرضیه‌ای‌سیاسی است که میخواهدروابطی را محکم تر کندکه انگلستان را به مستعمرات خود می پیوندد و بر قدرت بریتانیای کبیرمی‌افزاید، وهمچنین میل به‌توسعه وجهانگیری‌رانیز میتوان « امپریالیسم » نامید اینجا لغتی فارسی که برای آن قابل پیشنهاد باشد «مکتب جهانگیری » است .

۲ـ Rudyard kipling نویسنده وشاعرانکلیسی متولد دربمبئی (۱۸٦٥ـ۱۹۳٦) اثربدیع وپرهیجان وی(کتاب جنگل وغیره) تجلی‌حس جهانگیری (امپریالیسم) نژادانگلوساکسن است.

افتاده‌است برخوردار خواهندشد پیروان‌هریك‌از این‌دومکتب آرزوهائی بزرگ در دل دارند و امروز عصری شده است که بزرگـان علم و ادب طرفداری آرمانی بزرگ را دین‌وآئین خود شناخته‌اند و باکارو کوشش حتی بازور وتعدی میخواهند بدان‌جامه‌هستی پوشانندازاین‌نظر «نوریس» و «لندن» و «سینکلر» ودیگران از «عیب‌جویان» به‌همان‌شاهان سرمایه که باآنان مبارزه‌میکنندشباهت‌دارند چراکه‌این‌نویسندگان‌نیز مانند‌دشمنان خودصاحب عظمت واحترام‌اند .

عیب‌جویان یا «مکریکرز» Mckrakers نویسندگان‌وخبرنگارانی راگویند که شغل ووظیفه خود را افشاء معایب و مفاسدی دانسته‌اند که پس‌از پایان جنگهای انفصال در دستگاه اقتصادی امریکا راه یافته ایـن معایب چنانست که معایب «پاناما» Ranama و سایر مفاسد افسانه هـای فرانسه دربرابر آنها بسیارناچیز است درکشورهای متحدامریکا ، رشوه واخذ وجه به‌تهدید و کلاه‌برداری چنان به‌سرعت و چالاکی پیش می‌رود که نویسندگان باآنکه بسختی بااین قبیل کارها مخالفند بازبستایش کسانی لب‌می‌کشانید که بدین مهارت کلاه‌برداری ودزدی‌را پیشه‌خود کرده‌اند عنوان یکی‌از داستان‌های اجتماعی «درایزر» که اورا نیز میتوان درجمع «عیب‌جویان» بشمار آورد « غول » است .

بعلت معاصر بودن ، نویسندگان تاریخ ادب‌امریکا خواسته‌اند که «نوریس» و « کرین را هم‌پایه وهم‌فکر دانند ولی‌آنچه دراین دو مشترك است همان معاصر بودن است حوادث مرگ‌ایندو شایدبتواندعلت‌اختلاف عمیق‌آنها را بیان‌کند « کرین » که ازبیماری زار و ناتوان بوده هیچگاه روی‌خوشی و جوانی را ندیده است . «فرانك نوریس» (۱۹۰۲-۱۸۷۹»

که بر اثر ورم ضمیمه اعور (Apendicite) می میمرد هیچگاه به ضعف و پیری نرسیده است از نظر نویسندگی « کرین » طبعاً از مکتب طبیعت پردازی پیروی میکند وازمکتب رمانتیك بیزار است اگر «هاولز» و «زلا» هم نمی بودندبازاو درنویسندگی همین سبك را داشت، وشاید هم آثار ایندو را هرگز نخوانده باشد با ظهور « نوریس» مکتب طبیعت پردازی دنباله مکتب رمانتیك میشود و «زلا» آفریننده آن میگردد (کرین) هنروری است که مسائل سیاسی واجتماعی را خارج ازعرصه کار وهنر خودمیداند (نوریس) مسائل هنری را مسخره میکند (که در بند سبك زیبایند، در سال ۱۸۹۹ می نویسد ، ماادبیات نمی خواهیم ، طالب زندگی هستیم) وفکراو متوجه (بزرگ ، وحشتناك ، و مدهش) است .

میل به عظمت و طرح موضوع بزرك اورا به نگارش سه جلد داستان وا میدارد که فقط قسمت اول آنرا (حیوان ناعمه) (۱۹۰۱) توانسته است بپایان رساند این داستـان میبایستی ماجرای گندم و کاشتن آن درمزارع پهناور « کالیفرنی » وحمل و نقل آن در نواحی بزرك امریکا و مصرف آن را بوسیله جمعیت های اروپا ، بیان کند « حیوان ناعمه » شبکه آهنیـن امریکائی است که بوسیله سرمایه داران آزمند و دیوسیرت ، عوارض گمرکی کمرشکنی بر برزگران شجاع باختر تحمیـل میکنـد ، کتاب (حیوان ناعمه) کتابی است ، منسوخ وطولانی وخسته کننده که جزئیات را کاملا شرح میدهد ولی نفوذ آن بسیار بزرك بوده است « نوریس » حتی در فکر و روحیه قهرمانان کتاب های خود طریقه ای را پدیدآورده است که در ادبیات آنرا بنام طریقه « سیاه » خوانده اند ، این طریقه را بسیاری در پیش گرفته اند ، قهرمانان مرد داستان های « نوریس »صفاتی

خشن وشهوی دارند و سخت لج بازند ولی قهرمانان زن نیز دخترانـی
فربه و گوشت آلودند که خوی حیوانی و عادات بشر اولیه را می پسندند
بهترین کتاب او همان کتاب نخستین اوست بنام « مك تك » Mc Teague
این کتاب ماجرای پرهیجان مردی است که رفته رفته صفات پسندیده انسانیت
را از دست میدهد ، سرنوشت این مرد شاهدی غم انگیز از خونخواری و
پلیدی اجتماعی است که سودپرستی را پیشه خود کرده است این کتـاب
وقایع را حقیقی تر از کتاب « حیوان ناعمه » توصیف میکند و منطق نویسنده
در آن قانع کننده تر است چراکه تنها به توصیف و تشریح مناظر و قضایـا
اکتفامیکند وازخود عقیده ورائی نمی آورد .

بهترین نمونه نویسندگان مکتب « خوش بینی انقلابـی » اپتن
سینکلر » است اکنون مدت پنجاه سال است که وی پرده ازروی زشتی ها
و ناپاکی های اجتماع برمیدارد و توانگران و سرمایه داران را بترویج
فساد و عیب متهم و محکوم میکند و آنانرا بدار می آویزد و به چهارمیخ
میکشد وهنوزشجاعت خودرا از دست نداده و امیدوار است که « بزودی »
استقرار مرام اجتماعی (Socialisme) عصر طلائی راهمراه خود بیاورد
وی در ۱۹۰٦ شهرت خودرا باکتاب « جنگل » بدست می آورد که در
آن باشدت وشهامت به استثمار ننگین کارگران بوسیله شاهان گوشت
« شیکاگو » Chicago حمله میکند وسپس در کتاب « صرافان » ۱۹۰۸
از روی نیرنك ، و معایب بانك بزرك پرده بر میگیرد ودر کتاب « پادشاه
زغال » ۱۹۱۷ مفاسد شرکت های استخراج زغال سنك و در کتاب « نفت »
۱۹۲۷ قدرت شوم شاهان نفت را گوشزد میکند شماره این کتابها بسیار
فراوانست که بناچاراز ذکر همه چشم می پوشم خلاصه وی هیتلر Hitler

و « مونیخ » Munich و . . . را نیز از زخم زبان وخرده گری معاف نمیدارد هم اکنون نیز میدان مبارزه را ترك نکرده‌است و تبلیغات‌خود را دنبال میکند چرا که « سینکلر » اهل تبلیغات است‌و آثاروی‌نیز بصورت یك سلسله همجونامه است ، ذوق و استعداد او سرشاراست و کتاب هایش نیز خالی از قدرت تاثیر نیست « روزولت » اول اورا نزد خود میخواند وانجمنی برای تحقیق فراهم میکند و دستور میدهدبرای‌حذف پاره از نکات زننده کتاب های « سنیکلر » قانونی بگذرانند با اینکار بحث‌در آثار« سینکلر » بعهده‌تاریخ واگذار می‌شود پیروان‌مرام‌اجتماعی کاملا مطمئن نیستند که وی مانند آنان‌باشد و نویسندگان نیز متفق‌اند که وی‌چندان ادیب ونویسنده نیست چراکه داستانهایش‌اخباری‌مغرضانه و تحقیقاتی است که یك جانبه انجام گرفته وازابداع و عظمت‌فکردقیق عاری است .

« جاك لندن » (۱۸۷٦ - ۱۹۱٦) نیزخودرا پیرومکتب اجتماعی میداند ولی مخصوصاً مروج زندگی ابتدائی حیوانی است و این‌امر با عقیده پیروان‌مکتب اجتماعی تناقض‌دارد چون‌جوانی را باسختی‌وناکامی گذرانده است سوگند میخورد که ازاجتماعی انتقام ستاندکه‌اورا بتحمل رنج ومشقت واداشته است . ازآنجاکه خود در تنگدستی ونداری بسر برده اززندگی فقیران بخوبی آگهی دارد ازآن گذشته چون‌خبرنگاری صادق است آنچه نوشته بدرستی بدان‌پی‌برده وآنرا شناخته است : دریا وقایق‌ها ، کوچه ، رودخانه ، گرسنگی ، دشت‌های پوشیده ازیخ آلاسکا Alaska ، مسافرت‌های روی‌سقف‌واگن‌ها ، باده‌خواری ، روزهای‌نوزده ساعت کار شدید ، همه اینها مناظر ومصائبی است که دیده یابدانها گرفتار

آمده کتاب « مارتن ادن » Martin Eden (۱۹۰۹) که کوشش هائی ترسناكرا نقل میکند که بیاری آنها ملاحی ساده درطی سه سال نویسنده‌ای شهیر میشود ، سر گذشت خود نویسنده است کتاب « جان بارلی کرن » John Barleycorn داستانی واقعی ومؤثر ازمجاهدات « لندن» باشراب خواری است ولی چون نویسنده‌ای نامدار میشود پی می‌برد که بهترین انتقامی که ازجامعه باید بگرد آنست که جیب‌های خودرا ازپول پر کند ازاینرو باذوقی که به‌نقل حوادث پر آشوب و ناگهانی دارد محبوبیتی بزرك نزد معاصرانش که تشنه احساسات تندوآتشین‌اند بدست می آورد و ترجمان این احساسات میشود

« جاك‌لندن» که بر اثر خستگی وافراط درسن چهل‌سالگی میمیرد آثاری فراوان از داستان و حکایت از خود بجا میگذارد مشهور ترین داستانهای اویکی « ندای جنگل » ۱۹۰۳ و دیگری « گرك دریاهاست » «۱۹۰٤» کتاب اخیر خونخواری و بیرحمی شیطانی يك ناوبان را بیان میکند و کتاب اول سر گذشت سگی است بنام « بك » Buck که او را برای کشیدن سورتمه به‌آلاسکا آورده‌اند ولی ازدست بشر میگریزد و سردستهٔ گرگان وحشی میشود ، مانند کلیه سر گذشت هـای حیوانات ، حکایت چنان است که احساسات و عواطف حیوانات را تاحدی نقاشی میکند ولی درتجسم صحراهای یخ‌زده ورغبت به‌استقبال خطروجستجوی حادثه کوشش بسیار بکاررفته است علاقه نویسنده ومردم معاصرش بدین زندگی ابتدائی تنها بصورت ظاهر باعلاقه بگذشته‌ای خیال‌انگیز وزیبا تناقض دارد ، چرا که زندگی خانه‌بدوشی و جنگهای تن بتن و صحاری خشك ولم‌یزرع هنوز هم پناهگاه خیالی اجتماعی است که درآن ظاهراً

پول‌یگانه مایه زنـدگی است ولی در نهاد (لندن) زور پرستی و بی‌خبری
ازراز تمدنی سرشته شده‌است که دربرابر مناظر باعظمت خودو پادشاهان
پول وصنعت سرفخر بر آسمان می‌ساید: قهرمانان داستان‌های وی‌همگی
هوس‌باز وعاشق‌پیشه‌اند وچون حس خودپرستی یگانه محرك آنان است
برای ارضاء تمایل خود بهر حیله که باشد راهی بدست میآورند بـی
آنکه به‌شکنجه وجدان و پشیمانی گرفتار آیند، آنکه قوی‌ترازهمه‌است
شاهد پیروزی را درآغوش میکشد چه میتوان کرد : قانون چنین است
فلسفه‌قهرمانان« درایزر » نیز جز این نیست خودخواهان اوبا« لجبازان»
« جاك لندن» ازنظر نژاد وتبار برادرند تنها اختلاف در اینست کـه برای
احراز موفقیت عضلات خود را بکار میبرند و آنان رشوه (تاجـر پول
غول) یاآدمکشی (حادثه غم انگیز امریکائی)را وسیله نیل به‌مقصود
قرار میدهند .

٦ـ هنری جیمس (Henry James) ۱۹۲۰ ـ ۲۸۴۳

«هنری جیمس» نویسنده‌ایست که‌ازنظر فکر وعقیده خودفرداست
آرزوها وتمایلات‌قرن‌درافکار وعقایدش‌یافته میشود ولی او بدانهاجنبه‌ای
بسیار عالی داده است .

«جیمس» چنان اززندگی امریکائی بیزار میشود که ازوطن بطیب
خاطر مهاجرت میکند وسپس در۱۹۱۵ تابعیت انگلستان را می پذیرد
ولی آنچه ازآن گریزان است شرائط اقتصادی واخلاقی نیست چرا که
از همان آغازجوانی ازدستبرداحتیاج‌درپناه است‌وبخوبی میتواند زندگی
خود را وقف عشقی کند که بهنردارد وی از بیعدالتیهای اجتماع گزندی
ندیده ولی‌چون هنرور است ازفقدان هنر رنج برده وچون ازنظراخلاق
ومنش اشرافی است‌فقدان محیطی که مانندگذشته اشرافی باشد او را

بفرار ومهاجرت واداشته است جیمس دراین باره مینویسد

(گل هنرجز درخاکی بر هم انباشته نشکفد تـا ریخ بسیار لازم است تاکمی ادبیات بوجود آید)

فقط درانگلستان میتواند آن خاکی را بیابد کـه براثر گذشت قرون بر هم انباشته گردیده است فقط درآنجاست که رائحه انجمنهای ادبی وهنری بمشام میرسد و آن القاب قدیم یافته میشود که‌وی‌مشتاق آنها است.

ولی با این‌همه «جیمس» خود نیز واقع بین است مهاجرت وی‌از وطن‌برای فرار نیست وآنچه درکتاب خودنقاشی‌میکند قسمتی‌ازاجتماع امریکائی است ، آن‌قسمت از اجتماع که مردم‌آن توانگر و بیکار یا بعبارتی دیگر منحط و فاسداند ومدتها در اروپا میمانند (غالبا وی‌رفقای امریکائی خودرا که‌دراروپاهستند برای موضوع‌های کتاب خویش انتخاب میکند) ولی‌کاملا امریکائی هستند وی این قسمت را با علاقه‌ای که به درستی ودقت دارد ، نقاشی میکند چراکه آرزوی اوآنست کـه دامنه تحقیق را از صفات‌کلی وعمومی بالاتر برد وبکشف صفاتی دست یابد که اشخاص را با یکدیگر (متفاوت) میکند ،

واقع بینی‌او از این هم دقیق‌تر است مانند (زلا) میخواهد داستان هائی علمی بنویسد ولی عقیده وی درباره علم با آنچه (زلا) می‌اندیشد تفاوت دارد بنظر (جیمس) (علم) برای نویسنده آن نیست که درادبیات از علم پزشکی یا شیمی بحث کند بلکه باید تجزیه و تحلیل ادبی را به صورت علم درآورد ، هرموضوعی که باشد مشکلی پیش میآورد که باید بحل آن همت گماشت مثلا :

وضع یامنظره‌ای را در نظر میگیریم ومیپرسیم عکس العمل قهرمانان داستان در برابر این وضع چیست؟ این عکس العمل‌ها باید بخودی خود فاش شوند بی آنکه نویسنده دراین باره مطلبی اظهار کند خواننده از خلال تجزیه و تحلیل دقیق عواطف واحساسات واز پرسشهائی که قهرمانان از خود میکنند وهمچنین از مطالعات و کنایات واشارات آنان باید بکیفیت وماهیت این عکس العمل ها پی برد قهرمانان کتابهای جیمس زیادحرف میزنند و بدیهی است هر که حرفی میزند افکار و عقاید خود را میگوید قهرمانان تاریخ یا حادثه‌ای درزندگی خود ندارند و نمیتوان وقایع زندگی آنان را بصورت پرده نمایش درآورد از اینرو شکست (جیمس) وامثال وی در عرصه تماشاخانه قطعی است چراکه همه لطف و زیبائی در تجزیه‌و تحلیل روحی قهرمانان داستان نهفته است جریان وقایع بطور منظم آغاز وانجامی ندارد بلکه بهم پیچیده است و به‌صدف حلقه حلزون شباهت دارد .

این قهرمانان مردمی دانا و تربیت یافته‌اند که چون فراغتی دارند میتوانند درباره تجزیه وتحلیل روحی به‌بحث‌وتحقق پردازند وخواننده امروزی که از لحاظ فکر و علم متوسط باشد ، بخاطر همین امر آنان را بزمانی دیگر وجهانی دیگر متعلق میداند . شگفت انگیز است که کسانیکه نه شاعرند ونه فیلسوف بتوانند کاملا لوح سینه وآئینه خیال را از افکار معمولی بپردازند وهمه وقت ووجود خود راوقف حل مشکلاتی کنند که بنظر بشر معمولی بسیار آسان است چراکه هیچگاه ذهن و اندیشه وی قادر بطرح اینگونه مسائل نیست

بنظر جیمس احساس و عاطفه ساده و بسیط وجود ندارد و هیچ

عکس‌العمل روحی ذاتی و بدون علت نیست وی تجزیه و تحلیل روحی را تا آخرین حد ظرافت ودقت دنبال میکند وعجب تر آنکه برای اینگونه تحقیقات روانشناسی سبك بسیار رعنا ولی پیچیده و درهم (والتر پاتر) Walter Pater را بکارمیبرد، مانند (والتر پاتر) وی نویسنده‌ای اصیل و برجسته واستادی مسلم و وهنروری نابغه است و چون او هیچگاه مشتبهات ابتدائی خواننده رابیدار نمیکند مسلما جیمز نخواسته‌است که محبوب عامه گردد وداستانهائی هیجان انگیز بنویسد ولی بخوبی در کار خود موفق شده است عکس‌العملی که دربرابر عادت به تن پروری و تنبلی عامه نشان میدهد آنست که داستانهائی غم انگیز وپر حادثه مینویسد

از آنجا که (جیمس) هنروری است که برای هنر زنده است زندگی خود را وقف نویسندگی کرده از اینرو آثار وی بسیار فراوان است از قبیل حکایات وداستانها وتحقیقات انتقادی، خاطرات، مکاتبات که از نظر احساسات وعاطفه همه پسندیده ومؤثرند بخواننده ای که بخواهد آثار (جیمس) را بخواند اندرز میدهیم که قرائت خود را آغاز کند با حکایاتی از قبیل: (دیزی میلر) Daisy Miller (دیاشن برپا) یا The pension Beaurepos (میدان واشنگتن) یا Washington Spuare سپس بداستانهائی پردازد ازقبیل (ردریك هودسن) -Roderick hudson و(چهره‌یك بانو) وپیش از آنکه به‌وجود ایمان واشتیاقی کافی در خود مطمئن نباشد از خواندن کتاب‌های (سفرا) (کاسه زرین) (بالهای کبوتر) خودداری کنند چه ممکن است کافر وظالم گردد

(جیمز) خود نیز بتدریج به‌رویه نهائی خویش که تجزیه‌دقیق (از نظر روانشناسی وفلسفی) باشد رسیده است. وی هنگامیکه بنگارش آن

قسمت از آثارش میپردازد که روشن وساده نوشته شده اند از این روش صادقانه پیروی میکند مخصوصاً در حکایات خود چرا که درطرح و نگارش حکایت است که نبوغ وی بهتر از هرجای دیگر میتواند تجلی کند (۱) داستانهای او نیز بطریقه حکایاتش نوشته شده ، یعنی دسته‌ای محدود از بازیگران و یك وضع مشابه ، وقایع داستان را تشکیل میدهند با این تفاوت که بجای آنکه منظور خود را در نود یا صد صفحه بگوید در پانصد یا هفتصد صفحه میگوید .

شعر در پایان قرن نوزدهم

شعر امریکائی در پایان قرن نوزدهم دچار وقفه‌ای میگردد شعرای خاور همه را بتقلید کورکورانه وخام ازاستادان انگلیسی می پردازند و پیوسته گفته‌های « کیتز » (۲) و « سوین برن » (۳) و « تنی‌سن » را واگو میکنند وشعرای باختر را خوار وناچیز می گیرند . این شاعران نیز بدنبال « ویت من » عناصری تازه درشعر وادب می آورند (وبهمین علت است که ما درباره آنان بحث خواهیم کرد) با آنکه درپایان کار برشاعران انگلستان جدید که بنوبه خود آنانرا بعلت تقلید ازشعرای انگلستان تحقیر می کنند برتری مییابند

« جوکیوم میلر » Joaquim Miller (۱۹۱۳ـ۱۸٤) شاعر نهضتی

۱ــ بدوستداران داستانهای خیالی داستان « پیچ میخ » را توصیه میکنم که در نوع خود بمثابه شاهکار است .

۲ـ «John keats» شاعر انگلیسی متولد در « فین‌سبری » (۱۸۲۱ـ۱۸۹۵) سراینده آثاری بسیاری دلکش « اندی من‌ین » ، « قصائد » وغیره)

۳ـ Charles Swinburn شاعر انگلیسی ومتولد درلندن (۱۹۰۹ـ۱۷۳۶) سراینده « اشعار و قصائد » و « سرودهای سحری ».

است که ازخاور بباختر پیش می‌رود درعصرخود ازسرزمین انگلستان شور و غوغائی در امریکا می‌افکند آثارش را در کشور خود نمیتواند بچاپ رساندولی «اشعار اقیانوس آرام» که درسال ۱۸۷۱ درلندن انتشار می‌یابد سبب میشود که مردم انگلیس اورا یکی ازنوابغ زمان جدیدو بهترین شاعر امریکائی بدانند وی مناظر عظیم « روچز» **Rocheuses** و دشتهای بارور وخرم «کالیفرنی» را با لحنی حماسی برشته نظم میکشد ولی باسبکی مطنطن ؛ از « ویت من » جز روانی سبك وبدبینی رافرا نگرفته است تناسب و هم آهنگی را هیچگاه مراعات نمیکند بنظر اروپائیان وی چنانکه باید « امریکائی » نیست و بعقیده ساکنان ماوراء اقیانوس اطلس ، مقلد مسخره آمیز اروپاست

درهمین سال یعنی در ۱۸۷۱ در « سان‌فرانسیسکو» کتاب « قصائد کنت‌نشین پایك» **Pike county ballads** تالیف« جان‌هی» **John Hay** و کتاب « اشعار خاور وباختر » تألیف «برت هارت» **Bret harte** منتشر میشوند این‌دوشاعر توانسته‌اند بیکی‌از آرزوهای «امرسن» جامه‌هستی بپوشاند یعنی بکار بردن زبان واصطلاحات میکده‌ها و خرابات یالا اقل نقل این اصطلاحات بزبان و تعبیرات‌خویش، در اشعار خود ولگردان و قماربازان را چنانکه عادت وشیوه آنانست ، بتکلم وامیدارند وحکایاتی از زندگی کارگری وشرابخواری وقماربازی آنان نقل میکنند از نظرفن شعر ، هیچ ابتکار و تازگی دراین اشعار دیده نمیشود ولی مانند سبك نویسندگان کلاسیك جملاتی موزون وخوش آهنك در آنها میتوان یافت وقایع منقول دراین اشعار دلپسند وغالباً سرگرم کننده است ولی بزودی یکنواخت وملال‌انگیز میشود حتی اگر بتوان لغت شعررا بکاربرد آیا

میشود که‌این اشعاررا برجسته وغرادانیم ؛ ولی آنچه اهمیت‌دارد ازیکسو تهوری است که مایه شگفتی انجمن های ادبی شهر « بستان » میشود و ازسوی دیگر موفقیت آنی «برت‌هارت» است ، رازبزرگی و اهمیت‌این دوواقعه بدین امر بستگی دارد که این دوشاعر ، حس آزادی را درنهاد شاعران جوان‌بیدار کرده‌اند . ازاین‌پس شعرا می‌توانند رشته‌سنن‌وعادات را ازهم‌بگسلانند نه‌تنها که حفظ این‌سنن‌بسیارمشکل و گران است‌بلکه بااینکار ثروتی نیز بدست می آورند چراکه کشور های متحدامریکا سرزمینی‌شده است که‌شعر دراینجا خریدارانی فراوان دارد

«هارت» و «هی» پیروانی فراوان داشته‌اند ولی‌همه برای اینکه به این‌دو استاد تشبه‌جویندفقط بتعویض لهجه‌های‌محلی واصطلاحات عامیانه پرداخته‌اند تاآنجـا که زبان سیاه‌پوستان را نیز بکار برده‌اند هنگامیکه لطف و زیبائی آئین نورنك کهنگی بخودمیگیرد ادبا بدین‌نکته واقف می‌شوند که نخستین تجلی استقلال و آزادی واقعاً برای‌شعر راه ورسمی تازه‌نیاورده است واین‌نوع‌شعر رفته‌رفته براثر بی‌اعتنائی شاعران ازمیان می‌رود و بسیاری از شاعران براهی باز می گردند که گذشتگان آن را پیموده‌اند .

دراین باره چهارتن‌را میتوان نام بردکه استثنائی برجسته هستند ازاینقرار « ویلیام وان « William Van ، «مودی» Moo dy « ادوین مارکام « Edwin Markham ، « استفن کرین » و کمی بعد « ائی ، ا رابنسن « EARobinson دراین جمع وارد میشود این چهار از پیروان مکتب طبیعت‌پردازی هستند که درهمان وقت رمان امریکائی را بوجود می آورند و تازگی و ابتکاری که دیده می شود آنست که شعر آنان

انتقادی هجو آمیز از اجتماع است «مودی» در قصائد و مخصوصاً آن قصیده‌ای که «مربوط بسربازی است که درجزائر فیلی‌پین بخاك افتاده» (۱۹۰۱) کشور خودرا بجهانگیری‌متهم میکند و «مارکام» در کتاب«مرد باکج‌بیل» که در ۱۸۹۹ «سان فرانسیسکو» چاپ‌شده ، بسختی بر وضع طبقه‌رنجبر که براثر ترقی صنعت بوجود آمده‌است حمله میکند

«کرین» و «رابنسن» نیز نقادانی روشن روان و دل آگاهند و بشدت ازاجتماع انتقاد میکنند ولی انتقاد آنان هیچ‌جنبه سیاسی ندارد و به دستورهای‌اخلاقی بیشتر شبیه‌است آنچه تازگی‌دارد همان‌فن‌وروش آنانست بجای آنکه اصطلاحات شعری متداول یاالفاظی منطقی‌را بکار برند چنانکه هرروز سخن‌میگویند اشعار خودرا می‌سرایند وبدینطریق با شاعران خاور و باختر مخالفت میکنند و بخاطر دلبستگی که با صور خالص شعری وظرافت و مخصوصاً عفت‌قلم دارند از مکتب « ویت من» کناره میگیرند رازاختراع‌وابداع افکارنورابمردم می آموزندواستهزائی ظریف‌را جانشین لاف وخودستائی میکنند

«رابنسن» (۱) بخاطر علاقه‌ای که بموضوع های عادی وزندگی اشخاص ، معمولی داردوهمچنین ازنظر وزن و هم آهنگی شعر کوشش هائی را بیاد می آورد که (وردسورت) (۲) برای رهاندن‌شعر ازتکلف

---

(۱) کتاب «شهر پائین‌رودخانه» ۱۹۱۰،و کتاب «بشردرراه‌جنك باخدا» ۱۹۱٦

(۲)- William wordsworth شاعرانگلیسی‌متولد در «کوکو-ماوث» (۱۸۵۰-۱۷۷۰) رئیس مکتب «لاکیست» Lakiste

Lakiste – به شاعرانی انگلیسی گفته میشود که مهمترین آنان عبارتنداز: «وردسورت» «کالریج» «ساوتی» Southey این‌شاعران در ناحیه دریاچه: واقع درشمال غربی انگلستان ساکن بوده یا بدانجا می رفته‌اند ووجه‌امتیاز آنان باشعرای دیگرایتست که به‌توصیف طبیعت‌وزندگی خانوادگی اشتیاقی فراوان دارند.

وتصنع بکار برده است ولی شعرش بجای آنکه مانند شعر (وردسورت) احساساتی باشد تلخ وغم انگیز است « استفن کرین » بیش ازو هجوسرا است (خوانندگان سیاه ، ۱۸۹۵ جنك خوب است ۱۸۹۹) شعرا و براثر زنندگی وتشبیهاتیکه دارد پیش در آمد اشعار شعرای (مستعار) Jmagiste وشعرای جدید بشمارمیرود

بااینهمه شعر (کرین) ازلطف و ریبائی عاری است خود شاعر نیز ازنظر شعر به افتخاری نرسیده است که برابر باشد باافتخار پیشرو بزرك شعرای (مستعار) (امیلی دیکنسن) Emily Dickinson (۱۸۸٦ - ۱۸۳۰) که اشعاروی چندسال پس ازمرك وپیش ازشهرتش بچاپ میرسد آوازه وی مخصوصاً پس ازجنك اول جهانی درجهان بلند میگردد یعنی هنگامیکه شعرای «مستعار» اورا ازخود میدانند

این شاعره که درخانواده‌ای « پورتین » بدنیا آمـده ونشو و نما یافته است تقریباً همه عمررا باکتاب‌های مرجح خویش که آثار(کیتز) و (شکسپیر) باشد بسر می برد مانندسایر شاعران امتیاز ومدیریت روزنامهٔ را می گیردو احساسات خودرا بصورت اشعاری ساده وشیوا ومؤثر بیان میکند بی آنکه تابع ومقید صورتی ازشعر باشد نبوغ ذاتی و آتش دل یگانه راهنمای اوست بدینطریق درحدود صدقطعه شعر کوچك میسرایدکه ازنظر تأثیروروانی ولطف ودقت احساسات کم نظیر است موضوع اشعارتازه ونودر آمدنیست ولی دربیان آنها چنان صداقت وظرافت وهجو گوئی را بکارمی برد که با همهٔ کهنگی ، صورتی نو و تازه بخود میگیرند شعروی طولانی وغرا نیست وهمین امر سبب میشود که شاعران دوره (۱۹۲۰-۱۹۱۵) اورا پیشرو سبکی جدید شناسند چراکه این شاعران ازاشعار طولانی که ناقل واقعهٔ

باشند بیزارند ولی بااینهمه براثر انتخاب لغات زیبا واستعارات دلپسند و دقت توصیفی یا روانشناسی وتلقین افکار بلند ، گاهی بعمق مطلب دست مییابد بسیاری ازاشعار کوچکش بصورتی ناتمام مانده‌اند ولی فراوانند اشعار کوچك او که چون گوهری درخشانند ولطف و شدت هیجان آنها بنسبت عکس شماره ابیات است

فصل پنجم

نویسندگان معاصر

۱ـ (ادیت وارتن) (۱۸٦۲ـ۱۹۳۷) Edith Wharton

خانم (وارتن) شاگرد جیمس و اززمره آن نویسندگان تقریباً نادری است که برای اعاشه بپول کتابهای خودنیاز نداشته‌اند وآنچه از ظواهر برمی‌آید اینست که ازجهان جز برگزیدگان اجتماع‌را نشناخته است وی درمحیط اشرافی انگلستان جدید بدنیاآمده وهیچگاه ازآن خارج نشده است اگر بدین امر این‌نکته‌را بیفزائیم که درهمین اجتماع توانگرانی تازه‌بمیان آمده ودرنتیجه‌بفکرطبقه زنجیر افتاده‌اند وهمچنین اگر انقلاباتی‌را یادآور شویم که براثرجنگها روی داده است درنخستین وهله موضوع داستانهای این نویسنده کهنه ومنسوخ بنظر می‌رسد اگردر این داستانها جز اشخاصی‌را نه بینیم که شام وناهار میدهند وتنها دربند آنندکه بدانند (جه‌میشود) وفقط به‌ماجرای احساساتی خودمی‌اندیشند ازخواندن سرگذشت آنان چشم می‌پوشیم ولی در داستانهای (وارتن) بیش ازاین یافته میشود نخست آنکه طرح آنها بسیار زیبا و دلاویز است وبسبکی روشن وابتکاری نوشته‌شده‌اندکه تمام قدرت زنانه درآن بکار

رفته از آن گذشته این داستانها ناقوس مرك جهانی را می نوازند که بـه (جهان اشراف) معروف است ابهام ووهم وپندار را در آنها راه نیست و قهرمانان داستانها نیز امیدی درزندگی ندارند شورشیان طبقه رنجبر از خیل (نوریس) و (پتن سینکلر) امید داشته‌اند که توزیع مساوی ثروت مایه خوشبختی افراد گردد ولی وی توانگر است و اززندگی اشرافی و توانگری بستوه آمده وچون زن است اشتیاقی سوزان بداستانهای عشقی دارد ولی از آنجاکه واقع بینی را پیشه کرده میداند که عشق جز خواب و خیالی بیش نیست : زنان کتاب‌های وی چشم براه مردی هستند که جز گردن بندمروارید واطاق‌های حمام هدیه‌ای دیگر برای آنان بیاورد ولی شوهران جز آنچه باپول میتوان خرید چیزی را برای ارمغان ندارند برای جیمز هریك از آثارش مسئله‌ای مشغول کننده وموضوعی است که برحسب استعداد وظرفیت وی درخور تجزیه وتحلیل‌اند ووی نیز باشور واشتیاق یك استاد آزمایشگاه بتجزیه وتحلیل آن می پردازد آنچه (ادیت وارمن) مینویسد در واقع داستان شکنجه های روحی خود اوست .

ازاینرو وی نخستین نویسنده غم انگیز بدبینان جدیداست که آثار «دس پاسس» و (فلکنر) را خوانده وی ازجهتی دیگر نیز بدین نویسندگان شباهت دارد و آن طغیان وی علیه عادات وعقاید پورتین‌هاست اگر واقعا وی ازفقدان طبقه‌ای می نالد که برای فراگرفتن علم وادب و توسعه فکر وذوق وبحث ومکالمه وقرائت کتب فراغتی داشته است ویاهنوز اگر از عالم تجارت و پول و مطالعات مربوط بپول بیزاری میجوید . باز میداند که آداب ورسوم ومقررات طبقه اجتماعی اورا بخاموشی محکوم میکند اگر ما درجهانی بسر میبردیم که در آن اشخاص مانند لعبتگان جزسر ولباسی نمیداشتند محملی نداشت کـه زنان داستانهای (جیمس) و زنان

داستان‌های (هاولز) و(هریك) و (مارك توان) ودیگـران را تغییر دهیم
چرا که وقایع غم انگیز فقط در فکر آنان روی میدهد وزبان تـرجمان
فکر میشود وحال آنکه زنان کتابهای (ادیت وارتن) درزیر جامه خـود
بطور محسوس پیکر واندامی نیز دارند که باآن پارهٔ از تصمیمات وافکار
خود را اجرا میکنند مسلماً نباید انتظار داشت که این زنان اندام خود
را برهنه کنند یا با صداقت (درایزر) سخن گویند و یا چـون (کلدول)
بی حیا باشند ویا مانید (فارك) خشمکین وپرده در. این زنان بتمام معنی
زن هستندودر برابر افکاربلند وقهرمانی خود تمایلاتی شهوی نیزدارند
تقوی و عفت آنان که به تقوی و عفت دخترانی تربیت یـافته ماند
چنان نیست که آنان را بگوشه کیری وانزوا وادارد بلکه بصورت حادثهٔ
غم انگیز است که بهترین نمونه آن در کتاب (اتان فرم) Ethan frome
جلوه گرشده ،این کتاب شاهکاری است که هیچ انقلاب اجتماعی نمیتواند
غبار فراموشی بر آن افشاند شاید در باره کتاب (تابستان) Summer
نیز میتوان همین ادعا را کرد بیم آن میرود که داستانهائیکـه مخصوصا
وقف توصیف محافل اعیانی امریکا گردیده است از قبیل (خانه مرت)_The
house of the Mirth (میوه درخت)The fruit of the tree (عادت
ناحیه) The custom of the country بصورت مدرکی تاریخی در آیند
کتاب(عصرعصمت) The age of inno-cence هم تاریخ است وهم حکایت.

« تئودر درایزر» Théodore Dreiser (۱۹۴۵ - ۱۸۷۱)

در جهان ادب امریکا (ویت من) و(درایزر)اصیل ترین وتواناترین
نویسندگان بشمار میآیند هیچ نویسنده‌ای بیش از (درایـزر) شهرت و
نفوذنداشته است ولی آنچه بنظر میرسد آنستکه نقش پذیر نفوذ کسی نشده

(درایزر) بعلت تنهائی وبی مونسی هرچه دردل داشته باز گفته است و امروز آثار او بردوره جدید ادب فرماندهی میکند که با ظهور (هاولز) آغاز شده وشاید هنوز هم بپایان نرسیده باشد وی پدر ادبیات سیاه‌است ولی‌فرزندکسی نیست .

ـ (درایزر) ومسئله اجتماعی ـ (درایزر) پدر ادبیات سیاه است ولی نه بدین ادبیات تعلق دارد ونه میتوان اورا بادبیات (خوش بینی ـ انقلابی) متعلق دانست‌زیرا چون‌در نویسندگی پیروسبك طبیعت‌پردازی است نه بآینده‌وحال امیددارد ونه نومید است‌تنها هنر اواینست که‌قضایا ووقایع را بخوبی ادراك میکند واز آنجاکه میتواند علت کارها را بیان کند برجنایات توانگران و جرائم فقیران قلم عفو میکشد اگر جهان به عرصه جنگی ماند که درآن ضعفا چون خاك راه پایمال جفا میگردند این قضیه بنظروی باکرویت زمین تفاوتی ندارد ونباید کسی را بشورش وقیام وا دارد ، (درایزر) برآن نیست که وجود اجتماع را از زشتی و ناپاکی برهاند اجتماع همین‌است که هست وهمیشه با خود درحال‌مبارزه است وعلت این مبارزه آنست کـه احساسات وعواطف فرد با مقتضیات اجتماع مغایرت‌دارد قانون طبیعت چنین میخواهد و(درایزر)نیزبی جنك وپرخاش این قانون را می پذیرد در کتاب (پول پرست) و در (غول) (۱۹۱۴ـ۱۹۲۱) که دوداستان بزرك اجتماعی او هستند ، وی خود را تواناترین عیبجوی رشوه وفساد نشان میدهد ولی احساساتی انتقام‌آمیز ندارد اگراز نظراخلاق‌موروثی بخواهیم پول پرست‌وی که(فرانك کوپروود Frank cowperwood باشدکلاه برداری بی وجدان و راهزنی بیباك است‌ازآن‌گذشته رفتار اورا (زیرا «درایزر »وضع زندگی‌او رابا نیروی

تخیل نساخته بلکه ازوقایع مختلف وحادثه‌ای ننگین که‌همه‌میشناخته‌اند آنرا ساخته است) همه زشت و ناپسند میدانند وازآن بیزاری‌میجویند ولی (درایزر)هیچ کینه وخشمی نسبت بوی ندارد چگونه میتواند بوی کینه ورزد وحال‌آنکه اورا مسئول کارهای خودنمیدانند اعمال وی بنظر (درایزر) نتیجه اخلاق ومزاج واوضاع واحوال است کلیه اسرارزندگی به معادلاتی جبری تبدیل میشوند که از یکسو تمایلات و حوائج طبیعی بشر وازسوی دیگر شرایطی مفروض است که تصادف یا وضع اجتماعی یکی ازافراد بشررا در آن قرار داده است باقی کارها همه از این‌عوامل سر چشمه میگیرد .

از اخلاق وتمایلات خویش رنج میبریم وحال‌آنکه خود آنها را نساخته‌ایم .

ضعف و حوائج ما که باراده و عمل ما هیچ بستگی ندارد مایه مشقت ماست)

نوبسنده‌ای که از طبقه رنجبر برخاسته است آرزو میکند که گردن (کوپروود) سرمایه دار حریص را درهم بشکند وخانمی محترم چون (ادیت وارتن) باندازه‌ای ازو نفرت دارد که راضی نمیشود بصورتش تف کند ولی (درایزر) (غول) خود را از اینکه درکارهائی بدین بزرگی موفقیت میبابد میستاید .

نویسنده خبرنگار ـ هیچ چیز بیش از مقایسه(درایزر) با(جیمس) و خانم (وارتن) اختلافی را نشان نمیدهد که میان نویسندگان جدید و قدیم وجود دارد (جیمس) و (وارتن) بخانواده‌ای قدیم و توانگر از انگلستان جدید تعلق دارند و(درایزر) فرزند مهاجری آلمانی است که

تازه در(اندیانا) سروسامانی یافته است و به هیچ اصل وسنتی اعتقاد ندارد (جیمس) و(وارتن) با سختی واحتیاج روبرو نشده و بکسی رشك نبرده‌اند ولی (درایزر) تهیدست و ندار است واز همان کودکی از خواهش و نیاز رنج میبرد (جیمس)و(وارتن)درکنار میز بترویج‌وتوسعه هنر پرداخته‌اند تعلیم وتربیت آنان ومحافلی راکه بدان گام میگذارند وسائل کسب کمال وتهذیب نفس را برای آنان فـراهم میکنند و ناشران کتب نیز از همان وهله نخست بخوشروئی آنان را میپذیرند وبراثر روابطی کـه با دانشمندان دارند از همان آغازکار نویسنده وادیب شناخته شده‌اندولی (درایزر) باید باکار وکوشش جای خود را بازکند مطالعه وتحقیق اودر خبرنگاری ووقایع مهم و فساد اجتماع است از شهری بشهری میرود و آنجاکه میتواند راز درون را بزبان قلم جاری می‌سازد و بـرای آنکـه قلمش روان شود باید با فروش آن‌کار خودراآغازکند .

بالاخره در ۱۹۰۰ نخستین کتاب خود« خواهر کاری » Sister carrie را بچاپ می‌رساند امروز فراوانندکسانیکه این کتاب را محترم می‌شناسند بنام آنکه تاریخی جدیدرا باظهور خودآغازکرده ویاپیدایش ادبیاتی را نوید داده است که ترجمان احساسات ملی باشد این کتاب‌در عصرخود باحقارت‌یاغفلت معاصران‌روبروشد، عده کسانیکه آنرامیفهمیدند بسیارکم بود.

طبیعت‌پرداز ــ قضیه ازچه‌قرار است؟ ــ هیچ تنها برای نخستین‌بار است که یك نویسنده همه‌چیزرا میگوید این‌موضوع امروز بنظرماساده وپیش‌پا افتاده می‌نماید کسیکه اکنون کتاب «درایزر» را میخواندتعجب میکندکه‌چگونه وی توانسته‌است‌درسی یاچهل‌سال پیش بدین‌بی‌پردگی

سخن گوید ولی اگر امروز بدان عادت کرده‌ایم که کتابها برای ما از همه چیز سخن گویند باید بیاد آوریم که همیشه چنین نبوده است و می بایست کسی بدینکار همت گمارد . در امریکا آن کس «تئودر درایزر» میشود وقرعه فال بنام اومی‌زنند در آن‌عصر لازمه اینکار همت وشهامت است . برخی ازموضوعات کتابهای وی به‌ادبیات مستهجن و«نشریاتی» تعلق‌دارند که بنام «مخصوص» معروف است وخریدار درپستوی دکان کتابفروشی آنهارا برای مقاصدی‌میخرد که اعاده ذکر آن جائز نیست « درایزر » می‌تواند بدین ادبیات ونشریات حق‌دهد که در ادبیات رایج واردشوند وعلناً درپشت شیشهٔ کتابفروشی جاگیرند منظور وی آن نیست که‌ازاین کارلذتی ناشایسته برد ویاعفت عمومی‌را جریحه دارکند بلکه چون این ادبیات ونشریات‌جزء زندگی‌است‌میخواهد زندگی‌را چنانکه‌هست‌بنماید

« هاولز » پیشوای‌مکتب « واقع‌بینی » چنان‌محتاط وعفیف‌است که جز ازجنبه های معقول « واقعیت عزیز » سخن نمیگوید « نوریس » و «سینکلر» فقط بجنبه‌های اجتماعی این‌واقعیت توجه دارند و « جیمس » مسائل روانشناسی‌را مطرح میکند و «ادیت وارتن » برمقررات وآداب و رسوم میشورد ولی نیروی‌عادت اورا باطاعت از این مقررات وامیدارد « درایزر » ازاین امور کاملا غافل است درزندگی برای اوفقط یك نکته اهمیت دارد وآن‌اینست که‌بهیچ بهانه‌ای کوچکترین عنصروعلامت‌معادله جبری خودرا نادیده نگیرد این دقت که درخور یك استاد بزرك ریاضی است آن عیب‌را دارد که داستان را بسیار طولانی میکند ولی درعوض صراحت ووضوح وقدرت منطقی بدان میدهد که درخور ستایش‌است

« درکتاب (یك‌غمنامه امریکایی) «۱۹۲۵» که آنرا در زمـان

ورزیدگی فکر وقریحه نوشته است و نمونه‌ای از کتاب‌های او به‌شمار می‌آید قضایا در آن چنان بخوبی ودقت ثابت‌شده که وی‌میتواند بااعتقاد باطنی بما بگوید که قهرمــان داستانش یعنی «کلیدگری‌فیتس» Clyde Griffiths قاتل (که مانند «ژولین‌سرل» قهرمان‌داستان استندال‌واقعیت دارد) واقعاً گناهکار نیست‌وحال‌آنکه قاتل دربرابر چشم‌ما نقشه‌جنایت را طرح میکندو بارتکاب آن‌می‌پردازد ؛ درایزر اورا مهربان وخوش طینت معرفی میکند وی‌مردی ساده وخودخواه ولافزن وترسنده‌ومنفور است که جز زیبائی اندام حسنی‌ندارد ولی نه چندانکه حس ترحم‌مارا برانگیزد «درایزر» ازآن نویسندگان نوع‌پروری نیست که برمحکومین باعدام رحمت وشفقت آرد وازسرنوشت آنان دلش بدردآید ولی‌ثابت میکند که ما نمیتوانیم درباره «دیگری» قضاوت کنیم چراکه نمیتوانیم خودرا بجای آن «دیگری» قرار دهیم وشگفت اینجاست که اینموضوع را بما بخوبی می‌فهماند‌درحالیکه‌مارا‌بجای«گری‌فیتس»میگذارد که‌موفق می‌شویم‌مصائب اورادرصحنه‌های‌آخرادراك کنیم(بشرطیکه‌تاآنجاکتاب‌را بخوانیم) آنجاکه وی‌پی می‌برد که درجهان تنها وبیکس است ومادرش که زنی مهربان‌و با تقوی است نمیتواند افکار او را بفهمد

«حتی‌حالا درهمین اوقات آخرعمر ، هنگامیکه وی دردل نیازی آتشین بمحبت و شفقت احساس میکند بلکه بیش از محبت بدان نیاز دارد که کسی افکار اورا بفهمد . آری‌حتی حالا وباوجود تمام‌محبتی که مادر نسبت بفرزند دارد ومیخواهد باتمام قوا چنانکه رویه اوست‌بازهد وفداکاری اورایاوری‌دهد‌بازفرزندنمیتواندرو‌بسوی‌مادر کندو بدو بگوید چگونه این‌وقایع روی داده‌است گوئی براثر عدم تفهیم وتفاهیم دیواری

بلند یاسدی نا گذشتنی میان آن دو پدید آمده چرا که مادر هیچگاه احتیاج سوزان فرزندرا به آسایش و تجمل وزیبائی وعشق ادراك نخواهد کرد ـ عشقی از نوعی خاص همراه بالذت وثروت ومقام و آرزوها و تمایلات شدید و « تغییر ناپذیر » آری مادر این چیزهارا نمیتواند بفهمد»

زیر صفت « تغییر ناپذیر » وحوائجی خط کشیدم که« گری فیتس» را به ارتکاب جنایت واداشته‌اند این صفات وحوائج بعقیده نویسنده در همه کس یافته میشود . بعلت آنکه اولا بشر در برابر تمایلات خود ناتوان وزبون است آن جبر تعلیلی که « درایزر » هواخواه آنست منکر اراده نیست ولی اراده فقط برای آن بکار می‌افتد که این تمایلات تقدیری ومحتوم ارضاء شوند ثانیاً موضوع این تمایلات در «پاکارد» Packard نشستن و بتماشاخانه ومهمانخانه رفتتن ومورد احترام بودن است بخاطر همین امر است که «گری فیتس »آدم میکشد و« کوپروود» دزدی میکند قهرمانان «درایزر» ابداً آن فکر راندارند که ممکن است تمایلاتی دیگر غیر از آن تمایلاتی که ارضاء آنها با پول میسر است برای بشر وجودداشته باشد استثنائی هست وآن خود «درایزر» است که بنام قهرمان داستان «نابغه» (۱۹۱۵) کیفیات نفسانی خودرا شرح میدهد قهرمان کتاب نابغه نقاشی است که زندگی خودرا وقف هنر کرده دراین کتاب « درایزر » تمایلات دوران بلوغ خودرا بکلیه اشخاص نسبت میدهد دوران بلوغ اووقتیست که خوار وبدبخت بوده وآرزو داشته که باتجمل زندگی کند ومقامی در اجتماع بدست آورد نمیتوان کسی را یافت که موحش تر ازاو از تمدن امریکا انتقاد کرده باشد

معایب ادبی ـ « درایزر» اگرفقط راه‌ورسم نوشتن را می دانست

مسلماً یکی از نویسندگان بزرك میشد مانند «استندال» یا «داستایوسکی» (آنان نیز معایب و نواقصی داشته اند) از نظر داستان‌نویسی حس ترحم و قوه ادراکی دارد که می تواند شاهکار هائی پدید آورد و همچنین از تخیلی برخوردار است که اجازه‌میدهد ازهیچ ، داستانی طرح کند از آن گذشته چون روانشناسی ماهراست میتواند صفاتی راکه وجود آنها در اشخاص محتمل‌می‌نماید‌بخوبی تعریف کند وبااینهمه خواندن داستانهای طولانی اومانند «غول» «نابغه» «یك‌غمنامه امریکائی» «بامداد» چه‌صبر وشجاعتی لازم‌دارد! نه‌تنها جمله‌ها بسیار دراز و پیچیده وحتی تاریکند بعلت استعمال لغات نامأنوس و اغلاط دستوری که چندان اهمیتی ندارد بلکه درمورد اومحال است که عدم‌مهارت را بجای شهامت گیریم وغلط نحوی‌را بجای جمله‌های ظریف وشیواچراکه مکررات و علامات تعجب وازاین‌پس‌ها و پس‌ها و دراین هنگام‌ها وحالاها باندازه ای فراوانند که تکرار آنها خواننده را عصبـانی میکند مناظر پیوسته تکرار میشوند و یکنوع‌احساسات درهرفصلی ازنو تجزیه‌وتحلیل میگردند ، این‌ترکیبات وتکرارها گاهی چنان‌تحمل‌ناپذیر و خسته کننده‌اندکه خواننده تعجب نمیکند ازاینکه «درایزر» کتابهای خوددا دوباره نخوانده باشد!

چون دو داستان اولی او «خواهر کاری» و «جنی جرهارت» Jenni Gerhardt از لحاظ تناسب، معمولی و بسبکی پسندیده نوشته شده اند . برخی چنین می پندازند که اگر «درایزر» میخواست بجای آنکه ازبدبه‌بدتر پردازد میتوانست روش نویسندگی خودرا اصلاح کند فقدان حسن ظرافت او دلیل عدم قدرت ولیاقت نیست بلکه بی‌اعتنائی علنی و عمدی نسبت به ظرافتی است کـه آداب و رسوم آن هیـچ رنگ

امریکائی ندارد درپیش دیده‌ایم که «نوریس» مینویسد : « چه کسی دربند سبکی زیباست؟ » واگر نیك بنگریم میبینم که نویسندگان امریکا چون سر آن دارند که خودرا ازقید قواعد و آداب و رسوم بیگانه آزاد کنند توانسته‌اند بقول آقای « آلفرد کازین » Aefred Kasin مورخ ادبیات کشورامریکا « مسائل هنری‌را خواردارند» نه آنکه ازآنها غافل باشند همین امرسبب پیدایش عکس العملی‌در «همینگوی» و« فلکنر » میگردد نفوذ ـ مسلم است که رویه «درایزر » سبب شده که نویسندگان پس از جنگ ازقبیل «لویس» و« فارل» وغیره مسائل هنری را خواردارند ولی این موضوع نمونه‌ای کوچك از نفوذ اوست نه تنها داستان نویسانی‌چون « فارل» و« ریچارد رایت» Richardwright سیاه پوست (که دفاع‌نامه نژادی او «پسرمیهن»(١٩٠٤) تقلیدی از «یك غمنامه امریکائی» است) پیروان وفادار او هستند (ولی نبوغ وقدرت ادراك اورانداراند) بلکه آن نویسندگانی نیز که‌مستقیماً ازاوتقلیدنمیکننداز درهائی که گشوده استفاده می‌برند وازآنها که بسته درعذابند ، درواقع اگرحسن قبول و صداقت او نبودکه هرکس‌را این‌درجه ازذکاء ونبوغ دست ندهد، مفهومی‌مادی وریاضی که ازجهان دارد بسیارشوم میشد ازهمین مفهوم « ادبیات سیاه » سرچشمه گرفته است وکوشش وارسته ازغرض یا کوشش برای کوشش که «همینگوی» آنرا توصیه میکند واکنشی‌است دربرابراین‌جهان عاری از دلاوری و فداکاری .

۳ـ فیلسوف و اهل تتبع

فیلسوف صاحب‌نظر آمریکاکم است در اینمورد بازهم اثر تعلیم و تربیت از تاثیرخون و نژاد قوی تر میشود و امریکائی ازانگلستان

فقدان ذوق و استعداد خودرا برای بحث در مجردات بارث می‌برد

تا امروز چنین مینماید که این موضوع بیش از دو استثناء نداشته است که آندو عبارتند از « ویلیام جمیز » William James (۱۹۱۰ ۱۸۴۲) و « جرج سان تایانا » George santaynna (متولد ۱۸۶۳) ولی بازهم این فیلسوف اخیر اصلا اسپانیائی است » از آن گذشته نمی توان دو فرضیه را در نظر گرفت که بیش از فرضیه این دوباهم اختلاف داشته باشد « جیمس » فیلسوفی عملی است pragmatisme و «سان‌تایانا فیلسوفی تصوری Idealisme

سبك اولی روشن و ظریف است و از دومی مطنطن و پر ابهام و اندکی تاریك که سبك « پل والری » را بیاد می آورد

جای آن نیست که در جزئیات فلسفه ایندو وارد شویم ولی فلسفه «ویلیام جیمس» بطور غیر مستقیم نفوذی مسلم در زندگی و در نتیجه در ادبیات امریکا داشته است « لااقل این راهم باید گفت که هم میهنان وی ظاهراً عقاید او را بدرستی تفسیر نکرده‌اند اگر اندکی دقت کنیم می بینیم که فلسفه عملی وی از این عقیده ناشی شده است که فلسفه نباید منحصر بافکار مجرد باشد بلکه باید در زندگی نیز مصداق یابد و نه تنها فرضیه باید از محك آزمایش و تجربه بگذرد بلکه خود تجربه نیز باید تحت نظارت فکر باشد و فکر آنرا عالی و ارجمند بشناسد در پرتو این روشنائی است که باید عقیده اورا تفسیر کنیم که میگوید « موفقیت مایه ارزش است » :

« اگر این زندگی (زندگی بشر متفکر) جنگی واقعی نباشد که در آن دائماً چیزی براثر موفقیت نصیب جهان گردد بیش از بازیی

نیست که در صحنه نمایش بمیان آمیداز زندگی نترسید ، ایمـان داشته باشیدکه زندگی به رنج زیستن می‌ارزد و همین‌ایمان شمـارا در راه آفریدن سعی و عمل یاوری میدهد »

ولی بازرگانان امریکائی این فرضیه را دلیل موفقیت های خـود دانند و بدبینی « جیمس » را نسبت به‌امورمجرد برهانی برای‌بی‌اعتنائی امریکائی نسبت به زندگی عقلی بشمار آورند از همین‌روست که«ویلیام جمیز » ندانسته به ترویج فقدان احساسات و عاطفه مدد کـرده است و نویسندگان معاصر نیز بسختی براین موضوع شوریده اند « سان‌تایانا » مستقیماً براین فقدان احساسات میشورد وازهمان سال ۱۹۰۶ نتایج آنرا از پیش میگویدو با فلسفه مادی معاصر بعلت آنکه افراد را به‌هرج‌ومرج و نومیدی راهنماست مبارزه میکـند وی زنده مانده تا به بیند کـه پیش‌بینی هایش جامه هستی می پوشد ولی کسی بدانها گوش نمیدهد

کتابی دیگر که در همان سال ۱۹۰۶ نوشته شده وحاکی از نظیر همان بیم و امیدهاست باجوش و خروش بسیار مورد استقبال عامه قرار میگیردراست‌است که این کتاب درسال ۱۹۱۸ منتشر میشود ولی‌حقایقی در آن ذکر شده که جنك بزرك صحت آنهارا نشان میدهد اکنون‌خوب است درباره «تعلیم وتربیت»هنری آدامس» Henryadams بحث کنیم .

«هنری آدامس »مورخی‌است که « تاریخ کشورهای‌متحدامریکای او در زمان«جفرسن » (۱) و « مادیزن » (۲) ازنظر سندیت‌معتبراست

---

(۱) Thomas Jefferson سومین‌رئیس‌جمهور کشورهای‌متحدامریکا متولددر«شارول»(۱۸۲۲-۱۷۵٤)وی یکی ازموسسان‌حزب‌دمکرات بود .

(۲) Madison یکی ازشهرهای کشور های متحد امریکا پایتخت «ویسکنسن» ۵۷۹۰۰ نفرجمعیت ونام یکی ازروسای جمهور آنکشور.

و کتاب «من سن میشل و فرمان‌ها » Alont saint michel and chartres
وضع قرون وسطی را بخوبی روشن میکند

ولی بااینهمه « آدامس» در پایان عمر احساس میکرده کـه حـق
مطلب را بجا نیاورده است و برای آنکه علت آنرا در یابد بخاطرات خود
رجوع میکند کتاب « تعلیم و تربیت » سر گذشتی از سراسر زندگی اوست
و با تذکار آن زندگی جمهوری امریکارا از نو بخاطر می آورد وی چون از
خانواده‌ای برخاسته که به امریکای جمهوری دو رئیس جمهور و چندیـن
وزیر اهداء کرده است

باروابطی که با مقامات سیاسی دارد و با تجربیات شخصی به تحقیق
درسیاست این کشور می پردازد همچنانکه بامطالعات خود به نگارش تاریخ
آن همت میگمارد ازاینرو کتابهای او انتقادی ازتمدن امریکا میگردد وی
ثابت میکند که این تمدن از نظر معنوی و اخلاقی از کار بازمانده و نور مذهب
خاموش شده وطبیعت از یادها رفته است.

« مسلك پورتیان اهالی بستان کلیه مشکلات جهانرا چنان بدرستی
گشوده بود که اجتماع دیگر نیاز نداشت بفکر گذشته و آینده پردازد و
قانع شده بود که کلیه مسائلی که از آغاز تاریخ بشریت فکر بشری رامیآزردند
بدان نمی ارزند که درباره آنها بحثی بمیان آید»

امریکا معنای شعر وعشق را فراموش کرده

« احساس وعاطفه که بمنزله گناه است دراعصارقبل بفکر بشر فوت
وقدرت می بخشیده هنر امریکائی مانند زبان امریکائی ومانند تعلیم و تربیت
امریکائی تقریباً تعلق به جنسی خاص زن یامرد ندارد »

خوانندگان «فلکنر » و « کالدول» راهی را میتوانند اندازه گیرند که

درطی بیست سال پیموده شده

ذوره‌اعلی «تعلیم وتربیت» فصلی است که درباره «باکره وقوه» Dynamo نوشته شده (باکرهٔ) نشانهٔقدرت معنوی‌وشهوی است که‌تمدن باختررا روح وزندگی بخشیده وقوه نماینده قدرتی که امریکارا بکار و کوشش‌وامیدارد ازاینرو «کلیه بخارهای‌جهان‌نمیتوانندمانند (باکره)قانون اساسی‌رابوجودآورند»

باآنکه کتاب «تعلیم وتربیت» تجزیه‌وتحلیلی صحیح ازقضایاست وهرچه کمترازافکاربیهوده وتوهمات‌بهره داردولی‌علت محبوبیت‌وموفقیت آن جزاین نیست که سختی‌ها ورفع شبه‌های مؤلف۷۰ساله آن باسختی‌ها ورفع شبهه‌های جوانان دل‌آگاه وروشن روان سال ۱۹۲۰ کاملامطابقت داشته است‌وگرنه‌خواندن این کتاب‌چندان‌آسان‌نمینماید سبك«آدامس» ظریف ولی‌خشك‌وتصنعی‌است وی‌جهانی دیگرواجتماعی‌دیگررا منعکس میکندآن اجتماعی که درزمان تسلط پورنین‌هاوملکه ویکتوریا وجود داشته است واوآنرا باقلم خود دربرابرچشم خواننده میگذارد

۴- رمان خاکستری

اگرکسانیرا داستان نویس «سیاه» نامندکه پس ازجنگ نخستین جهانی درآسمان ادب درخشیدن‌آغازکرده‌اند اسلاف بلافصل‌آنان‌لااقل حق دارندکه داستان نویسان «خاکستری» نامیده شوند درست‌است‌که درمیان‌آنان چند نویسنده تصوری Idealiste وجود دارد ولـی‌همیـن نویسندگان نیز بیرازی وتنفر ازاجتماع زشت وپلیدرا بخوانندگان خود اندرز میدهند و افراد برجسته آنان یا مانند « جیمـس برانچ‌کابـل »

James Branch cabell است که کتاب « جرجن » Jurgen (۱۹۱۹) درمیان بیست و پنج جلد کتابش در نشان دادن مناظر خیالی ورؤیا از همه مشهورتر است یاچون «جرف هر گس همر» JosefhH ergesheimer است که همیشه بیاد گذشته است و یا آنکه میخواهد زیبائی را کشف کند که در عشقی یا صحنه‌ای یاحرکتی نهفته است

دو نویسنده زن آن افتخار را دارند که از نظر ادبی قرن ۱۹ را به قرن ۲۰ پیوسته‌اند ازاین دویکی «الن گلاسگو» Ellenglasgo هجوسر است دیگری «ویلا کاتر» Willa cather است که در نوشتن داستانهای غم‌انگیز مهارت دارد.

«الن گلاسگو» (۱۸۷٤_۱۹٤٥) نخستین داستان خودرا در ۱۸۹۷ منتشر میکند ولی درسالهای ۱۹۲٥ و ۱۹٤۰ هنگامیکه ادبیات سیاه رونق میگیرد مشهور میشود وی تقریباً مبدین ادبیات تعلق دارد و از آنجا که مانند «کالدول» و «فلکنر» ازجنوب برخاسته است مانند آنند و افسوس میخورد ازاینکه این تمدن ازاوج سربلندی بخاك پستی افتاده وراه فساد پیش گرفته است، ازنظر سبك وطرز بیان معنی ازعادات ورسوم قدیم پیروی میکند و بی آنکه بخود رنج وزحمتی هموار دارد باخوش طبعی وظرافت وقایع را توضیح میدهد وفقط معنای نهفته وعمیق آثار او غم‌انگیز است داستان «زندگی مصون» Sheltered life زندگی مصون اشراف جنوب را شرح میدهد زندگی که براثر فراوانی ثروت از دستبرد مصون مانده مردمی که چنین زندگی کنند ازوسائل آسایش وتعلیم و تربیت بهره‌ای وافر دارند وسنن وعادات را محترم شمرند ولی با اینهمه قهرمانان این داستان البته بنحوی مختلف به‌اندازه بدبختانی رنج برند که تن را باکارهای

سخت وجانگاه فرسوده میکنندودرکلبه‌هائی متعفن روز گارمیگـذرانند این‌قهرمانان‌چون ازحادثات دهر درپناهند بازبچه‌افکارپر آزارخود گردیده وهمه را دربندآنند که چگونه حس غرور وخود پرستی خویشرا ارضاء کنندافکارزمان‌فراغت آنان‌بسیارخسته کننده وشکنجه آور است . درست است که زندگی این اشخاص از مصائب مادی بر کناراست ولی آنان این زندگی‌را باافکارشوم خودبصحنه‌ای غم‌انگیر تبدیل میکنند

«ویلا کاتر» (۱۸۷٦-۱۹٤۸) درنخستین آثار خود «ای کار گر!» (۱۹۱۳) و«آنتونیای من» My Antonia (۱۹۱۸) ستاینده غم‌انگیز باختر است درعین‌آنکه میخواهد ازتعینات روی برتابد و بنوعی وحدت وجود دست یابد وخودرا درطبیعـت مستهلك کند نا گفتـه نگذریم که ستایش ازباختر خاص شاعران دوره‌ای دیگر بوده‌است . «ویلا کاتر» پس ازاینکار برتلخی و بد بینی‌اش می افزاید غمگین و افسرده میشود کتاب «بانوی گمشده» Alost lady (۱۹۲۳) سرگذشت ملت امریکاست کـه بصورت این زنی‌مجسم شده است که هنوز اززیبائی بهره‌ای دارد ولی در گذشته پاك و نجیب واصیل بوده است این زن رفته رفته وقار و تشخص خودرا ازدست میدهد وپس ازمرگ شوهرزنی‌معمولی میشود وخود را درآغوش فاجرانی می‌افکند که دامان عفت او را آلـوده میکننـد (۱) شوهر این زن‌ثروت‌هائی فراهم آورده که اکنون بدست‌جمعی شیاد افتاده است «بدون‌او این زن‌به قایقی‌مانندبود که‌لنگر وبادبان‌نداشت‌ودستخوش

۱ـ نظیرهمین کنایه را در کتاب «لوسی گافارو» میتوان دید که قهرمان زن‌آن مردد است در انتخاب لطف و جاذبه هنر که بوسیله یك موسیقی دان اروپائی تجسم یافته است ولطف وجاذبه یك زندگی تنها که بوسیله مرد ساده وسوداپیشه امریکا مجسم شده‌است.

بادهای هوسبازمیگردید . چنین مینماید کـه وی قوه تشخیص وقدرتـی را از دست داده است که با آن میتواند به آسانـی ولطف هر کس را بجای خودنشاند»

بدون او.... امریکای واقعی امریکای پیشروان ورهبران وامریکائی بود که مرز آن همیشه بجلو میرفت اکنون که مرز بسته شده ورهبران و پیشروان ناپدید گردیده اند امریکا عقل معاش خودرا ازدست داده وسرزمین فسق وفجور واغتشاش گردیده است ! درپایان عمر «ویلاکاتر» کاتولیك میشـود از نظرهنری وی بامکتب طبیعت پردازی وبی‌قیدی هنری معاصران خود مخالف است سبکش بسیار دقیق ومو جز و موزون است یگانه عیبش آنهم در کتابهای خیلی قطور اینست که نسبت وتناسب را چندان مراعات نمیکند و این همان عیبی است که از لطف کتاب شیرین « آنتونیای‌من» میکاهد و آنرا بنظر خواننده عجیب نشان میدهـد و هم چنین کتـاب « خانه استاد»(۱۹۲٥) عاری ازابهام نیست و بهمین دلیل است که‌شاهکار های اوداستانهای کوچکست ازقبیل« بانوی گم شده » و«دشمن خونی‌من» My mortal enemy (۱۹۲٦) دراین داستان کوچك «ویلاکاتر » کاملا اندازه و تناسب را رعایت میکند احتیاط و حساسیت زنانه وی آنـروح غمگینی را به قهرمان داستان می‌بخشـد کـه مایه کمـال لطف و جاذبه شاعرانه است



در بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲٥ بر اثر درخشیدن ستاره اقبال « شروراندرسن» Sherwood Anderson و«سینکلر لوئیس»(متولد بسال ۱۸۸٥) در آسمان ادب نام «درایزر» ظاهراً ازخاطرها محومیگـردد تا

آنزمان این نویسنده استاد مکتب واقع بینی درامریکا بشمارمی آمده‌است «سینکلر لوئیس» جائزه نوبل‌را می‌برد و این افتخاری است که تا آنوقت نصیب هیچیك ازهم میهنانش نشده است این دونویسنده متفقاً برخشکی ویکنواختی زندگی آمریکا می‌شورندچراکه این زندگی بر اثر مقررات اجتماعی وقدرت صنعتی ومحدودیت‌اخلاق پورتینی ، خسته کننده گردیده است «اندرسن» میکوشد به اختلالاتی پی برد که این زندگی یکنواخت وخسته کننده در «زیرسطح» ودراعماق قلب اشخاص بوجود می آوردو «لوئیس» نیرزشتی‌وحقارت صحنه‌های اجتماعی‌را نشان میدهد.

کتاب «خیابان اصلی» main street (۱۹۲۰) و «بابیت» (۱۹۲۲) babbitt شهرتی جهانی دارند در کتاب نخست نویسنده غمناکی وخشکی معنوی شهرنامی کوچك باخترا نقاشی‌میکند درباره این کتاب می‌توان گفت که قهرمان زن آن «امابو آری» (۱) امریکا بوده‌است «بابیت»

---

(۱) Emma Bovary نام قهرمان کتاب «خانم بواری» گوستاو فلوبر است .

Gustave Flaubert داستان نویس‌فرانسوی متولد در «روئن» نویسنده کتاب «خانم بواری» .

وی شاهدی واقع بین و نویسنده‌ای بدیع است وسبکی بسیار دقیق وهنری دارد (۱۸۸۰-۱۸۲۱)

کتاب «خانم بواری» ۱۸۵۷ سرگذشت زنی جوان وهوسباز است که براثرخواندن ادبیات گمراه میشود وفساد اخلاق مایه تهیدستی و خودکشی‌اومیگردد خانم بواری که زن یکی از اطبای کوچك روستاست چون آرزومند زندگی پرتجمل وعاشقانه‌است ازایفای وظایف خود بازمی ایستدو باستقبال آن زندگی میشتابد که پر از ننك‌ومخارج گزاف‌است‌روزی که مأموراجراء برای توقیف‌اموال‌منقول بخانه‌اومی آیدخانم بواری‌چون‌سخت ازاین امرل‌آزرده واندوهگین میشود باسم الفار خودرامسموم میکند .

را میتوان آقای «ژردن» (۱) و «تارتارن (۲) امریکا دانست شیفتگی‌اش رابه ثروت ومال اندوزی وغرورش را ازوسائل آسایش خویش وهم‌چنین جنبه غلودراحساسات‌وخستگی وفرسودگی او را نویسنده بخوبی نشان میدهد «لوئیس» در آثار بعدی خود مخصوصا در کتاب (المر گانتری) Elmer Gantry (۱۹۲۷) با سرزنش وبیغاره به ریاکاری مذهبی‌حمله میکند وپس ازچندی از نو با شدت و حرارتی بیشتر بدین حمله‌دست میزند وچنان خشمگین میشود که آن عواطف و شوخ طبعی را که یکی از صفات‌برجسته اوست از دست میدهداز آن گذشته غالبا گفته راتکرار میکند وفقدان تخیل اورا وامیدارد کـه از نو همان صفات و کیفیات را توضیح دهد وی بخوبی میتواند داستانی ازخود بسازد و قهرمانان آنرا حقیقی‌جلوه دهد و آنانرا درست مانند اشخاصی‌بسخن گفتن و کار کردن وادارد که این قهرمانان میخواهنداز آنان تقلید کنند ولی آن قدرت‌تاثیر و نفوذ را ندارد که براز دلهایی برد و دردها را بشناسد و بدون این قدرت هم بهترین آثار ادبی ساختگی وناچیز میشوند .

---

۱ ـ Jourdain قهرمان اصلی نمایشنامه «نجیب سرمایه دار» «مولیر» Molière (۱۶۷۳-۱۶۲۲) شاعر مشهور فرانسوی است وی بازرگانی نو کیسه است که برای‌آنکه شیوه ورفتار مردی نجیب را فرا گیرد درس‌آداب معاشرت رامی‌آموزد«آقای ژردن» خیلی تعجب میکند وقتی ازاستاد فلسفه خودمیشنود که مدت‌چهل سال که‌اوسخن میگفته«کلام منثورمی ساخته است بی‌آنکه خودآنرا بداند»

۲ـ Tartarin قهرمان‌داستان«الفنوس‌دوده» AlphonseDaudet (۱۹۲۱-۱۸۳۷) نویسنده مشهورفرانسه است کتاب «تارتارن» اخلاق لافزن ولی ساده مردم جنوب فرانسه رابخوبی نقاشی میکند واصطلاحاً هرجانام «تارتارن» بمیان‌آید منظورشخص لافزن وساده‌ای‌است .

«لوئیس» بدون دقت ومواظبت چیز مینویسد سبکش کـه بسیار معمولی ویکنواخت است از سبك روزنامه نگاری تجـاوز نمیکند کـه روان و آسان جیز مینویسد وحال آنکه «شرود آندرسن» (۱۹۴۱-۱۸۷۶) با جملات ساده وصریح خود ذوق و استعداد خویش را ثابت میکند و ظهور «همینگری» را نوید میدهد ولی با اینهمه وی نویسنده ای خوب وماهر نیست و موفقیت او از آنجهت است که در نویسندگی از افکار «فروید»۱ پیروی میکند و روش تجزیه وتحلیل روحی «فروید» در آن عصر همه را بوحشت میاندازد ولی بنظر ما اشتهار بدین صفت کافی نیست وهیچ چیز در کتاب اوخستگی و کسالتی را تلافی نمیکند که ازخواندن آن بشخص دست میدهد کتاب «واینسورك اهیو» Winesburg'ohio (۱۹۱۹) اوشوروغوغائی بپا میکند این کتاب تجسم مناظرشهری کوچك است که با نقاشی تقریبا بیست حالت روحی ، آثار شوم تضییقات اجتماعی واخلاقی را درروح اشخاص نشان میدهد «آندرسن» با چیزی مخالف است که میتوان آنرا (سلطه افکار غیر) نامید سلطه عادت ، مقررات و افکاری که همه آنها را پذیرفته‌اند خلاصه باآنچه میگویند ومیکنند سر مخالفت دارد نصیحت او به‌طبقه جوان اینست که «آنچه آموخته‌ایدفراموش کنید بخیال کردن شروع کنید» آرزوی وی آنست که بشر زمام اختیار را بدست تمایلات و «تخیلات تاریك» خود دهد ولی این تخیلات در واقع چنان تاریکند که انسان بخوبی نمیفهمد که وی از چه میخواهـد سخن

۴- Sigmund Freud طبیب روحی اطریشی است متولـد در «فرای برك» (۱۹۳۹-۱۸۷۳) که براثرروش تجزیه وتحلیل روحی خود بسیاری ازاعمال بشری را بوسیله نفوذ روحی‌امیال جنسی تفسیرمیکرد .

بگوید «آندرسن» چون شخصی که در تاریکی گمشده‌ای را بیابـد در جستجوی آن تمایلات نهفته است که بزندگی معنی ومفهومی می بخشد ولی سرانجام وی بکشف این تمایلات موفق نمیشود قهرمانان کتابش را تمایلاتی مبهم راهنما و محرك است تمایلاتی که برای آنان مبهم است همچنانکه برای خود نویسنده تمایلات قهرمانان کتاب (آندرسن) مانند تمایلات قهرمانان کتاب «درایزر» ویا «کلدول» (که جز جوائج ضروری نمیشناسند) امیال یا حوائجی ضروری وطبیعی نیستند بلکه تمایلاتـی هستند نا معین ومبهم که معلوم نیست ازکجاآمده‌اند وهدف آنهاچیست وچه کسی دارنده آنهاست «آندرسن» همیشه کم وبیش بکسی ماند کـه خود نیز نمیداند ازچه سخن میگوید کتاب «خنده‌های مرموز» (۱۹۲۵) راکه اثری بزرك وشاعرانه دانسته‌اند داستانی بدوناچیز است که در آن افکار «فروید» بصورتی هرچه ساختگی تر و حکمت اشراق بنحوی پر استعاره نقل شده‌است .

۵ « شعر جدید »

شعر جدید با ظهور مجله « شعر جنگی از اشعار » Poetry . a Magazine of verse در صحنه ادبیات وارد میشود شماره اول این مجله در سال ۱۹۱۲ بچاپ میرسد این مجله بزودی مشهور میگـردد و بخاطر آنکه صفحات خود را برای کلیه شاعرانی باز گذاشته است که‌از حیث تمایل وافکار ونژاد باهم اختلاف دارندبترویج‌وتوسعه شعرامریکا خدمت‌میکنند مجله (شعر. جنگی از اشعار) بدسته‌ای خاص تعلق‌ندارد ولی ازآنجاکه اسمش با مسمی کاملا مطابق است خـود را در اختیار شاعران میگذارد بی آنکه بفکر ترجیح مکتبی بر مکتب دیگرباشد .

درطی چهار سال یعنی از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱٦ پی درپی مهمترین شاعران دوره جدید پا بعرصه ظهور میگذارند این شاعران عبارتند از « و . ای لئونارد» W .E . Leonard «وچل لیندسی» Vachel Lindsay « گارل سند بورك» Carl sandburg «جیمز اپن‌هایم» James oppenheim «پا اوند» Round « آمی لول » Amy Lwell « و شاعران مستعار » «ربرت‌فرست» Rbert Frost «ادگارلی‌مسترز» Edgardlee masters « چی . ج فلچر» J . G . Eletcher وغیره ...

این شاعران راکه همه با یکدیگر اختلاف دارند بیش از یك‌وجه مشترك بهم نزدیك‌نمیکند و آن اینست که همه زبان «شعر» ولغاتی‌مانند آسمان لاجوردین‌وهزاردستان و سوسن‌وپنجره وغیره را ازعرصه‌شاعری بدور افکنده‌اند .

همه این شاعران در جستجوی اشکال تازه‌ای از شعر هستندولی درهر نوع شعری که باشد «ماسترز» استعاره را مانند عادات و سنن‌شعری ناپسند وزشت میدانند وشعرای مستعار آنرا اصل شعر وشاعری‌میشناسند برخی نیز مانند «کنراد ئیکن» Conrad Aiken موسیقی‌لغات ووزن آنها را می‌پسندند که عده‌ای بوحشت‌از آن دوری‌میجویند پارهٔ غزل‌سرا واحساساتی هستند مانند « لیندسی » و«ساندبورك» وحال‌آنکه عده ای دیگر خشك وبی عاطفه‌اند مانند «ماسترز» یا احتیاط پیشه و عفیف اند چون«فرست» همچنین‌از نظر موضوع‌شعر «الیوت» Eliote یا «مالك‌لش» Mac Leish در ماوراءالطبیعه بحث‌میکندو شعر (اج . دی» D.H در خاتم‌کاری و تصویر نگاری و شعر «لیندسی» در امور اجتماعی و پیش بینی آینده وشعر«ساندبورك» درصنعت وشعرفرست در امور کشاورزی

خلاصه شعر امریکا درهر موضوعی که باشد بحث میکند وهیچ چیز بنظر آن بیگانه نیست .

این شاعران همه را در دنبال آنند که بدانند شعر از چه ساخته میشود ومانند همیشه آنرا در جائی میجویند که وجود نداردهنگامیکه پی میبرند که شعردر نظم وهماهنگی نیست «ساندبورك »اشعاری بدون وزن وقافیه میسازد پس ازچندی بدین واقف میشوند که شعر در عدم وزن وقافیه نیست ودوباره دست بدامان نظم ووزن وقافیه میزنند وهنوزچون می بیند که شعر در عشق بطبیعت نهفته نیست «ساندبورك» در ستایش ماشین و کارخانه ذوب آهن و کوره‌های پردود شعر می‌سراید و چون شعر را در فکر و تعقل می‌یابندشاعران مستعار هنرخود را وقف توصیف مناظر کوچك میکنند .

«لیندسی» بحکمت اشراق سطحی میپردازد ولی این کار برای آن است که با «پاوند» و «الیوت» همداستان گردد وبحث درحکمت مشائی را آغاز کند .

«ماسترز» و «لیندسی» دو شاعری هستند که بیش از همه در راه ترویج شعر درمیان عامه مردم کوشیده‌اند انتشار کتاب قطعات منتخبه Spoon River Anthologie تالیف « اگاررلی مسترز » در ۱۹۱۵ غوغائی حقیقی در جهان ادب بوجودمی آورد و آن اینست که ازمکتب طبیعت پردازی شاعری برخاسته‌است ؛ این کتاب مجموعه‌ایست ازدویست قطعه شعر کوچك هجوآمیز که بدون وزن و قافیه سروده شده‌اند سبك نگارش آن روان وطعنه آمیز است وبسختی وتلخی زندگی مردم یکی از شهرهای کوچك « باخترمیانه » را انتقاد میکند نویسنده در این کتاب

فقط حقایق را از نظریك واقع بین مینویسد و با وهم و ریاکاری مبارزه میکند و بر شعری ریشخند میزند که از روی احساسات تند آتشین ساخته شده باشد.

«واچل لیندسی» برخلاف دیگران میخواهد شاعر توده باشد و برای ترغیب مردم به «هنر اجتماعی» در سراسر قاره امریکا سفر میکند سرودهای او که از تصانیف سیاه پوستان و اشعار قدیم که بسبك کتاب مقدس سروده شده الهام یافته. پسند دلها میشود ولی محافل ادبی توانگران بیش ازعامه مردم از این اشعار استقبال میکنند منظور «لیندسی» آفریدن هنریست که زبانحال توده‌ها گردد ولی ازاین نکته غافلست که اینگونه هنر آفریده نمیشود وملت یاتوده آنرا ایجادمیکند. از آن گذشته وی عقل سلیم و ذوق خود را برای ایجاد اشعار مؤثر وهیجان انگیز و تصانیف بکاربرده است «جیمز اوپن‌هایم» را میتوان به عنوان شاعری پیشگو بدو تشبیه کرد

«رابرت فرست» (متولد در ۱۸۷۵) شاعر کشاورز «ماساچوست» و «ویژیل امریکا» و محققا راستگو ترین شاعر عصرخویش است ومانند معاصران از اشعاراحساساتی ومکتب رمانتیسم ببیزاری میجوید ولی این بیزاری در وی عکس‌العملی ساده وخیالی نیست که با آن بخواهد از نظر ادبی درجستجوی موضوعی تازه باشد بلکه ناشی از آنست که‌وی بزیبائی عشقی سوزان دارد واقع بینی‌اواز آنجهت است که واقعاً بااشیاء وقضایای طبیعت تماس دارد و بعقیدهٔ اوتوهین بطبیعت است اگر کسی بخواهد این اشیاء یاقضایارا تعبیروتفسیر کند ویاآنهارا بسخن گفتن وادارد

«آنچه بیش ازحقیقت باشد خیلی کم بنظرمیرسد»

وی در آفتاب صدای داس خود را میشنود که ساقه‌های گندم وجو را میدرود داس چه میگوید؟ هیچ ، وهنوز صدای پرندگان را میشنود که برفراز ویرانه‌های یکقلعه آواز میخوانند

« باید از احوال زمین آگــاه باشیم تا باور نکنیم که پرندگــان می گریستند »

«ماسترز» که در «شیکاگو» وکیل دعاوی است زندگی روزانه را مسخره می کند ولی «فراست» که کشاورز است خود را در این زندگی سهیم میداند

درعوض اگروی واقع بین است پیرو مکتب طبیعت پردازی نیست

(« فراست » میگوید : وی بسیب زمینی قناعت میکند که خوب پاك شده است نیازی نیست که این سیب زمینی پر از گل وخاك باشد تا وجود واقعی آن ثابت گردد. بنظر من آنچه هنر برای زندگی میکند آنست که حتی صورت ظاهری آنرا هم بدور افکند)

وی بیطرفانه اشعاری موزون باقافیه یابی قافیه میسراید تخیل وهیجان او حقیقی وقوی است ولی همیشه از اظهار آنها تاحدی خودداری میکند و اشارات فلسفی ویااخلاقی را درخلال آنها میگنجاند با اینهمه اشعار کوتاه وموزون او بیش ازهمه درما اثر میکند اشعار نقلی ومکالمات او که عمداً آنهارا عامیانه و بابیانی نارسا سروده است مسلماً ازنظر شعر شاهکار پستی هستند چــرا کــه منظور او هم همین بوده است ولی اگر در باره آنهــا بیطرفانه قضاوت کنیم و نخواهیم با مکتب «رمانتیك» مخالف باشیم مشکوك می نماید که این صفات مخصوصاً برای ابداع شاعرانه مساعد باشند «ویلیام الری لئونارد » William Ellery با آنکه از نظر ادبی ارزشــش از

«فراست» کمتراست (چراکه شعرش به شعرقرن ۱۹ انگلیس بیشتر شباهت دارد) اشعار گیراو هیجان انگیز میسراید اگروی بااشعارخود شعرای بزرك را بیاد میآورد بخاطر آنست که خود نیزیکی از آنانست و شباهت‌هائیرا که بآنان دارد ناچیز وحقیر میشمرد از آن گذشته وی کاملا بعصر ودوره خودتعلق دارد نه ازلحاظ لفاظی وعبارت پردازی بلکه ازاینرو که درعصر ودوره خود زندگی میکند و در پی آن نیست که کاخی از عاج در عالم خیال بسازد ودر آن بسر بردوی درمصائب وسختی‌های مردم معاصرسهیم است و به مسائل خاص عصر می‌اندیشید و بجای آنکه فکرخود را تاسطح این مسائل پائین آورد می‌تواند موضوع‌های روز را ازحیث عظمت بپایه بلندترین اشعار برساند.

شعرای مستعار ـ شعرای مستعار را نخست « اذراپااوند» Ezra درانجمنی گرد می‌آورد ودرسال ۱۹۱٤ در کتابی مقداری از پر مغزترین اشعار آنانرا درج میکند سپس خود ازجمع این شاعران کناره میگیرد و «آمی‌لاول» که در آنوقت درانگلستانست مدیر این انجمن میشود که‌در آن سه شاعر انگلیسی وسه شاعر امریکائی نیر وجود دارد از اینقرار : « اچ . دی » (هیلدا دولی‌تل) Hilda Doolittle « جان گود فلچر » John Goold و خود او، انجمن این شاعران آثاری منتخب تحت عنوان، «چند شاعر مستعار» در ۱۹۱۵ و ۱۹۱۷ منتشرمیکند بیانیه آنان شامل شش نکته است

۱ـ بکاربردن زبان مکالمه جاری ولی همیشه بجای لغاتی که جنبه تزئین دارند باید لغت صحیح‌را بکاربرد

۲ ـ اختراع بحور و اوزان تازه‌ولـی نه شعر آزاد (شعر بـدون

وزن وقافیه)

۳ـ اختیار کامل درانتخاب موضوع

٤ـ تجسم یك استعاره، شعر نباید بصورت کلیاتی مبهم باشد حتی اگر این کلیات زیبا ودلاویز باشند

٥ـ سرودن شعری که سلیس وواضح باشد نه شعرمبهم و مطظن

٦ـ «تمر کزفکر» جوهروذات شعراست

این اصول که باندازه کافی معقول وپسندیده‌اند بسختی مورد حمله مخالفان قرارمیگیرند ودر نتیجه موفقیت نصیب شاعران مستعارمیشود

درواقع « اج . دی» بدین اصول کاملا معتقد است واز آنها پیروی میکند اشعارش مانندعباراتی که برمجسمه‌های شهر« تاناگرا»(Tanagra) (یکی از شهریونان که‌در آن مجسمه‌هائی فراوان بدست آورده‌اند)نوشته شده ، کوتاه وپرمعنی وصریح وباصطلاح پرنقش ونگاراست . خواندن چند خط خاطرات گذشته‌را دردل خواننده بیدارمیکند وهیجان وتاثری دراو پدید می‌آورد که شاعر تا حدی از اظهار کامل آنها خود داری کرده است «آمی‌لاول» طبع خودرا درکلیه‌انواع شعرمی ازماید ازقطعات‌شعری قدیم گرفته‌تانثری که‌الفاظ کثیرالصوت را بکارمی‌برد . براثر تجربیات‌خود که همیشه با موفقیت همراه بوده است وی‌بیشتر باستاد موسیقی‌شبیه‌است تا بشاعری خلاق وصاحب نظر ، « جی . ج فلچر» نبز به تألیـف آثاری موفق میشود که بااصول مکتب شعرای مستعار کاملا مخالفت دارند واورا بیشتر بپیروان مکتب «ویت‌من» نزدیك میکنند یعنی به « ساندبورگ» و « لیندسی»

فصل ششم

ادبیات سیاه

چون ادبیات سیاه چندین سالست که رایج گردیـده بسیاری از کسان همت خودرا مقصور یافتن علل پیدایش آن کرده‌اند این علل پیچیده وتاریك برای محقق ادبیات امریکا باندازه کافی روشن و صریح‌اند بطور کلی نومیدی نصیب کسانی میشود که تخیلات و اوهامی بزرگ در سر داشته‌اند وچنانکه میدانیم امریکا سرزمین امیدهـای بزرگ بوده است از زمان پورتنین‌ها که میخواستند در این زمین بکر سلطنت فضائل را برقرار دارند تا دوره علمائی که خیره ترقی و سعادتی باور نکردنی شده بودند همه این امید را داشتند که ترقی مادی، خوشبختی وکامروائی را بهمراه خودمی‌آورد ملت بزرگ امریکا که ترقیاتی شگرف نصیبش شده بود این ترقیات را نتیجه مهارت و خردمندی خویش میدانست و چنیـن می‌پنداشت که می‌تواندجهانی نو بسازد که در آن همه امیدها وفکرها جامه هستی پوشند . این ملت چون درحال آسایش وترقی بود خودرا ازدستبرد مصائب درپناه می‌دانست وچون توانگر بود گمان میکرد که داناوخردمند نیز هست

ولی ملت آمریکا چون به آخرین حد افزایش رسید و تمام قاره امریکا بتصرفش درآمد ومنابع آنرا استخراج کرد پی برد که بجای تحمل وشفقت کینه نژادهای مختلف را دردل گرفته است (مسئله سیاه پوستان فقط در امریکا مطرح شده است) احزاب به یکدیگر کینه می‌ورزنـد جنـوب با شمال ومشرق با مغرب سرجنك دارد بجای حکومت عامه استبداد پول

و بجای تعاون استثمار فقیران بوسیله توانگران بمیان آمده است وهنوز ملت آمریکائی پی برد که مانند گذشته مردم از زندگی خسته میشوند و رنج میبرند.

چنانکه می بینیم ادبیات سیاه نمودی ناگهانی نیست بلکه مرحله نهائی ادبیات انتقادی است که در پایان قرن ۱۹ ناظر پیدایش آن بوده ایم ادبیات انتقادی پایان قرن ۱۹ عکس العملی در برابر حس خوش بینی با آثار ملی وسنن قدیم بوده است واقع بینی ترسناك ادبیات سیاه را در آثار «درایزر» می یابیم وعلاقه وذوق آنرا به زور وقدرت در آثار «لندن» و تمایل آنرا به موضوع های وحشت انگیز در آثار «بیرس» و اینکه این ادبیات به تلخی وغم انگیزی وقایع جهان وقضایای طبیعت را تعبیر می کند بخاطر آنست که «استفان کرین» در گذشته این درس را بدو داده است این صفاتی را که شرح دادیم نویسندگان جدید بصورت اصول و و قواعدی تدوین میکنند ودر پیرامون هریك از آنها ببحث میپردازند تا واضح تر و برجسته تر گردند.

در این هنگام آتش جنگ ۱۸ ـ ۱٤ برافروخت واحساس اغتشاش وفساد اجتماع امریکا را در دلها پدید آورد برای فرانسویان جنگ حادثه ای طبیعی بود چرا که فرانسه تهدید شده، ازخود دفاع میکرد واینکار مشکلی پیش نمی آورد ولی درامریکا چون توده مردم مستقیماً خطر را احساس نکرده بودند بزودی این مسئله بمیان آمد که جنگ برای چیست؟ وهمینکه جوش و خروش دلاوری آغاز کار در گلهای سنگرها سرد شد همه چنین احساس کردند که برای دیگران جنگ میکنند وجنگ کرده اند و این جنگ هم بیهوده بود چرا که میتوانستند از آن دوری جویند.

« درهر جنگی که باشد دولتی بینوا چون بلژیك یافته میشود ومعمولا

نیز هریك ازدو طرف متخاصم در جلو خود دولتی چون بلژیك دارند که بایدآ نرا تصرف کنند

این سخن یکی ازقهرمانان کتاب «الن گلاسگو» است و «توماس ولف» می نویسد «.....ملت امریکا که ازبندهذیان ها وافکار واهی نخستین خود رهائی یافته بود شروع کرد که دستگاههای جنگ رابکار اندازددستگاههائی که برای ساختن وپرداختن کینه ودروغ هستند ، دستگاههائی که برای افزودن حجم افتخار ساخته شده‌اند دستگاههائی که برای زنجیر کردن و اعدام مخالفان بکارمیروند ودستگاههائی که افرادرا بصورت فوج و سپاه بیرون‌می آورند وآ نانرا بجان یکدیگر میاندازند»

مردم‌روشن‌روان‌ودل آ گاه امریکا باردیگر پی‌بردند که ریاکاری و دروغزنی در کشورفرماندهی می کند آیا «ویلسن ۱» رئیس جمهور بیش از همه طرفدار جدی صلح نبود ؟

جریان وقایع و قضایا پرده پندار واشتباه را پاره میکند پنجاه سال‌است که برای حذف‌شرکتهای بزرك قانون‌پشت‌سرقانون میگذرانند ولی این شرکتها هیچگاه بدین درجه از قدرت نرسیده‌اند و بعلت دین داری‌وتقوی زمامداران امریکاآشامیدن مشروبات الکلی‌را منع‌میکنند ولی اینکار گرمی بازار دزدی را سبب میشود و الکل چنان قدر و اعتمادی‌مییابد که‌تاریخ هیچگاه نظیر آ نرا نشان نداده است مست بودن هرروزه معمول و متداول‌میگردد یعنی نشانه وقار وتشخص میشود که‌هر کس باید خود را بدان بیاراید حقارت کینه آمیزی که مردم نسبت به

---

۱ - Thomas woodrow wilson استاد دانشگاه‌و مورخ‌امریکائی متولددر «استانتن» ازولایات «ویرژینی» وی‌در ۱۹۱۲ بریاست جمهوری کشورهای متحد امریکا انتخاب گردید وامریکارا درنخستین جنك جهانی وارد کرد (۱۸۵۶-۱۹۲٤)

سیاهان دارند و بافزایش مینهد چنانکه داستانهای «تی . اس استریبلینك» T .S . Stribling شاهد این مدعیاست مردم امریکا برسیاهان کینه میورزند از آنرو که می‌بینند آنان درراه تعلیم وتربیت خود میکوشند وجائزه‌های دانشگاه ها را میبرند و کتاب مینویسند و مردم را بنیکو-کاری اندرز میدهند سفید پوستان امریکا به آرزو میخواهند کـه همه سیاهان را بکشند ولی موسیقی آنانرا تقلید میکنند .

پول یگانه قانونگذار وپادشاه فرمانده است مذهب از میان این اجتماع رخت بر بسته واصلاحات ظاهری دین مسیح که بهسنت‌وعادت‌واصل وقاعده ومرجعی اتکاء ندارد حالت رکود بخودمیگیرد ودربرابر تحقیقات علمی بنیایش فرومیریزددر این اجتماع دیگر اخلاقی وجود نداردو آن صورت ظاهری دین «پورتین» که پرده‌هائی بر سر آزها وسود پرستی‌ها وزور گوئی‌ها میپوشد براثرپیشرفت‌فلسفه «فروید» ازمیان‌میرودداجتماعی که زبان حالش ادبیات سیاه است دیگر بقدرت و اعتبار خویش ایمان ندارد ازاین‌جنك چه‌سودی‌برده‌است ؟فایده داشتن بزرگترین‌ساختمان‌ها چیست ؟ واز داشتن بزرگترین توانگران جهان چه حاصل ؟

این اجتماع دیگر بـه عشق ومحبت معتقد نیست چـون سخنان پیروان مکتب رمانتیك بپایان رسیده واز آن گذشته صحت این سخنانرا هیچ آزمایشگاهی تایید نکرده است ازدواج نر وماده بصورت یك‌احتیاج ساده و طبیعی بیرون میآید راست است که این احتیاج فرح بخش‌ونشاط انگیز است (قهرمانان کتاب « پاسس » پس از آنکه شبی را دو نفری (زن و مرد) باهم بسر برده‌اند میگویند خوب خوش گذرانديم) ولی لذت آن هیچگاه بپای جام باده نرسد همه‌کس باور دارد که زن شیئی

جالب ودلرباست ولی مشکل‌پسند و پرحرف و خانه بر انداز نیز هست چند دقیقه عشرت و کامرانـی برای شخص آن خطر را دارد که سالها به نزاع خانگی وایفاء تعهداتی گرفتار آید وحال آنکه جام باده بنحوی لذت بخش خاموش وبی غوغا است .

در این اجتماع کلیه ارزش‌های معنوی مقام خود را از دست‌داده‌اند واین احساس در دلها پدید آمده که زندگی بیهوده وناچیز است نومیدی بر روانها چیره گشته ومادیت صرف از نظر علمی نیز راهنمای کسانی شده است که چشمانی بازودلهائی حساس دارند ولی اشخاصی مانند« برگسن۱» و « پگی۲» وحتی« گارل۳ »درمیان آنان وجود ندارند تابنحوی حقیقی و

۱ـ (Henri Bergson) فیلسوف فرانسوی متولد در پاریس (۱۹٤۱ـ۱۸۵۹) منظومه فلسفی او متکی است به لدنی بودن معلومات وجدان . این معلومات بنظر برگسن ازمفهوم فضاعاری‌هستند آثار مهم او اوعبارتند از (تتبعی‌در باره معلومات لدنی وجدان ماده وحافظه . تحول خلاق) وی عضوفرهنگستان فرانسه بود « پلن وال » در تاریخ ادبیات فرانسه درباره «برگسن» مینویسد (برگسن که ازقید فلسفه تحققی خود راآزاد کرده است میکوشد درمنظومه‌ای از فلسفه ماوراالطبیعه که برپایه الهام واشراق استواراست پیچیده ترین مفاهیم‌را که به‌زمان ومکان‌وزندگی تعلق دارند باهم تلفیق کند)

۲ـ (Charles Péguy) نویسنده فرانسوی متولد در اورلئان (۱۹۱٤-۱۸۷۳)وی پیروفلسفه‌اشراق ومردی وطن‌پرست بود .

۳ـ درتاریخ علم وادب فرانسه دوتن بنام «کارل» نامبرده‌شده‌اند که یکی(Alexis Carrel)کالبدشناس‌فرانسوی وصاحب کشفیاتی‌است در باره پیوند بافتهٔ وبقاءآنها درخارج ازبدن وی در ۱۹۱۳ جائزه نوبل رامیبرد (۱۹٤۵ـ۱۹۸۷۳) ودیگری Armand carrel روزنامه نگار فرانسوی متولد در«روئن» است که روزنامه (ملت) رادر ۱۸۳۰ تاسیس کرد وباحکومت مشروطه ژوئیه ازدرمخالفت در آمد ودرجنگ تن به تن بدست «امیل دوژیراردن» Emilede girardin کشته‌شده گویا منظور نویسنده ازکارل همین شخص اخیر باشد .

مردانه ارزش‌های معنوی وغیر مادی را از نو رونق و اعتبار بخشند

۱ - رمان

«لوئی برمفیلد» Louis Bromfield نویسنده کتاب «بادهای موسمی اقیانوس هند» باندازه «فلکنر» یا «همینگوی» مشهور است موفقیتهائی شگفت انگیز که رمانهای تاریخی مانند «آنتی آدورس» Anthony Adverse نوشته «هروی الن» Hervey Allen (۱۹۳۳) و «بربادرفته نوشته «مارگات میچل» Margaret Mitchell (۱۹۳۷) واخبار افسانه آسای خانم «پرل باك» Pearl Buck درباره کشور چین از نظر فروش بدست آورده اندنشان میدهند که داستانهای عاشقانه وتخیلی تا چه اندازه در عامه مردم تاثیر دارد ولی این امر کاملا عادی است این نویسندگان «کرنن» Cronin و «پیربنوا ۱» کشورهای متحده امریکا هستند که خوانندگان خود را با وسائلی هرچه معمولی‌تر مجذوب آثار خویش می کنند از همه عجیبتر آنست که کتابهای «فارل» و «پاسس» و «فلکنر» نیز بفروش میرسندچرا که خواندن این کتابهامشکل است نگهداشتن خواننده درحال انتظار بوسیله پیچیده ومرموز کردن مطالب و ترتیب وقایع ناگهانی کاری است که این نویسندگان همه از آن بیزارند مخصوصا در کتابهای آنان هیچگاه تغییراتی غیر مترقب روی نمیدهد واز آنجا که دقیقا واقع بینندچون شاهدی قضایا را نقل میکنند واجتناب دارند که از خودشرح وتفسیری بر آنها بیافزایند زشتی‌ها وپستی‌های جامعه را چنان بروشنی ودرستی نقاشی میکنند که خواننده بتنهائی میتواند آنها را تفسیر کند بی

---

۱ - Pierrebenoit داستان نویسنده فرانسوی متولددر «آلی» بسال ۱۸۸٦ نویسنده «کونیگسمارك» «اتلانتید» وغیره ، عضو فرهنگستان فرانسه .

آنکه نیازی براهنمائی نویسنده باشد از همین روی وجه مشترك کتب این نویسندگان یکنواختی آرام و نمایش آخرین حد سبعیت اخلاق و اشخاصی است که آنانرا توصیف میکنند مطابق این توصیف امریکا سر زمینی است که مشتی اوباش وفاحشه ورند باده خوار وپول پرست نابکار وآدم کش گمراه وامثال «تارتوف۱» وجمال پرستانی ازنوع «منت پارنو» Mantparno درآن بسر میبرند علت این موضوع را «هانری کلوآر» Henry clouard بنحوی ماهرانه در مورد «ژید۲» بیان میکند (که تعلیم وتربیت پورتین‌ها در نهاد کلیه کسانیکه از بند این تعلیم وتربیت آزاد میشوند کینه ای نسبت به آنچه فضیلت مینامند پدید می آورد ولی مشروط به آنکه کاملا به (آنچه که فضیلت مینامند) دقت شود چراکه فضیلت نیست که این نویسندگان بدان کینه دارند بلکه ریاکاری

۱ــ Tartuffe نام نمایشنامه ای بشعر در پنج پرده که «مولیر» شاعر قرن۱۷ فرانسوی درسال ۱٦٦۷ آنرانوشته است این نمایشنامه یکی ازشاهکارهای مضحك صحنه نمایش فرانسه بشمار می آید «تارتوف» آدمی ریاکاراست که درخانه «ارگن» نجیب وتوانگرراه می یابد ومیکوشد که با دخترش ازدواج کندوزنش را بفریبد ودارائی صاحب خانه را ازچنگش بدر آورد. بسیاری از عبارات این نمایشنامه مشهور بصورت ضرب‌المثل در آمده‌اند ـ ازاین قبیل .

هیچکس در اینجا بکسی احترام نمیگذارد همه بلند حرف میزنند گوئی در بار بلخ است پسرم شما احمقید واحمق هم بیش ازچهارحرف ندارد ومن مادر بزرك شماهستم این حرف رابشما می‌زنم.

آه شما عابدید وخشمگین میشوید!

باخدا میشود کنار آمد .

۲ــ André gide نویسنده فرانسه متولد در پاریس بسال ۷٦۹، مصنف «مائده های زمینی» «رذل» «در تنك» «جاعلان سکه» یکی از مفاخراین نویسنده بردن جائزه نوبل است .

است و چون بر اثر قانون جاودانی عمل وعکس‌العمل شعر همیشه در حال افراط و تفریط است قرنی که درطی آن مردم آداب ورسوم‌دین‌پورتین راآموخته‌اند قرنی را بوجود آورده که گستاخی و بیشرمی پیشه‌همه کس گردیده و ادبیات مستهجن رواجی یافته است مسلك پورتین ها چون برخی موضوعات را از صحنه ادبیات بدور افکنده و قهرمانان خـود را بصورت دیوی‌در آورده است که از نظر اندام و پیکر جز سرودلی ندارند در عوض ادبیات جدید غولانی را مجسم میکند که جـز حلق و شهوت نمیشناسند زبان آنانرا نیز از یاد نمی‌برد چرا که بهمان اندازه باده‌می‌ـ نوشند که پرحرفی میکنندیعنی بدون توقف‌حرف میزنند هنوزباید گفت که عمدا من لغت ادبیات مستهجن را بجای شهوت پرستی بکار میبرم در واقع این نویسندگان درحالیکه آن گستاخی وهتاکی را بمنتهادرجه میرسانند که از (درایزر) بارث برده‌اندنه کتاب (خدای پیکرها) و نه کتاب (عاشق خانم چاترلی) را بیاد نمی‌آورند که در آنها (رمنز) Romains و (لرنس) Lawrence که میخواهند پاکی و نشاط عشق شهوی‌رانشان دهندمیکوشند ازنوپیکر واندام آدمی‌رازیبا وشریف‌جلوه دهند چرا که‌این‌اندام‌بنحوی‌نفرت‌انگیز مورد افترا وتهمت‌قرار گرفته‌است ولی‌از آنجاکه این دوقهرمان خوی ومنش‌امریکائی را ازدست نداده‌اند نمیتوانند خود را از تعلیمات غم انگیز پورتین‌ها آزاد کنند از اینروست که همیشه در دل از جهان بیزارند ویا خنده‌ای مکارانه بـر لب دارند کتاب (جوانی استدس لونی گان) Studs Lonigan (۱۹۳٤)نمونه‌بارز این نوع‌ادبیات است که درآن(جیمز تی . فارل)T . James درچهارصد صفحه یکنواخت ولی منظم سقوط جوانی را نقاشی میکند بعلاوه صحنهٔ

از عیش و بدمستی که بالاجبار به هتك عفتی منفور و خونین خاتمه میبابد و با اینهمه (استدس) هوس دارد که مردی توانا و ستوده گردد آری وی از نظر پیکر واندام توانا وقهرمان (بیس بال) استولی از نظر اخلاق براثر فقدانشخصیت پستوونادان وسست عنصروخونخوار است از تعلیم وتربیت وظرافت بهرهای ندارد مسلما جهان از اشخاصی چون او مملو است ولی باید درکتاب نیز با آنان روبرو شویم با ظهور (فارل) در عرصه داستان نویسی کتاب خواندن دیگر پناهگاهی نیست که درآن خوانند لحظهای از غم ایام فارغ گردد ودرعالم خیال بپروازآید بلکه خواننده براثرخواندن کتاب بیشتر باحوال اجتماع و مردم آشنائی میبابد واز آنچه میگریزد گرفتارش میشود(استدس)جز مزخرفولاطل نمیگوید وفکر نمیکند ونصف بیشتر کتاب نقلمکالماتی است که وی با امثال خود درکافه بمیان مینهد که چگونه سخنانی شرمآور ودلفریب با فلان دختر گفته و با ترس بدن خود را بجامه او سائیده و لاس زده است وچگونه در کوچهها وخیابانها ولگردی کرده ودراین مدت همه را تنها بوده واشتیاقی سوزان داشته است چیزی جز خود بیابد پس از اتمامسر گذشت طولانی(استدس) (فارل) بنگارش ترجمه احوالی از خودبصورت داستان میپردازد که نام جلد اول محتوی آنرا بیان میکند (جهانی که من نساختهام) A world I never made (۱۹۳٦) این جهانی است که وی در آن بسربرده جهانی است که صحنهها ومناظری مشترك دارد و یکنواختی و ناچیزی آننومید کننده است وهنوزچون واقعیت داردهمان مکالمات مکرر و همان نزاعها وهمان نالهها وفریادهاست که پی در پی درآن تجدید میشود (فارل) که دیگرپادشاه سبك واقع بینی است کتاب

هائی را بدین سبك مینویسد که هر کدام پانصد صفحه دارند همه این کتابها از واقعیت تقلید کرده‌اند وبهمین علت هم از لطف وزیبائی بهره‌ای ندارند وسراسر آنها چون واقعیت یکنواخت وخسته کننده است ازخود میتوان پرسید که چگونه خواننده‌ای همه این کتابها را میخواند که بر اثر وجدان هنری مجبور به مطالعه کلیه آثار نویسندگان نیست .

« توماس ولف » Thomas wolfe معاصر وی. جالب‌تر می‌نویسد چرا که اگر روش «فارل» را میتوان به شطی تشبیه کرد آرام و یکنواخت که گل آلود یا کف کنان و نعره زنان برشن‌ها فروزیزدسبك «توماس‌ولف» برودی ماند غالباً سرکش که درنشیب‌هائی بسیار تند پرتاب شود وازنوبه آهستگی وظرافت بالاجهد ویا برنگ پرتو ستارگان درآید که در دل شب درآسمان آبی فلك جا گرفته‌اند برخلاف « فارل » داستانهای وی طولانی نیست نه بخاطر آنکه بخواهد هیچیك ازپستی‌ها وزشتی‌های فراوان وبیشمار بشری را ننوشته نگذارد بلکه برعکس هریك از قهرمانانش را موجودی استثنائی میداند همه چیز بنظراو جالب وهیجان انگیزمی‌نماید و چون طبعی آتشین دارد میتواند پدری مست و یا مادری خسیس و یا خواهری بد خوی وبرادری الکن را بصورت دلاوری جانباز نمایش‌دهد ازهمین روی حس همدردی ومهربانی او که بتمسخر یا تلخی آمیخته‌است گاهی‌داستانهائی‌غنائی‌وشیواپدیدمی آورد که‌میتوانندحدزیبائی‌وسخندانی باشند ولی ازآنجا که مانند « درایزر »آن وسوسه را دارد که همه‌چیز را بگوید برای گفتار خودهیچ حدی قائل نیست کتابهای او پس ازآنکه ناشر مقداری از مطالب آنها راحذف کرده‌است هرکدام ششصد یا نهصد ورق بزرگ دارند که باحروف ریزچاپ شده است مرگی‌نابهنگام در۳۸

سالگی یعنی در سنه ۱۹۳۹ لازم است که این سیل کتاب را از سرچشمه خشك کند

موضوع این کتاب‌ها ؛ خود او یا کشور امریکا هستند در کتاب « به خانه بنگر » Laok Homeward Angel (۱۹۲۹) و در کتاب « زمان و رودخانه » Of Timeandthe river (۱۹۳۵) و همچنین در آثاری که پس از مرگ ازوی بچاپ رسید . آنچه می‌نگارد زندگی خود اوست که همیشه در این باره نکته‌ای گفتنی دارد ولی اگر بخاطر واقع بینی و انتقاد ازاجتماعی که آنرا تجربه و تحلیل میکند بتوان اورا بعصر و دوره خود متعلق‌دانست شخصیت استثنائی و بنوع نویسندگی اورا از دیگران ممتاز میکند سبك او غنائی‌ترین و عالیترین‌سبکی است که ادبیات امریکا تاکنون بوجود آورده این سبك ساده وروان و پرهیجان و شاعرانه است و نامرحله عالی پیش‌میرود

« شعبده باورنکردنی درختان گل‌دار هلو در ماه آوریل ، بوی رودخانه‌ها پس‌از آمدن‌باران، عظمت آسمان‌و نخستین سبزی نهالی نورسته که در بامداد ماه مه دریکی‌ازخیابانهای شهر دیده شود . آوازپرندگان که درروشنائی‌صبح یکبار دیگر درهوا طنین افکند ، یك فریاد، یك‌برگ عبورابر در آسمان این قضایا که روشن‌اند باندازه ماهی‌هائی که در آب رخشان‌شنا کنند وحقیقی‌اند باندازه پیچ‌هائی که برای کوبیدن بازمانده دروغی در دیوار بکار روند و مانند آوریل و هر شعبده دیگر حقیقت دارند دوباره در روشنائی شدید حافظه برانگیخته و آرام نشدنی اومی آمد اومی دانست که برای پایش زمینی بود و برای گرسنگی‌اش غذائی و برای تشنگی‌اش مشروبی و برای هیجان وحشیانه این اعتقاد

و این میل، سرعت دوار انگیز و جد و نشاط را بهمراه داشت و قسم میخورد که از پای ننشیند تا سرانجام شاهد مقصود را در آغـوش گیرد» (ار کتاب زمان ورودخانه) وی احساسی از زیبائی دارد که معاصرانش از آن غافلند چرا که معاصران او زندانی قیود و فشار اجتماع گردیده‌اند از نظر آنان طبیعت یا کاملا غایب است و یا به پرده‌ای سخت وغم انگیز ماند که درپیرامون مصائب بشری پیچیده شده‌است ولی برای او طبیعت واقعیتی زنده و پرهیجان است و هنوز وجه امتیاز وی ازمعاصران آن است که بنقل حکایت اکتفا نمیکند ودائماً درجریان آن برای قضاوت واظهار نظر وارد میشود وافکاری اززبان قلم جاری میکند که افقی دلربا وزیبا دارند واین بدان علت است که وی تنها اموراجتماعی را ناچیز وبیهوده نمیداند بلکه اندیشه‌هایش درباره ناچیزی فلسفه ماوراء الطبیعه چنانست که پیروان فلسفه اصالت وجود ما (Enistentialiste) مسلماً آنهارا انکار نمیکنند



از آن رو «فارل» و«ولف» را درنخستین مرحله ذکر کردیـم که روش یا (فقدان روش؟) آنان مستقیماً آنانرا به «درایزر» مربوط میکند ولی ازنظر تقدم زمانی وهم چنین ازلحاظ اهمیت پیشوایان حقیقی این نسل نویسندگان جدید (که «گرترود اشتین» Gertrud stein عنـوان آنانرا معین میکند هنگامیکه «همینگوی» مینویسد «شما همگی نسلی ساقط هستید») «فیتز جرالد» Fitzgerald و «دس پاسس» و«همینگوی» هستند براین جمـع «ئی.ئی. کمینگـز» (E.E. Cummings) را نیز میتوان افزود که کتاب هجو آمیز وهتاك او یعنی کتاب «اطاق بزرگ» (۱۹۲۲) که با انشائی عمداً خشن وزننده ونامناسب علیه جنگ نوشته

شده است معاصر است با کتاب « این طرف بهشت» (۱۹۲۰) فیزرالد و کتاب «سه سرباز»دس پاسس (۱۹۲۱) وهمان اثررا بوجود می آوردولی این یگانه داستان «کمینگز» است که در آن بیزاری خودرا ازجهان اظهار میدارد. وپس از آن ازنثرچشم میپوشد و نومیدی ودلشکستگی غرور آمیزخویش را بزبان شعر بیان میکند

آنچه مایه‌امتیاز این نویسندگان میشود بیش ازوقوف آنان بدین نکته که بنسلی ساقط تعلق دارند (واین امرهم مولود جنگ است) و برای آن‌عقل وادراك یافته‌اند که « اثری ازخدایان زنده درجهان به‌بینند وهمه جنگ‌ها را تمام شده وایمانهارا برباد رفته یابند » ـ مایه امتیاز آنان همان وجدان هنری است اگرهیچ‌ایمان ندارند لااقل ادبیات وهنر وتجلی مفهوم وسبك را پرستنده‌اند فن نگارش که اززمان «نوریس» تا «درایزر» ازیادها رفته‌است باظهور آنان زنده میشود وجلاو تازگی‌بخود میگیرد افتخار آنان اینست که هنر نویسندگی امریکائی‌را آفریده‌اند واز همین‌نظراست که با «ویلا کاتر » و«الن گلاسگو » یابا « کی بل» باندازه‌ای اختلاف دارندکه با « درایزر» یا « لوئیس» چه نویسندگان اخیر سبکی نداشته‌اند وسبك آن نویسندگان نیزمانند سبك استادان قدیم عالی‌بوده است سبك اینان عالی‌است ولی مسبوق بسابقه نیست مخصوصاً این نویسندگان موفق شده‌اند زبانی‌را بکاربرندکه هرروز روستائیان وکار- گران وبازرگانان یا ارازل واوباش باآن‌حرف میزنند ودرست است که این زبان عباراتی عامیانه دارد ولی زیبائی‌های حقیقی ادبی را نیز درآن میتوان یافت

« اف ، اسکات ، فنیزرالد » E. Scott (۱۸۹٦-۱۹٤۰) جنگ

نکرده است ولی مانند « پروست ۱ » از عواقب وخیم آن درجهان بعد آگاه است از همین روی آثـار اوحتی آنهائیکه ارزش ادبـی‌را فاقدند. مدارکی گرانبها درباره موضوعی را تشکیـل میدهند کـه آنرا (دوره نوازندگی» Jazzgy مینامدیعنی درباره نسل‌جوان دوره ده ساله ۱۹۳۰ ۱۹۲۰ که میخواهد باغوغای مشغله ورقص‌شهوت‌انگیز سیاهان ومخصوصاً باآشامیدن مشروبات الکلی امیدها و آرزوهائی‌را ازیاد برد که باناکامی وتلخی‌همراه گردیده است نام‌های نخستین داستانهای اوچنین‌است « این طرف بهشت » رحمت شدگان وملعونان» (۱۹۲۱)« کلیه جوانان‌غمگین» (۱۹۲۶)چنانکه این نامها گواهی میدهند وی ازهمان آغاز براز غم‌انگیز اجتماع جدید پی‌برده است چرا که اجتماع جدید رشتـه وابستگی به عادات و سنن اجتماع قدیم را از هم گسیخته و اکنون بلا تکلیف و معلق مانده است « آمری» Amory قهرمان کتاب « این طرف بهشت » « رلا» Rolla» ئی جدید وفاجر ونومید است که‌برای‌او هرتجربه‌تازه ازعشق یا جوانی. فریب واغوائی‌تازه‌را بردارد درپایان

« آموری تنهاست ـ از زندانی کوچك گریخته وبسیاه چالی بزرك فروافتاده است؟

احساسی که این دوره درما به‌وجود می آورد این است که جهان بسیاه چالی‌بزرگ مانند است وادبیاتی که انعکاس‌این دوره است‌این‌نکته را بیشتر تأیید میکند.

ولی بااینهمه« فنیزرالد » حرارت انتقام جویانه‌نوکیسگانرا ندارد

۱ـ Marcel proust داستان نویس فرانسوی متولد درپاریس (۱۹۲۲ ۱۸۷۱) وی روانشناسی صاحب نظراست و ازآثارمهم او « درجستجوی زمان های گم‌شده» را میتوان نام‌برد.

وی که هیچگاه بشرح وتوضیح قضایا نمی‌پردازد شخصاً خلاصه وعصاره‌ای از این اجتماع فاسداست از کسی عیب نمیگیرد درچگونگی قضایا ووقایع به تحقیق می پردازد و درآنها شرکت میکند با لبخندی غم انگیز ویا تمسخری ظریف وغالباً نامرئی به تحقیق می‌پردازد بی آنکه کینه‌ای در دل داشته باشد .

«هیچیك ازمادران ویکتوری نمیتوانست تصور کند که باچه زرنگی وچالاکی دختران آنان پی‌درپی بوسه میدادند»

هنگامی که وی درسن چهل وچهارسالگی میمیرد الکل بدنش را فرسوده کرده استواحساس بدبخت بودن دراو پدید آمده . این «کودك بدبخت قرن » اثری ناتمام ازخود بیادگارمیگذارد بنام «آخرین غول» The last Tycon که‌داستانی‌است‌درباره‌زندگی«هالیود»Hollywood این داستان‌زندگی‌معمولی‌ساکنان«هالیود» راشرح‌میدهد ونویسنده آن‌نیز بدین‌زندگی‌بخوبی آشناست‌ودیگرازآثار«فیتزرالد»شاهکاریست‌بنام« گات سبی‌بزرگ» The great Gatsgy (۱۹۲۵) که‌تجزیه وتحلیلی دقیق‌و صحیح ازعالم«ملیونر»هاست «فیتزرالد» همیشه‌مسئله قدرت جهانسوز و جهانسازپول‌وثروت‌رادرنظرداشته‌است«اموری» باتلخی‌واندوه میگوید

« ازفقیران گریزانم .... شاید فقر درگذشته خوب بوده است ولی اکنون زننده ونفرت‌انگیزاست وازآن بدتر درجهان نیست اساساً فساد وتوانگری ازبیگناهی‌وفقربهتراست»

درکتاب «کات سبی» وی خشکی‌وفقدان عاطفه جهان توانگرانرا توصیف میکند وفقط دراین جهان یك تن را نشان میدهد که عشقی‌پاك و بی‌آلایش دارد و او ماجراجوئی نوکیسه است ؛ وبا اینهمه « فیتزرالد »

این جهانرا توصیف میکند بی آنکه ظاهراً غمگین شود و علت آنست که این جهان برای او جهانیست که در آن بسر برده ، همچنانکه برای « ادیت‌وارتن » از همین روی برای روشن کردن قضایاوفهاندن مطالب روش ومقیاسی‌را بکارمیبرد که این کتاب را بصورت شاهدصادق ومنحصر بفرد بیرون میاورد درعین آنکه نوعی‌داستان غم‌انگیز نیزهست سبك آن چنان ظریف است و جمله بندی‌اش باندازه‌ای ماهرانه که شخص گمان میکند یك داستان ساده ومنحصراً سر گرم کننده‌پلیسی‌را میخواند وسپس پی‌میبرد که درقلب جهانی‌واقعی راه یافته وباریاوفساد وشئامت این قلب قسی آشنا گردیده است

بنظر آقای « ژ پ . سارتر ۱» «جان‌داس پاسس» John (متولد ۱۸۹۶) «مهمترین نویسنده زمان است» ومیدانیم که درواقع « سارتر » درکتاب « راههای آزادی » خود ازروش وفنی‌الهام یافته که « پاسس» در کتات «یو. اس. ا » .U.S.A (کشورهای متحد امریکا) بکاربرده وآن عبارت‌است ازنقل‌توأم چندین حادثه

کتاب « یو. اس. ا » شامل سه جلد است که ازسال ۱۹۳۰ تا۱۹۳۶

۱- Jean Paul sartre - نویسنده و فیلسوف فرانسوی متولد در پاریس بسال ۱۹۰۵ وی از نظر فلسفی موسس فلسفه اصالت وجود است «خدا وجود ندارد و بشر وجود دارد ودراعمال خودآزاد است» از نظر اجتماعی معتقد است که هرکس مسئول اعمال خویش است و با عمل خود اجتماع را نیز بدنبال میکشاند . از نظر روانشناسی میگوید بشر بیشتر میکوشد که ازتنهائی‌رهائی یابدو برای اینکار به‌تظاهر وریاکاری‌متوسل میشود. وی این افکاررا در ادبیات بصورت کتابهائی داستان مانندمنتشر کرده است آثار مهم او عبارتند از «تهوع» «راه‌های آزادی» «کاراز کارگذشت»

بچاپ رسیده‌ازاینقرار کتاب «مقایسه چهل ودوم» و کتاب «۱۹۱۹» «نان بزرگ» کتاب اخیر اثر مهم «جان داس پاسس» است

هریك ازاین مجلدات چهارصد تا پانصد صفحه دارند ولی این حجم زیاد ازاطاله شرح وبسط موضوع ناشی نشده چنانکه در آثار (فارل) یا (ولف) مشهود است بلکه هر کتاب او در حدود ده داستان است که هر کدام بیکدیکر بستگی دارند نویسنده چون میخواهد که پرده‌ای از زندگی‌را در امریکا نقاشی کند قهرمانان خودرا ازطبقات مختلف اجتماع و مناطق گوناگون برمیگزند ودراحوال روحی آنان متناوباً به‌تحقیق و مطالعه می‌پردازد و گاهی از یکی منصرف میشود تا بهتربتواند دیگری را معرفی کند پیش از آنکه قهرمان ثالثی‌را درعرصه داستان آورد دوباره به اولی می‌پردازد وقس علیهذا، پاره‌ای از این قهرمانان ممکن است دوباره آشکار شوند وخواننده درطی همان فصول باآنان برخورد در حالیکه برخی دیگر درشام تاریك فراموشی‌فرومیروند وقهرمانی‌تازه ظهورمیکنند نویسنده در آنجا درست بکار گری ماندکه کارگاه بافندگی را سوار هم کند از آن گذشته برای آنکه پیوستگی این زندگی‌ها را با جریان وقایع تاریخی نشان دهد درمیان فصلهای کتاب نکاتی را میافزایدکه خود آنهارا (قرقره‌های زمان حاضر) می‌نامد این قرقره‌ها مباحث یا مقالات یا تصنیف‌هائی عامیانه هستندکه از روزنامه‌های روز اقتباس شده است و یاآنکه وی باسبکی محکم طرحی اززندگی یك شخص مشهورمی کشد این طرح‌ها قطعاتی ماهرانه هستندکه براثر همان ایجاز و اختصار غالباً تأثیری شگفت ابگیز دارند وشاهکار فن نگارش ترجمه رجال دردائرة‌ـ المعارف بشمار میآیند بالاخره جای جای کتاب وی تحت عنوان (زیر

ذره‌بین » قطعاتی ازنثرشعری بدون مراعات نقطه گذاری وحروف بزرگ میافزاید که تفسیر وتوجیه آنها بسیار مشکل است چون سبك « پاسس» روان و جالب است این اشعارمبهم شاید بمنزله فداکاری باشد که نسبت به رسم ادبی زمان خودروا میدارد

با وجود قدرت وزیبائی فکر نویسنده ، این اثرمهم ، نومیدکننده است دوثلث این کتاب درباره جنگ وعواقب آن بحث میکند ومیکوشد که آنرا عاری ازاهمیت وعظمت نشان دهد آتش جنگ برای آن افروخته شده که وامهای « مرگان» Morgan سرمایه‌دارمعروف ازخطر رهائی یابند وبازار سوداگران توپ گرم شود . جنگ بیهوده است چرا که حالا نیز مانند گذشته نزاع بخاطرپول است که ازنو آغاز میشود و بدبختی وبیچارگی ستمدیدگانرا دراین کشورتوانگر بوجود میآورد پلیس بارفتاری وحشیانه ازاقداماتی جلومیگیرد که بمنظور تعرض وشکایت است واعتصابات براثر خودپرستی سرمایه داران بی‌نتیجه می‌ماند خلاصه هنگام جنگ از مشاهده این قضایا احساس بیهودگی این زندگی‌ها درشخص پدیدمیآید حتی آن زندگی‌هائی که درحال ترقی است بی آنکه شخص بفهمد که این زندگی‌ها چه‌مزیتی برهم دارند برروی هم جنگ قماری است که هدف افروزندگان آن دست یابی بمنبع دلاراست نویسنده پستی وپلیدی اجتماع سرمایه داری را فاش میکند ولی نه امید دارد که این اجتماع اصلاح گردد ونه چیزی بهتر درامریکا جانشین آن شود هیچ چیز شرط هیچ چیز نیست چه «ویلسن » یا « هاروینگ۱» در امریکا باشد وچه « تزار۲ » یا

۱ــ Warren Harding ساتس امریکائی (۱۹۲۳ــ۱۸٦٥) وی درسال ۱۹۲۰ رئیس جمهورامریکا گردید .

۲ــ Tsar عنوانی است که در سابق بـه شاهان روسیه میدادند و آخرین آنان براثرانقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کشته شد.

« بلشویسم۱ » در روسیه و چه جمهوری در فرانسه و چه « جرج۲ » در انگلستان بازهمان آش است وهمان کاسه ،

درهر فصل کتاب همان وصف مجالس باده نوشی آمده است که در « شیکاگو » و « دتروا » Detroit یا « نیویورك » و « پاریس » و « رم » یا « ژن » Gêne برپا میشود واین مجالس از بسکه شبیه بیکدیگرند خسته کننده می گردند

« پاسس » حرکات توده وصحبت را باآواز مستان و باده خواران نشان میدهد وچون شاهدی که فقط ظاهر را ببیند ازتفسیر قضایا و تحلیل حالات روحی جمعیت خودداری‌میکند مثلاوی ازمتار که جنگ‌درپاریس منظره ماشینی را بخاطر سپرده که درمیان ازدحام جمعیت واژگون‌شده مانند صخره‌ای که دروسط مرداب افتد وقهوه‌خانه‌ای را که پر ازاشخاص مست بوده است هم چنین ازشهر « نیویورك » که کتاب « حمل و نقل‌مانتان » Maanhttan (۱۹۲۵) (که‌در آن‌میتوان به‌نخستین‌طرح‌سبك‌توحیدی۳ نویسنده پی‌برد) بناست طرح و کرته‌ای از آن باشد وی جزمهمانخانه‌ها و ورقاص خانه‌ها ومیکده‌هائی را وصف نمیکند که پراست ازجمال‌پرستان وبازیگران‌وخبرنگاران ودزدان‌زبردست چنانکه گوئی اشخاصی که‌خانه وزندگی دارند برای‌نویسنده اصلا درجهان وجود نداشته‌اند همچنانکه

۱- Bolchèvisme حکومت واستبداد کارگری‌را گویند که‌اکنون در روسیه استقراریافته است.

۲- George مقصود جرج ششم‌پادشاه سابق انگلستان است که‌در سال۱۸۹۵ درساندرینگهام» بدنیا آمده است.

۳- unanimisme که‌آنرا به‌سبك‌توحیدی ترجمه کرده‌ایم مکتبی است ادبی‌که میخواهد بنحوی‌کلی و واحد احساسات مختلف و عواطف جماعات بزرك بشری راتوجیه وتغییر کند.

طبقه کارگر برای «استندال» و « فلوبر »

این نومیدی اجتماعی بشررا بصورتی عجیب و جلوه میدهد شبیه به موجودی« که بسردی بگذشت وقایع وقضایامینگرد » موجودی که اگر بتوان گفت درزندگی خود هیچ سهمی ندارد (تنها دختران جوان ظاهراً درزندگی خود دخالتی دارند: لااقل شوهران خویش‌را انتخاب میکنند) برروی هم چنانکه« سارتر» میگوید موجودی « ممتنع» نه آزادو نه‌مقید. ازآنرو آزاد نیست که جزتحمل پیش آمد ها کاری نمیکند و ازآنرو مقید نیست که زنجیر وقانونی وجود ندارد ولی‌این فکر بیش ازآنچه بیان مفهومی‌فلسفی‌وماورالطبیعه باشد از روش‌خاص« پاسس »ناشی‌میشود چرا که «پاسس» براثر پیروی ازاین روش از هرگونه شرح وتفسیر خود داری میکند وبیش ازآنچه دیده میشود نمیگوید . و درست مانندآئینه است‌یا چنانکه خود میگوید به « عدسی یکدستگاه عکاسی» شباهت‌دارد ازاینروی آئینه جزوضع ومنظره‌را منعکس نمیکند وعدسی نیزازدرون وجدان عکس بر نمیدارد و براثر همین امرقهرمانان کتب « پاسس » به آدمك‌هائی شباهت دارند عاری از جوش وخروش ووجد و نشاط وحتی درد و عذاب ، وی چون واقع بین است بوجود مشقت و رنج در همه جا پی‌میبرد و چون پیرو فلسفه تحققی است ازتفسیر و توجیه آن خودداری می کند .

« پاسس » ازنظر فکروسبك نویسندگی ، راه تکامل‌را می‌پیماید. این پیرومکتب آزادی فرد ، چون بسختی از کمونیست‌هائی بیزارشده که در اسپانیا شناخته (کتاب « حوادث زندگی یك مرد جوان » ۱۹۳۳) وهم چنین چون از «فاشیست » ها خشمگین گردیده نسبت بمبانی میهن

پرستی ودموکراسی ایمانی ازنو در دلش پدید میآید (کتاب « سرزمینی که مادر آن بسر میبریم » ۱۹۴۲ صفحه ۱۲۳) در کتاب « نمره یك » (۱۹۴۳) ودر کتاب « حوادث زندگی یك مردجوان » وی از نوعی داستان نویسی پیروی میکند که تمام وقایع وقضایای داستانرا درپیرامون حیات یکقهرمان تمرکز میدهد در کتاب « نقشه بزرگ » (۱۹۴۹) همانروشی را تکرار میکند که درکتاب « یو. اس. ا. » بکار برده است اگر وی محبتی غیر مترقب نسبت بجانواده یافته است وهنوزاگر پاراازمرز واقع بینی بیرون گداشته وعقاید وافکارخودرا اظهار داشته است همیشه ازسیاست و مردم بیزارو گریزان بوده (لااقل ازمردم زنده زیرا درستایش مردگان مهارت دارد) وی همواره همان معترضی است که درکتاب « سه سرباز » ازشرکت درجنگ امتناع میکند وهنگامیکه حکومت طرفدار محافظه کاری است اوانقلابی میشود ودربرابر طرح‌های اصلاحی شهر « نیویورك » خود را مرتجع نشان‌میدهد تناقضی اساسی که دراثراوست بیش‌ازپیش هویدامیشود چراکه دریکجا توصیه میکند که جزبه خود امید واطمینان نداشته‌باشید و در عین حال هیچ فردی را نشان نمیدهد که دارای شخصیت و زندگی درونی ... باشد.

باظهور « ویلیام فلکنر » (متولد بسال ۱۸۹۷) ما بسیاه‌ترین قسمت ادبیات سیاه میرسیم امتیازوی ازدیگران آنست که واقع بین نیست‌وجهان او ویران‌تر و آشفته‌تر است‌ازجهان نویسندگان شمال چراکه بآن طبقه اشراف جنوب تعلق دارد که بر اثر هجوم سوداگرانی چون « یانکی »

yankee ۱ وروح تاجرپیشه آنان، جزافرادیفاسد از آن بجامانده‌است ازکتاب « سارتریس» Sartoris ببعد (۱۹۲۹) که تقریباً پرده‌ای از طرززندگی‌خانواده خود اوست ،آثاروی‌سلسله‌ای ازوقایع وحشت‌انگیز وخونین‌را نقل میکنند تا کیفیت و مظاهراین فساد را تجلی دهند علت وجودی این فساد را باید در کتاب « شکست نخورده » (۱۹۳۸) و یا در اخبارجنگ داخلی‌جستجو کرد که ازنظرادبی بسیارزیبا ودلاویز است و بسبکی شاعرانه نوشته شده از خلال عبارات این کتاب دلتنگی نویسنده برای میهن‌خود یعنی‌جنوب دلیرپرور وآزاده احساس‌میشود بعبارتی‌دیگر آنچه «الن گلاسگو» بنحوی هجوآمیز بیان میکند فلکنر آنرا با رویا و خیال شرح میدهد جهانی که داستانهای وی در آنروی میدهد جهانیست که دیودوپری‌در آن‌راه دارندوبرروی هم‌جهانیست که وجودآن«ممتنع» تراست‌ازجهان « پاسس» چرا که در آن‌جزودیوانه ونادان ومجنون‌شهوی بسر نمیبرند

بااینهمه این نویسنده بدبین نه«پوئه» رابیاد میآورد ونه « آمبرز بیرس »را چرا که در کتاب‌های خودکاملا حقایق روانشناسی را باسبکی بسیارجالب شرح میدهد وی در واقع افسونگرکامات است والفـاظ را درست‌بموقع بکارمیبرد وکلمات وعباراتی‌میآورد که موزون‌وهم آهنگ‌اند وگذشته را بیاد خواننده میآورند از زیر قلم او توصیف یك کلاه ، یك تکه کهنه ، یکدست کثیف ، بصورت شعری دلکش خارج میشود ولی این

۱ــ معمولا امریکائیان خودرا «یانکی» می نامند.

نثر موزون و پرمایه خالی از مشکلاتی نیست گوئی «فلکنر» لذت میبرد که خواننده‌را گمراه کند چرا که خواننده دائماً خودرا بحالت شخصی میبیند که چشم بسته اورا درمحلی ناشناس درمیان اشخاصی گذاشته‌اند که هیچ یك از آنانرا نمی‌شناسد، درمیان صحنه‌هائی آشفته و پرغوغا که وی از آغاز وعلت آنها بی‌خبر است . نه تنها ابتدای داستانها بلکه ابتدای هر فصل و حتی ابتدای هرقسمتی ازیك فصل بصورت معمائی است . خواننده همه‌جا می‌پرسد اکنون بکجا رسیده است ؟ که سخن میگوید؟ موضوع بحث چیست؟ «فلکنر» هیچگاه مشکلی‌را شرح نمیدهد تنها خواننده خود باید بیاری قیاس واستنتاج مشکل‌را بگشاید واینکارهم آسان نیست چرا که یکی‌ازروش عزیز نویسنده آنست که یك اسم‌را باشخاص مختلف میدهدو وچندین اسم‌را بشخص‌واحد ! وخواننده هیچگاه نمیداند باکه سروکار دارد .

عجیب‌ترین داستانهای « فلکنر » داستان «آواز وخشم» (۱۹۳۰) است قسمت نخست افکار احمقی‌را شرح میدهد که ذهن وی خاطرات گذشته‌را با واقعیت حاضر مخلوط و مشتبه میکند هیچ دلیلی‌نیست که خواننده بیاری آن بتواند اینرا از آن تشخیص دهد قسمت دوم که ۱۸سال زودتر ازقسمت اول روی میدهد . افکارجوانی‌را بیان میکند که عاشق خواهرخویش است ومیخواهد خودکشی کندسبك نگارش این کتاب‌عمداً پیچیده ومبهم است وصفحاتی‌پشت سرهم دارد که نقطه گذاری واستعمال حروف بزرگ درآنها مراعات نشده تاخواننده بیشتر دچار وسوسه شود تنها قسمت سوم است که برتاریکی‌های قسمت‌اول تااندازه روشنی‌میافکند این قسمت‌نیز مکالمه‌ایست که قهرمان داستان باخودمیکند ولی‌اینمکالمه

ازآدمی طبیعی وعادی است مشروط برآنکه آدم عادی بدین درجه از حرص و کینه وخونخواری برسد . بالاخره فصلی که چهارمین روزنام‌دارد بیش ازنقل داستانی‌نیست و نویسنده هم‌این نکته‌را قبول دارد بااینکتاب ما درجهانی‌واقعی راه میبابیم وبنوعی‌داستان نویسی آشنا میشویم که‌عادات و سنن قدیم را مراعات میکند ، یکشنبه اول عید پاك است وسیاهان به کلیسا میروند وسفید پوستان نیز یکدیگررا میدرندو کتاب بپایان‌میرسد بی‌آنکه داستانرا پایانی باشدآیا «جازن » Jason خواهرزاده‌اش را خواهد یافت؟

آیا واقعاً آنزن پولی‌را ازو برده است که او بتقلب ازوی گرفته‌بود، خواننده که رفته رفته‌علاقه‌بداستان پیدا میکند بخاطر آنکه آنرامیفهمد، ازاین قضایا بی‌خبرخواهد ماند»

ولی‌خواندن آثار «فلکنر »(حتی آنهائیکه نویسنده هتك‌عفتی‌راکه از روی جنون شهوی صورت‌گرفته شرح میدهد ویا مانند «کتاب «حرم مقدس» (۱۹۳۱) که‌یك داستان‌پلیسی‌پیش پاافتاده‌ای را بصورت‌موضوعی خارق العاده بیرون میآورد) احساسی از زیبائی وشعر دلپسند ولی‌کمی مغشوش ، درخواننده بوجود میآورد که درمقام مثل بکتابی ماند زیبا و نفیس باجلد زرکوب که درروی‌آن علامت اخذ جائزه بدرخشد ولی در روی کتابی قرارگرفته باشدکه بیش ازده شاهی‌نیرزد .

درآثار «ارنست همینگوی» (متولد در سال ۱۸۹۸) تحولی دائم دیده میشود که او را از معاصرانش که «نسل ساقط» باشند جدا میکند معاصران او همه از اصلاح اجتماع وطبیعت بشری‌کاملا نومید بوده‌اند راست استکه وی برای نگارش‌آثارخود ازادبیات سیاه مایه میگیردولی

فکرش چنان قوی است که از افق این ادبیات بالاتر میرود و بر آن مسلط میشود وهمین امر سبب اشتباه بسیاری از منتقدان گردیده است.

در کتاب «خورشید نیز طلوع میکند»(۱۹۲۷) همینگوی که در جبهه ایتالی جنگ کرده وسپس از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۷ درفرانسه بسر برده و چند بار باسپانیا رفته‌است رویه «هانری جیمز» رادنبال میکند وزندگی آمریکائیانی را مینگارد که باروپا مهاجرت کرده‌اند قهرمان داستان وی که براثر جنگ مردی خود را از دست داده است نماینده ناتوانی نسل معاصر خویش است آنچه در نخستین وهله بیش از همه در این کتاب نظر را جلب میکند بیهودگی قهرمانان و بیکاری و بی مصرفی آنان و مقدار زیاد مشروبی است که می‌آشامند خود کتاب نیز به سبکی مهمل وبی قید نوشته شده است از «گرترود اشتین» که زنی مهاجر است وبا حد اقل کلمات، تحقیقات خود رادرباره روانشناسی‌در کتاب«سه‌زندگی» مینویسد با لحنی ساده‌و کودکانه که نویسندگان کتاب کودکان‌مجبورند برای خوانندگان جوان خود آنرا بکار برند «همینگوی» یادمیکرد که اصطلاحات خود را محدود کند وعبارات را بصورت طرحی در آورد که جز فعل وفاعل و مفعول درآن نباشد از این رویه سبکی پدید می‌آید که اساسا یکنواخت است ومکالمات آن که کاملا از گفتگوهای جاری تقلید شده است اگر برروی صحنه نمایش نقل شوند بازیگر و تماشائی از خستگی شنیدن این مکالمات مشرف بموت میگردند با اینهمه کتاب «خورشید نیر طلوع میکند» با موفقیتی بزرگ روبرو میشود نه تنها موضوع این کتاب دلاورانه است «عشقهای بدون امید یك عنین» بلکه در عصری که پیشرفت ادبیات محال مینماید وادبیات از دست نثرتالار-

های ادبی رهائی یافته و گرفتار سهل انگاری های طبیعت پردازان گردیده است
این وارستگی ارادی چون معجزه‌ای رهائی بخش جلوه میکند نویسنده
در همه جای کتاب از راز هنر و پیشه خود کاملا آگاه است در کتاب
«وداع اسلحه» (۱۹۲۹) خستگی و فقدان عاطفه به دقت وصراحت مبدل
میشود و میلی که نویسنده بفراموشی قضایا و امتناع از توجیه و تفسیر دارد
بصحنه‌های پرحادثه قدرتی خاطره انگیز و به صحنه‌های تاثری نیروئی عاطفی
میبخشد که کاملا درخور ستایش است کتاب « برای که ناقوس میزند »
(۱۹۴۰) که یگانه عیب آن طولانی بودن نطق‌هاست راهی را نشان میدهد
که این نویسنده بزرگ پیموده است ناگفته نگذریم که اگر این نطقها طولانی
هستند حساسیت وصراحت وخلاصه تخیلاتی شیرین وشاعرانه در بر
دارند که کاملا طولانی بودن را تلافی میکند.

با اینهمه تکمیل فن نویسندگی یگانه تحول این نویسنده نیست
کتاب «وداع اسلحه» داستانی نیمه جنگی (ماجرای عقب نشینی «کاپرتو»
Caporetts قطعه‌ئی ادبی وزیباست که از آن پس متداول گردیده است)
و نیمه عشقی است قهرمان این داستان بازیچه سرنوشتی بی‌معناست سستی
و بی قیدی وعدم لیاقت مردمان اورا مانع شده‌است که در مبارزه و نزاع
علت زندگی را بیابد چنگال مرگ نیز بدون علت زنی را میرباید که او
دوست داشته است تنها مشروب بجا میماند ولی هنر این قهرمان آنست
که لااقل کسی را دوست داشته است منتقدان عصر این نکته را علی-
المعمول ندیده گرفته‌اند و براثر این امر در پیرامون زندگی وطرز فکر
«همینگوی» افسانه‌ای پدید آمده است این افسانه «همینگوی» راسنگین
دل و بیشرم نشان میدهد واورا نماینده نسلی بیحیا و کلبی مسلک میداند

نویسنده کتاب «وداع اسلحه» نیز با این افسانه همداستان است و برای دفاع از آن میگوید حالا که تصمیم گرفته ساده ترین قضایا را بنویسد ساده‌تر از همه مرك ناگهانی است واوهم بدین کار همت گماشته است در سال ۱۹۳۲ وی کتابی طولانی درباره مسابقه گاومیشان منتشر میکند بنام «مرك دربعد از ظهر» مدت چند سال بحفظ مقامی میپردازد که در عالم نویسندگی بدست آورده است کتاب «دارا و ندار» (۱۹۳۷) نماینده تغییری در عقیده و افکار اوست این کتاب داستانی تلخ و غم افزاست با وجود وقایعی شورانگیز که درضمن شکارروی‌میدهد وعلت آنست که نویسنده در برابر راهی تازه مردد مانده است صفحه خیال وی از خاطرات شنیع و باده خواری وصحنه‌های شدید که دیگر جنبه عادی بخود گرفته مملو است ولی عشق از نو در عرصه دل وی جلوه گری آغاز میکند (با این خصوصیت عجیب درادبیات سیاه که یك زن وشوهر شرعی کاملا یکدیگر رادوست دارند) با موضوع سراسر جدید یعنی فداکاری : قهرمان داستان خودرا درراه خانواده فدامیکند وزن برپیکر بیجان اومیگرید بالاخره در کتاب «برای که ناقوس میزند» که واقعه‌هائی ازجنگ اسپانیاست این دوموضوع که عشق وفعالیت باشددائما وباطنابیکدیگر آمیخته‌اندزندگی دیگر مفهومی یافته است و آن مفهوم مبارزه و فداکاری است و از این مفهوم صمیمیتی بشری ناشی میشود مانند آبی زلال که از چشمه‌ای تابناك جهیدن کنددر میان این سربازان یا این راهزنان انسان از جمع بیکاران کتاب «خورشید نیز طلوع میکند» بدور است و از آن نومیدی بیگانه است که در کتاب «وداع اسلحه» دربرابر هر اقدامی میگوید چه فائده دارد؟ این قهرمان چون ازجنك بیهوده دلزده شده همه کوشش خود را

برای فرار بکار میبرد در اینجا برعکس قهرمان داستان با آنکه همیشه چشمها را برای دیدن صحنه‌های وحشت انگیز و غم‌افزا باز کرده است همه نیرو وقدرت خود را بکار میبندد تا جنك کنان در این صحنه جان سپارد ازآن گذشته درعشقی شهوی که نسبت به «ماریا» Maria دارد که ازحیث پاکی بمرتبه عشق « دافنیس۱ » و« کلوئه۲» میرسد مفهوم سعادتی صلح‌آمیز رایافته‌وبامکان زندگی خوشبخت و آرام دونفری‌پی‌برده‌است اختلافی که بحث دراین موضوع با بحثی داردکه راجع به همین موضوع در کتاب «وداع اسلحه»بمیان میآید اختلافی اساسی است زن است که‌در این داستان بمرگی‌محتوم ، بدون جهت میمیرد این مرك نیز مانندمرگها بیخود وبی جهت است وشوهر را دوباره در جهانی میگذارد خالی از آشنا ودوست که فقط مستی میتواند این تنهائی و بیکسی را ازیاداوببرد وحال آنکه دراینجا مانند در کتاب« دارو ندار » مرد است که میمیردولی در راه اجرای ماموریتی جان میسپارد که خود به اختیار و ارادت آنرا برگزیده است وی دیگر بازیچه سرنوشتی بیهوده نیست بلکه مبارزی استکه در تعیین سرنوشت‌خود سهمی بزرك دارد .



دربعضی مواقع درفرانسه«ارسکین کالدول» Erskine Caldwell

۱و۲ـ Chloé و Daphnis داستان روستائی وعاشقانه«لنگوس» Longus داستان نویس مشهور قرن چهارم بعد ازمیلاد یونان است این داستان بسیارلطیف ودلکش است وشاعر افکار ساده والهامات خود را آزادانه بازگفته «آمیو» Amyot و «پل‌لوئی کوریه» louis courier Peul این داستان رابفرانسه ترجمه کرده‌اند. «دافنیس» چوپانی‌ازاهالی سیسیل ایتالیاست که طبق روایات افسانه‌ای خدای شعر شناخته‌شده است.

(متولد بسال ۱۹۰۳) را بسیار بزرگ دانسته‌اند تفسیر کتاب «راه‌توباکو»
Tobacco او بصورت نمایشنامه موفقیتی عظیم بدست آررده عامه مردم
ازخواندن اینکتاب لرزشی احساس میکند شبیه بهمان لرزشی که هنگام
نزدیکی بمیوه ممنوع‌در بهشت سراپای آدم رافرگرفته. چرا که‌همه قضایا
دراین کتاب زننده ومغایر عادات است ولی این نکته را نیز باید گفت که
مبالغه وغلوهیچگاه نتوانسته‌اند شاهکاری‌پدید آورند در واقع این کتاب
تقلیدی مضحك‌از ادبیات سیاه است که تمام مشخصات این ادبیات بنحوی
مبالغه آسا در آن ذکرشده ، ولحظه‌ای پیش‌میآید که حتی‌ادبیات‌مستهجن
نیز براثر استعمال زیاد رویه وعادت تقلیدی نویسنده میشود آغاز کتـاب
(خدای جریب کوچك زمین) (۱۹۳۳) سرگرم کننده و فرح بخش است
ولی لحن شوخ نویسنده درپایان ناپدید میگردد قهرمانان این کتاب مانند
قهرمانان کتاب (ترئی‌لوس و کرسیدا) Troïlus و Cressida (شکسپیر)
سخنانی میگویند و برخلاف آنها رفتار میکنند بر واعظان کلیسا ریشخند
میزنند ولی‌خودپیوسته وعظ میکنند وغلبه احساسات وعواطف رابرعقل
خواستارمیشوند ومیگویند تضییقات اخلاق پورتین‌ها (درقرن بیستم !)
فقط مخالف باتوازن و هم آهنگی است ولی کسانی که آشنا بهیچ تصنیقی
نیستند ازهم آهنگی وتوازن نیز بیگانه‌اند برادران یکدیگررا میکشند
باوجود نطق‌های جذاب پدر درباره غریزه خانوادگی وغیره مردان همه
خشن‌ونتراشیده‌اند ویاخام وحیوان‌صفت،(کالدول)هنر نویسندگان‌مضحك
را دارد وهربارکه خواسته مطابق‌معمول به موضوع‌های‌شدید وپر آشوب
پردازد کتابش بدوناچیز شده است درواقع وی‌درنگارش حکایات کوچك
دستی دارد این نوع ادبی در کشورهای متحد امریکا بسیار رائج استو

آثار (کالدول) بهترین نمونه‌و نماینده‌آن بشمارمیآیند فن ورویه این نوع ازآغاز قرن بیستم تغییر یافته است نویسندگان دیگر بصورت حکایت تاریخی‌را نقل نمیکنند که شامل نمایش مناظر ونشو ونمای قهرمانـان و شرح مصائب باشد بلکـه به پیـروی از رویه (کاتریـن منس فیلـد) Katherine mansfield نویسنده انگلیسی درحکایت پرده‌ای کوچـك یا جزئی اززندگی‌را نقاشی‌میکنند سه‌یا چهارصفحه برای‌حکایت کافیست وغالباً نیزدراین حکایت‌هیچ واقعه‌ای‌روی نمیدهد ولی(کالدول) میتواند این صحنه‌های کوچك را که‌باظرافت ودقت نوشته‌شده‌اند بشوخی‌یاترحم نسبت به ضعفا ویاوحشت ازخونخواری بیآراید .



« جان اشتین بك» (متولد بسال ۱۹۰۲) تنها ازنظر تاریخی به ادبیات سیاه تعلق دارد چراکه درواقع نویسنده‌ای خوش‌بین واحساساتی است مسلماً باکتاب «درجنك دوبیس» In Dabious battle (۱۹۳۶) وی بهترین داستان کارگری خودرا بجامعه‌تقدیم میکند بحث درزندگی کارگران در آنوقت معمول روز بوده است و داستان یك اعتصاب که بوسیله قوای مسلح ازآن جلوگرفته میشود با آنکه وقایع آن در زیر آفتاب دلپذیر کالیفرنی انجام میگیرد داستانی شوخ ونشاط‌انگیز است مهمترین اثراو که «خوشه‌های خشم» نام دارد The grapes of wrath (۱۹۳۹) کتابی است‌در ششصد صفحه‌ومملو از اخبار که بسیاری ازآنها دلکش و شیرین است این کتاب شاهدی مخوف علیه اجتماعی است که رفتار خودرا عادلانه و برادرانه میداند ، و بمنزله حکم محکومیت آن

آزادی است که بخواهدسر نوشت وطالع هر کس‌را بااحترام حق‌مالکیت تأمین کند وحال آنکه دراین اجتماع انسان کشاورزانی‌را می‌بیند که‌بدون مددمعاش ودفع غرامت اززمینی رانده شده‌اند که‌خود آنرا بدست آورده و کاشته‌اند وسپس براثر اعلانات فریبنده به « کالیفرنی » آمده‌اند تا در آنجا آنانرا مانند بردگان بکار های سخت گیرند ولی باآنکه این دو داستان که بسبکی واقع‌بین و دلاویز نوشته‌شده‌اندتوالی مصائب‌را نقاشی میکنند ودر بحبوحه مصیبت‌بپایان می‌رسند مانندکلیه آثار این نویسنده روح حساسیت واعتماد به‌آن مردی در آنها دمیده شده است که ازمیان توده برخاسته ویگانه کسی است که بمفهوم تعاون و برادری آشنائی‌دارد مسلماً این‌طرز فکر از کسی است که میخواهد همه‌چیزرا ساده‌وروشن جلوه‌دهد ولی‌بااینهمه خوش‌بین وامیدواراست « اشتین‌بك» حتی‌میخواهد باور کندکه جوانان بد ازلطف و خوبی نیز بهره‌ای دارند و این عقیده را در کتاب بسیار جالب خــود که بنام « تورتیلا فلات » Tortilla flat (۱۹۳۵) است ، ابراز میدارد این کتاب بنظر اشخاص بزرك مجموعه‌ای ازحکایات خیالی‌ولذت‌بخش است کتاب « موش‌ها و آدم‌ها » (۱۹۳۸) شاهکاری کوچك است اولا ازنظر سبك وصحت و ایجازمطالب ونکات وطرز بیان وثانیاً ازنظرتناسب وتجانس تشبیهات وخلاصه ازنظرمهندسی داستان نویسی بسبك‌قدیم‌این داستان کوچك ازیك حادثه واحدتشکیل می‌یابد که دریك‌محل واحد میان دوصحنه مشابه بوقوع‌میرسد که دریك عرصه نمایش قرارگرفته‌اند ، ازنگارش این‌داستان پی‌میبریم که « اشتین بك» میتواند درانواع مختلف داستان‌نویسی باموفقیت طبع آزمائی کند

از آن‌پس درجه‌هنر وطبع‌وی بسیارتنزل کرده است داستان‌خبری

او درباره اشغال « نروژ » بدست آلمـانها که « ماه افول کرده است» (۱۹٤۲) نام دارد ازلطف وجذابیت عاری‌نیست ولی کتاب « گانری‌رو » Cannery Row (۱۹٤۵) تکرار کتاب « ترتیـلاافلات » است وکتاب «وی واروبس» (۱۹٤۸) The Wayw-ard Bus بدترین داستانیست که بصورت پاورقی منتشر کرده است .



تمایلات کنونی

درسال ۱۹٤۰ دوران عمر ادبیات سیاه درکشورهای متحدامریکا سپری میگردد مردم امریکا دیگر میتوانند درباره سخن « سارویان » Saroyan چنـدان اهمیتی قائل نشوند که گفته است « ایمان ، بهرچه باشد» چراکه این گفته از احساساتی مبالغه آمیز ناشی شده است ولی مجبورندکه تمایلات جدید «داس‌پاسس» و «همینگوی» را محترم‌دارند و « اشتین‌بك » و « گلن‌وی وسکت » Glenw – ay Wes – cott و « رابرت پن وارن » Robert Penn W – arren را نـدیده نگیرند مهم‌ترین داستان این‌نویسنده اخیر (که وی‌نیز عبارت پردازی بسیارماهر است) با خاطراتی تلخ وگستاخانه وبدبین آغاز میکند و بایمان‌بزندگی وعشق وفضیلت و خدا پایان می پذیرد این کتاب « تمام سر بازان شاه » (۱٤۹۱) نام‌دارد بسیارمشکل‌است که ازهم‌اکنون صفات‌مشخص‌داستان نویسی جدیدراتعریف کنیم باظهور «گلن‌وی» (که کتاب «خانه‌ای‌در آتن» او تحقیقی شایان توجه درباره تصرف یونان بدست آلمانهاست) و«خانم جان استافرد » Jean Stafford (کتاب «وقایع بستان» ۱۹٤٤ وکتاب «کوهستان لیون» ۱۹٤۷) و «ویلیام ماکسول » William M-axwell

(کتاب « برگ تا شده » ۱۹۴۵ و کتاب « زمان پرده فراموشی بر آن خواهد افکند » ۱۹۴۹) چنین می نماید که داستان نویسی جدید بازگشتی به تحقیق در روحیه اشخاص معمولی کرده است و با ظهور «ترومن کاپت » Truman capote که بشیوه « فلکنر» چیز می‌نویسد داستان‌نویسی بشرح و توضیح محیط اجتماعی از نو توجه میکند کتاب مشهور این‌نویسنده عبارتست از«صداهای‌دیگر اتاق های‌دیگر» (۱۹۴۸) ولی جنگ‌چون در ادبیات ازنو مبارزانی وارد کرده است که در عرصه زندگی وفکر فریب خورده‌اند ، معترضائی سرسخت را پدید آورده‌است که درست‌منتقدان سال ۱۹۲۰ را بیاد می آورند این معترضان ظاهراً « نرمان مایلر » Normanmailer (کتاب «برهنه ومرگ» ۱۹۴۸ علیه توهمات مربوط بجنگ) و «مرل میلر » Merle Miller (کتاب« زمستان» علیه توهمات مربوط بصلح) هستند ولی‌رمان امریکائی کنونی هررویه و روشی که بخود گیرد آنچه در مورد کلیه این نویسندگان جوان قابل ملاحظه‌است اینست که همه آنان‌درانواع‌مختلف داستان‌نویسی ، ازهمان کتابهای اول ماهرانه و استادانه چیز مینویسند

۲- شعر «متجددین»

« اذرا پاوند » (متولد بسال ۱۸۸۵) هم بدوره پیش از جنگ نخست تعلق دارد وهم بدوره شعر کنونی و براثر نفوذ وسیع خودیکی‌از شعرای مهم عصر حاضر بشمارمی آید هموست که برای اولین بار بابکار بردن الفاظی زیبا وخوش آهنگ ومفاهیمی عمداً مبهم ، صورتی تازه‌بشعر داده است شعرائی چون «ماسترز » و «فراست» و «مسیتعاران» میخواهند اشعاری بخواننده عرضه دارند که بدون کتاب لغت خواندن آنها میسر

باشد برای فهم اشعار (پااوند) وشاگردانش که پر از کنایات و خاطرات است . کتاب لغت بدرد نمیخـورد بلکه یك کتابخانه ادبی و تاریخی و جغرافیائی وفلسفی لازم‌است غالب اشعاراو تحت عنوان (آواز) Cantos جمع آوری شده‌اند (۱۹۴۸ که هنوزهم (آواز) هائی تازه بچاپ رسیده است) ولی لغت آواز در ذهن اومعنای عادی ندارد بنظروی‌لغات قدرتی سحرآمیز دارند نه بخاطر طرزتلفظ و صوت وترتیب‌بلکه بعلت معنی و تداعی که در آنها نهفته‌است ازآنجا که وی دشمن هر نوع سنت وقرارداد است‌حتی آنهائیکه خود آفریده، پیوسته‌درشعر افکاروعقاید خودرا تازه‌و مبهم میکند وبهمین‌جهت‌شاعرانی میتوانند خود را تابع‌افکار اودانند که ازلحاظ‌عقیده ونظر بایکدیگر کاملا اختلاف دادند (پااوند) چون‌باایمان بعقیده واصلی جزمی مخالف‌است تصمیم اواینست که ازهیچ‌چیز طرفداری نکند وبهمین‌جهت شعرجدیدرا دروجود خود تجسم میدهدکه باوضعی ناپایدار همه‌را در جستجوی ابداع وتازگی است وسرانجام ازخودوهمه چیز نومید میگردد .

پس ازعکس‌العملی که‌بمنظور بازگشت بساده‌نویسی بظهورمیرسد ازآغاز قرن ، نسل پس ازجنك بپیروی از (پااوند) و (الیو) ۱ باساده‌ـ نویسی مخالفت میکنندشعر دیگر کار فکر ومغزمیشود بعلت آنکه‌براثر جـریان وقـایع بـا مسائـل ازلی روح بشري روبـرو گردیده وازآن

(۱)ـ «تی اس. الیو» که در۱۹۴۸ جایزه نوبل را برده از نظر فکرمنطقی تراست وشعررا بصورتی ثابت تررو وشن تر در می‌آورد که ابهام آن از شعر استادش «پا اوند» کمتر است ولی‌چون از ۱۹۱۳ در انگلستان اقامت‌گزیده و دین‌کاتولیك راپذیرفته به تابعیت بریتانیای‌کبیر درآمده است خوبست آثار اورا جزادبیات انگلستان دانیم چنانکه‌ادبیات انگلیس نیزاورا ازخود میداند.

نیز نومیداست که موضوع اشعار «شکسپیر» و (بایرن و (شلی۱) را تجدید کند شعرا نیز درراه پیچیدگی وابهام این مسائل میکوشند هدف شعر دیگر آن نیست که جانشین داستان یاموسیقی شود بلکه میخواهد بعلم و فلسفه دست یابد وسادگی وروشنی لفظ وعبارت را جانشین هم آهنگی واستعاره کند باغم وتلخی یا کینه وخشم شعرا میخواهند زبان وبیان را وادارند که بزندگی معنی ومفهومی بخشد اگرچه این معنی بیان بیهودگی و ناچیزی آن باشدو براثر ترسی که ازموضوعات یکنواخت و پیش پاافتاده واحساساتی دارند کلماتی را پهلوی هم میگذارند که نزدیکی آنها کاملا برخلاف انتظار است وصفاتی را بکار می برند که هراندازه باموصوف اختلاف دارد بنظر آنان بهتر می نماید . آیا فقط میل بمخالفت راهنمای این شاعران است ؟ نه ولی مخالفت با موافقان ادبیات انگلیس کاررا بدینجا میکشاند امریکائیان از بسکه در گذشته از آثار (تنی سن) و (سوین برن) تقلید کرده اند از اینکه بنظر خود مقلد انگلسیان آیندچنان ترس دارند که بتجربیاتی دور از عقل وفهم دست می زنند وحتی زبانی غیر مصطلح و اصطلاحاتی عجیب را بکار می برند

ازاین آزمایشهای گوناگون وافکار پراکنده احساسی از هرج و مرج دردلها پدید می آید آنچه برای قومی آرمان شعری را تشکیل میدهد برای قومی دیگر زشت وناپسند است خلاصه شعر ازنوعی تکلف و تصنع رهائی می یابد وبنوعی دیگر گرفتار میشود وبشر ازیك نوع کار خسته

۱- Percy Byshe Shelley شاعر انگلیسی متولد درحوالی «هرشام» Horsham که در خلیج «لااسپزیا» La Spesia غرق میشود وی منصف کتب «الاستور» و «گل حساس» و «چکاوك» وغیره است و طبعی غنائی وبلند دارد (۱۸۲۲-۱۸۹۲)

کننده بکاری دیگر پناه می برد بهمین جهت ممکن نیست درباره شاعرانی مختلف العقیده چون (کزادئیکن) (هارت کرین) Hart crane « ماریان مر » Marianne Moore (الینور وایلی) Elinor wylie و (ماك لش) Mac leish و (الن تیت) Allen tate و « آر. پی وارن» RP Warren و «و.ثی . ویلیامز» W. C. Williams وغیره نظری کلی اظهار داشت چرا که یگانه وجه مشترك این شاعران ابهام درادای مطلب است دورئیس این دسته شعرا که ازنظر فکر در دومنتها قرار گرفته اند یکی (ارچی بالدماك لش) Archibald است ودیگری (امی.امی. کمینگز) درشعر اولی که ازهمه بهتراست . معنی عمیق فکرموجد ابهام وپیچید گی مطلب میشود بعلت آنکه وی درچندعبارت موجز ودرچند استعاره نتایج تحقیقات فلسفی خودرا بیان میکند و (کمینگز) نیز باوضع علامات ابهام را بوجود می آورد همکارانش دیگر ازقواعد صرف ونحو و نقطه گذاری پیروی نمیکنند وخوداو نیزحتی لغات را جداجدامینویسد وغالب اشعارش بصورت لغزهائی حقیقی بیرون می آیند

درمیان این آزمایشگاه آشفته لغات واصطلاحات . زنی بنام (ادنا سنت و نیسنت میلی Edna saint-Vincent Millay به تنهائی راه و رسم شعررا تازه میکند همه بزودی اورا شاعری حقیقی وبزرك می شناسند سادگی وظرافت وروانی طبع او که کاملا طبیعی وعاری از تصنع است با رویه وسبك شعرای (متجدد) تباینی مطلق دارد وبااینهمه کسی بدوحمله نکرده است وحتی همکارانش که شیفته لفظ وابهام اند بدین صدای صاف وبی تصنع بااحترام گوش میدهند از آن گذشته ، هنگامیکه غالب مبتکران درآغاز موفقیتی می یابند وسپس دفتر شعررا می بندند و یا گفته را تکرار

میکنند (باید «پااوند» و «الیو» را استثناء کرد) (ئی . و . میلی) از نخستین مجموعه شعری که در ۱۹۱۷ چاپ‌شده پیوسته درراه‌تکمیل‌ذوق وهنر خود کوشیده‌است وی درباره موضوعاتی ابدی دادسخن میدهد و ازاحساس وعشق و غمها وترس مرك وغیره بحث میکند بی آنکه زبان‌را ازقاعده خودمنحرف کندویابدان بیندیشدکه بادیگران ازنظر فکروبیان مخالف‌باشد ، هموست که موفق‌میشود این‌موضوعات را ازنو تازه کند و هم‌خود باشد وهم دیگری

در آثاری که از ۱۹٤۰ منتشر شده‌اند تمایل این شاعره بمراعات قواعد صوری شعر واضح میگردد باآنکه این‌تمایل غالباً براثر ذوق به موضات مبهم وزننده هنوزهم مشوش است چنانکه یکی ازهمین شاعران یعنی (تئودراسپنسر) Theodore Spencer (که در۱۸ ژانویه ۱۹٤۰ بطور ناگهانی مرده است) این‌معنی‌را چنین بیان‌میکند :

(در جهانی که روزنامه رادیو وسینما پیوسته سلسله‌ای از وقایع عاطفی واحساساتی مبتذل‌را نشر میدهند کاملا بجاست که شاعر ازگفتن قضایای‌ساده بزبانی ساده‌دوری‌جوید ازبیم آنکه مبادا موضوعی‌احساساتی و معمولی گوید)

ضمائم

۱ـ تماشاخانه

نبودن نویسندگان تاثری در ادبیات امریکا امری مسلم است ولی هنگامیکه انسان می‌توانست گمان‌برد که توسعه سینما بطورقطعی‌هنری را ازمیان برمی‌داردکه هنوزنتوانسته است درامریکا نشو ونمائی کند بر

خلاف این گمان درست دردوره ماست که نمایش در کشور امریکا بیش از همه‌جا رائج گردیده است

تجدید نمایش درجریان نخستین جنك بزرك باظهور دسته بازیگران « پرنس تااون » Provincetown و « تماشاخانه کوچك» شیکاگو و « میدان بازیگران واشینگتن » نیویورك آغاز میشود براثر کشش و کوشش این دسته‌های دانا وزیرك که پیشروفن نمایش‌شده‌اند هنرمندانی ظهور میکنند که مدت تجلی نبوغ آنان کوتاه است از قبیل « سوزان گلاسپل » Susan glaspell و «المررایس » Elmer rice و «زناگیل» Zona gale و « مارك کنلی » Marc connelly وغیره ... تقریباً همه این نویسندگان درعرصه نمایش طغیان و نومیدی سالهای پس ازجنك را بیان‌میکنند که‌مشخص‌رمان‌امریکائی نیز هست ولی‌این‌مصنفان ازنومیدی وتلخی که در آثار خود آنرا منعکس میکنند رنج‌می‌برند و آثار آنان‌پس ازآنکه لحظه‌ای دردلها شور وغوغا پدیدمیآورند سردوخاموش میشوند وکسی دیگر ازآنها پیروی نمیکند .

غالباً بهترین نمایشنامه‌ها زاده اقتباس و تقلید یااشتیاق داستان نویسان به‌نمایش آثار خود در صحنه تماشاخانه می‌باشد مانند نمایشنامه « دست کوزه‌گر » تالیف « تئو دردرایزر » یا «موش‌ها و آدم‌ها» تالیف « اشین بك » غیر ازاین آثار بسیاری ازشادی نامه‌های (کمدی) جالب وجود دارد که باقلمی سحار نوشته شده‌اند و بازیگرانی ماهر وهنرمند آنهارا بمعرض نمایش گذاشته‌اند ولی دراین شادی‌نامه‌ها نه‌تنها آن‌لطف آثار « شکسپیر» دیده نمیشود بلکه از نظرعمق مطلب و کنایه به آثار

«ژیرودو» ۱ و «آنوئی» ۲ و « سارتر » هم نمی رسند تنها یك‌تن در این دوره‌ای مشهور است که میان‌دوجنك قرار گرفته واو «اوژن‌او نیل »است Eugene Oneill (برنده‌جائزه‌نوبل‌در۱۹۳۷) که‌چون‌علاقه‌وعشقی بوسائل فن نمایش‌داردتمام تدابیر نمایش‌وصحنه سازی‌را بکار میبرد ازقبیل صحنه های‌شدیدو بکاربردن‌زبان‌عوام ولهجه‌های محلی، تماشاخانه او نوعاً جدید است و چون آثارش تلخ‌وغم‌انگیز است بجرئت میتوان‌آنهارا به ادبیات سیاه متعلق دانست موضوع‌های اساسی داستان های او عبارتند ازضعف‌و زبونی فرد دربرابر دنیای چشم‌بسته وخونخوار، ناتوانی‌عقل بشری برای ادراك‌واقعیت‌یاایجاد رابطه‌ای میان عقل‌ها ،وجدان‌ها و بیهودگی‌اقدامات اصلاح طلبانه ، خطرات فکر منطقی مغرضانه ، تحقیر سود پرستی و قدرت‌طلبی

دروهله نخست ممکن‌است نمایشنامه‌های او جلوه‌های‌اجتماعی بخود گیرندولی هیچیك‌ازاین نمایشنامه هاواقعاً اجتماعی نیستندهمچنانکه نمایشنامه

---

(۱) - Jean Giraudoux نویسنده فرانسوی متولد در « بلاك» (۱۹۴۴-۱۸۸۲) مصنف «زیکذید ولاموزن» «سوزان واقیانوس آرام»و «اندین» و غیره .

(۲)- Jean anouilh نویسنده معاصر فرانسوی هدف‌این‌نویسنده آنست که موضوعات غم‌انگیزرا باسبکی ظریف توصیف کند ولی بیان‌او غالباً به‌پایه ادعایش نمی‌رسد کتاب « آنتی گن» وبهترین نمایشنامه وی یعنی «مسافرت بدون اثاث» ازنظر تناسب وتعادل چندان عالی نیست با اینهمه این‌نویسنده گاهی صحنه‌هائی‌خرم وخندان وزمانی مناظری‌غم‌انگیز وسیاه رانشان میدهد ودرضمن تجسم این‌مناظر طبع‌وحشی صفت وهرج و مرج طلبی خود را ابراز میدارد این میل به هرج و مرج در نهاد او رام شدنی نیست .

«دست‌های کثیف »« سارتر » کمونیستی نیست بنظر « اونیل » بیعدالتی‌های اجتماعی بیش از آنچه حقیقت و واقعه‌ای باشند . نشانه‌ای از وضع بشر در جهان است از اینرو «امپراتور جانز » Jones او نه تنها نمونه سیاهان حریص وخرافی است بلکه کلیه افراد را بانادانی و ترس آنان مجسم میکند که آن ترس و نادانی را درزیر پرده‌ای ازعقل واحتیاط پوشانده‌اند کتاب« آنا کریستی » Anna christie اوتنها سر گذشت ساده فاحشه‌ای نیست که بر اثر عشق نجات می‌یابد بلکه کج‌طبعی وچشم‌بستگی غرائز وصفات‌را نشان‌میدهد وثابت میکند که بشر هیچگاه نمیتواند ازدست ماهیت و نهادخود بگریزد «آنا» دربرابر خوش‌بینی بیمورد پدرش که هنوز بااینهمه مصائب ازخواب غفلت بیدارنگردیده است فریادمیزند

« آخر ، ترابخدا . مگر نمی‌بینی که هرچه همیشه کرده‌ای دوباره تکرار میکنی ! تقصیر تو نیست .تودرست کار میکنی، آنچه تو هستی ..: بامن‌فرقی نداری»بسیاری ازنمایشنامه‌ها مانند «طلا» و «ملیونهای‌مار کو» Marco وغیره‌قدرت مخرب روح‌مالکیت‌را نشان میدهند ولی‌نمایشنامه «روزهای بی‌پایان» Days Without End معرف روحی‌استدلالی‌وعقل است که بهترین آرزوهاوامیدهارا واژگون میکند قهرمان زن‌نمایشنامه « آهنك شگفت‌انگیز » Strange Interlude که‌مجسمه زندگی‌غریزی است دردست دونفر شکنجه میشود که یکی‌دانشمندی است که مساعی اوبرای تاثیر درقوای حیاتی منجر بفاجعه‌ای میگردد ودیگری مردیست پول‌پرست وسوداگر که مشغولیات مالی اوخفه کننده وحماقت آوراست درباره نمایشنامه «سیب کرك‌دار» The Hairy ape نباید فراموش کرد که بسیاری ازصحنه های آن‌وقف‌شده است برای نشان دادن عدم‌لیاقت

مصلحان اجتماعی وواهی بودن امیدهای انقلابیون ادعای « یانك» yank قهرمان این نمایشنامه که ازطبقه رنجبر است بیش‌ازحد طبقه اوست ودر واقع ادعای بشر دربرابر جهانی‌است که همه‌عوامل بااو سردشمنی‌دارند « اونیل » نه‌تنها پرده از روی عملیات کورکورانه انقلابیون و حماقت توانگران برمیداردبلکه بیفایدگی اقدامات (آنارشیت)ها وسست‌عنصری مردمان دانای خیالباف‌راگوشزد میکند و توهمات این‌اشخاص‌را درباره ترقی بیهوده میداند اگرهمه اینها بیهوده باشند پس‌چه‌میماند؟ (یانك)در کوششی که برای ادراك نفهمیدنی بکارمیبرد میگوید

«ولی بالاخره اینجاآمده‌ام که‌چه کنم؟ ازکجا بدرون می‌آیم واز کجا بیرون‌میروم ؟کجا هستم؟»

وبالاخره هنگامی که درزندان درباره زندگی می‌اندیشد

« میتوانم باگفتن واندیشیدن خودرا فریب‌دهم‌وتقریباً باورکنم که امیدی دارم وهمین‌خود درراه زندگی توشه‌ایست»

۲ـ انتقاد

اگرنام داستان نویسان وشعرای امریکا بیش‌ازهمه درکشورهای بیگانه شناخته شده‌است نباید چنین نتیجه گرفت که‌آثار آنان محصول تکاملی جداگانه است‌وبادنیای خارج ارتباط ندارد بلکه‌برعکس نهضتی ادبی وانتقادی وتحقیقی این‌آثاررا درکشور امریکا پدیدآورده است و روزنامه‌نگاران واستادان دانشگاه نیز در اینکار سهمی بزرك داشته‌اند امریکا حق‌داردبخودببالد که « برونیتر۱» و«لومتر۲»و«سودی۳» خودرا

---

(۱)ـ Ferdinand Brunetiére منتقد فرانسوی‌متولددر«تولن» هدف کوشش وی‌آنست که قواعد فرضیه تکامل را درباره ادبیات بکار بندد (۱۹۰٦ـ۱۸٤۹)

بوجود آورده است شماره این منتقدان و نویسندگان باندازه‌ای فراوان است که انسان درانتخاب نام آنان برای ذکر دراینجا دچار تردید میشود ولی بااینهمه دراینجا نیز «هانری جیمز» با رای روشن واستعدادقوی و قوه ادراك خود بیگمان سر آمد اقران است

در آغاز قرن «جیمز هنکر» James Huneker و «واس تمپسن» Vance Thompson از میان نویسندگان جلب نظر میکند چه این دو



(۲)- Jules Lemaitre منتقد ادبی و نویسنده تاتری فرانسه متولد در «ونسی» (۱۸۵۳-۱۹۱٤) وی نمایشنامه‌هائی مانند «کهتر» «متصدی درآمد کارگاه» وغیره نوشته و بمعرض نمایش گذاشته است و کتابهائی بنام «خاطرات نمایش» و «معاصران» نوشته ژول لومتره منتقدی صاحب نظر و نویسنده‌ای نافذ وهوشیاراست وسبکش درنهایت روانی وسادگی است.

(۳) - Paul souday منتقد بزرك و معاصر فرانسوی که در دو کتاب «انجمن عقول بزرك» و «کتب عصر» خودرا مدافع فرهنك وداور نهائی هنرها واستعدادهای تازه نشان میدهد وی ذوق فطری مشاجره قلمی را با عقاید محکم عقلی همراه کرده و پاورقی روزنامه «تان» رابصورت صحنه‌ای از مباحثات ادبی بیرون آورده و بدینطریق توانسته است جمعیتی فراوان را مشتاق مباحثات ادبی کند دراین مباحثات «لووی» جانب نسبیت را درمورد زیبائی شناسی وتاریخ هیچ فرونمیگذارد ومعتقد است که این گونه نسبت «احساس وعاطفه اصلی» است کتاب او درباره «پروست، ژید والری» که در ۱۹۲۷ منتشر شده است بمنزله بیانیه است که در آن اشتیاق وعلاقه خودرا به «عقل استدلالی» شرح میدهد مسلماً این شاگرد «ولتر» که شیفته سبك و افکار «هوگو» گردیده است عقایدی یك جانبه دارد ولی هیچ منتقدی بیش ازاو با مفهومی عالی تر ازوقار وعظمت به ادبیات خدمت نکرده است

نویسنده باشناساندن «واگنر» ۱ و «سزان» ۲ و «مانه» ۳ و «امپریسنو نیست» ٤ ها و (ورلن) و (سمبلیست) ٥ هارا بهم میهنان‌خود آنانرادر فهم این نکته یاوری داده‌اند که هنر عرصه‌گاه اشکال و صوری ثابت و ولایتغیر نیست ولی ازاین پس فراوانی منتقدان‌و اختلاف‌نظر آنان پس‌از جنك بزرك گواهی صادق برفعالیت عقلی در کشورهای متحد امریکاست چگونه میتوان این‌فعالیت‌را توضیح‌داد ؟ تنها کافیست که شاهدی چند از آثار آن ذکر کنیم .

---

(۱)ـ Richard wagner موسیقی دان آلمانی، مصنف «استادان آواز» «انگشتر نیلونك» «تریستان وایزو» و غیره متولد در «لایپ تسیك» نابغه‌ایست که کمتر استادی در موسیقی بقدرت اورسیده است وی آهنك‌های خودرا بدست خویش‌می نوشته، وآنهارا غالباً ازافسانه های‌قدیم آلمان‌اقتباس میکرده‌درمورد معنی «اپرا» تفسیری‌قائل بوده که‌ابداً توجهی به‌موسیقی بمعنی احض نداشته‌ومیخواسته‌است‌شعروموسیقی‌را کاملا بهم مربوط کندو براثر اینکار یعنی‌خواندن اشعار بی‌وزن و نمایش‌صحنه های‌یکنواخت «اپرا» غالباً خسته کننده گردیده‌است ولی‌سازوآوازی که‌در آن «واگنر» تحریك عاطفه تاثری‌را وسیله اصلی داند،دلاویز وعالی است. وغالباًقدرت تاثیر آن درخور ستایش است (۱۸۸۳ـ ۱۸۱۳)

(۲) ـ Paul Césanne نقاش «امپرسنیو نیست فرانسه متولد در «اکس آن پرونس» (۱۹۰٦ـ۱۸۳۹) وی غالبا صحنه های جامد طبیعت ومناظررا نقاشی کرده است.

(۳)ـ Edouard Manet نقاش‌فرانسوی متولددرپاریس (۱۸۸۳ـ ۱۸۳۲) یکی‌ازاستادان مکتب «طبیعت پردازی» و «امپرسیونیسم»

(٤)ـ Impressionisme صورتی ازهنر و ادبیات که عبارتست‌از تجلی وبیان احساسات بهمان صورتیکه احساس شده است.

(٥)ـ Symlolisme نهضت شاعرانه قرن۱۹ که بمنظورعکس‌العمل دربرابر هنر شعرای «پارناس» کوشیده است که روابط مرموزی را بیان کندکه میان‌روح ماواشیاء وجود دارد .

« پـول المرمر » Paul Elmer more و (ایوریتك رابیت)
J_vring B – abbitt که صادقانه و بی‌پروا دم ازارتجاع می‌زنند باافکار
و تمایلات جدید آزادیخواهی مخالفند این‌نویسندگان سر آن دارند که
دراجتماع قوانین‌جنك (اصحاب کالون) را ازنو رواج دهند ودرادبیات
اطاعت ازقواعد پیشینیان‌را ، ازاینرو بنوشته‌های عصر وزمان خوداعتنائی
ندارند (هنری منکن) Henry Mencken برعکس این دونویسنده
به آنچه پیش ازوی نوشته شده بدیده قضاوت می‌نگرد هرمرجع تقلید
واصلی که باشد اورا بفغان وخروش می‌آورد و مخصوصاً ازقواعد دین
(پورتین) ها بسختی بیزاراست وی‌مروج عقاید متناقض است و کافیست
که یك‌نویسنده مشهور باشد تااورا بباد تمسخر گیرد وهنوز کافیست که
یك‌نویسنده سخن‌زننده ومتناقض نویسد تابدفاع ازاو برخیزد (منکن)
مطابق معمول سال ۱۹۲۹ بت شکنی صاحب‌قریحه‌است که همه‌جاباتکبر
وغرور عقیده خودرا اظهارمیدارد هم میهنان خودرا (کانا) می‌نامد این
تمایل به‌تحقیر لااقل یك‌اثر نیکوداشته است و آن‌اینست که براثرمساعی
(منکن)مردم بخواندن‌آثار (درایزر) که‌تاآنوقت ناشناس بوده‌است‌رغبت
یافته به‌ارزش اوپی برده‌اند

(وان ویك بروکس) Van Wyck Brooks در آغـاز کار
ادبیات امریکارا حتی تازمان خود (فاقد لطف و متانت تناسب و نکاتی
سوزناك و دلخراش) می‌یابد آشکاراست که وی باراین گناه را بردوش
(پورتین)هاو سوداگران میگذارد ولی آنچه‌در کشور(ویت‌من)و(توان)
تازگی‌داردانیست که استعمارطلب خشن‌وبی‌معرفت‌وحریص نیز‌دراین گناه
سهیم‌است‌همه‌نویسندگان‌حتی(توان) که‌وی کتابی درباره‌او نوشته‌است‌بنام

(مشقت‌عظیم مارك‌توان) بااجتماع درحال مبارزه بوده‌اند وبدست‌اجتماع ازپای درآمده‌اند ولی براثر ندای (بروکس) آزادی پدیدار خواهدشد

(وی. ال، پارنیگتن) V. L. Parrington به انتقاد صرفاً جنبهٔ سیاسی میدهد ودرباره یك‌نویسنده از روی اهمیت اجتماعی وی وآنچه درمورد مسائل اقتصادی گفته است، داوری میکند؛ مطابق این داوری تنها نویسندگان جدید میتوانند چیزی بنویسند که حائز اهمیت باشد (لودویك‌لوی‌سن) Ludwig Lewisohn افکار (فروید) را محک انتقاد آثار نویسندگان قرار میدهد وازروی عقیده جنسی یك نویسنده درباره آثار اوقضاوت میکند مطابق این قضاوت (تورو) محکوم‌بنادانی وعدم قریحه وفکراست چراکه مانند رهبانان بسرمی‌برده است «امرسن) نیز ازنظر جنسی‌سرد وبی‌اعتناء می‌نماید از (پوئه) نیزباید بیزاری‌جست چراکه بیمار ونزار بوده‌است بااینهمه باید اعتراف کردکه (لوی‌سن) بخوبی میتواند این‌افکار خام‌را رهاکند وهنگامیکه این‌فرضیه‌های‌باطل وخشم‌انگیز را بدور می‌اندازد ودرباره نویسنده‌ای ازنظر ادبی قضاوت میکند این‌قضاوت‌مخصوصاً درموردی که مربوط بیك‌نویسنده جدیداست معمولا عمیق وعادلانه‌است وبابیانی‌شیوا وستودنی گفته شده‌است

(جی‌و. _. کرچ) J. W. kru tch و (ماکس‌ایستمن) Max Eastman عقیده اصحاب ۱ نفی‌را در انتقاد مقیاس قضاوت خود قـرار

۱ـ Nihilisme نفی هرعقیده وایمانی‌است، وهم‌چنین‌فلسفه‌ایست که در روسیه هوادارانی دارد هدف‌این‌فلسفه‌آنست که شرایط اجتماعی‌را از میان بردارد بی‌آنکه شرائطی قطعی‌را جانشین آنها کند. منظور از اصحاب نفی درمتن کسانی هستندکه باوجود نویسنده مخالفند.

میدهند (کرچ) فقط بدلائلی نظر دارد که اورا از آینده ادبیات امریکا نومید میکنند ،طابق این دلائل کلیه نویسندگان امریکا بی مایه و گمراهند ودرجهان جدید هم جزاین نمیتواند باشد چراکه این جهان دیگر جای نویسنده نیست (ایستمن) ازاین هم بالاتر می رود ومیگوید وجود نویسنده بیهوده وعاطل است وبوصله ای ناجورماند که تمدنی میتواند وباید آنرا بدور اندازد که مهندسان وعلمای اقتصاد را بوجود آورده است درعوض بعقیده (گرن ویل هیکس) grainville Hicks که عقاید (مارکس) ۱ را درانتقاد آثار ادبی مأخذ قضاوت قرار میدهد ادبیات وجود نداشته است ووجود نخواهدداشت مگرهنگامیکه انقلاب (سوسیالیست۲) جهان را فراگیرد وی خودرا منادی شاهکارهای آینده میداند که درآنهاشرح زندگی وکیفیات نفسانی طبقه (رنجبر) نوشته شده است این قبیل آثاردر سالهای ۱۹۳۶ و ۳۷ مورد علاقه مردم امریکا بوده است.

مسلم است که این عقیده واکنشی را بدنبال دارد، بنظر (جی،ثی، رانسم) J. C. ransom شاعر مسئولیت اجتماعی نداردآثارهنری، قطع نظر ازهرگونه معنی ومفهوم، دردل وجان لذت وسعادتی بوجودمیآورند که بذات خودقائمند واین نظریه مارا بشعری رهبری میکند که بازمان و مکان پیوستگی ندارد ولی انتقادی صوری رادربردارد که چنانکه ازنامش پیداست فقط بصورت ومسائلی می پردازد که صرفاً جنبهٔ ادبی داشته باشد

۱- Karl marx ـ سوسیالیست آلمانی اصلا یهودی مصنف کتابی مشهور درباره «سرمایه» وموسس جمعیت بین المللی کارگران متولد در ترو (۱۸۸۳-۱۸۱۸)

۲ ـ Socialisme- فرضیه ایست اجتماعی که میخواهد با تخصیص وسائل تولید وثروت ها به اجتماع وتوزیع کار وکالاهای مصرفی درمیان همه، وضع اجتماع جهانی راتغییردهدپیروان این فرضیه را «سوسیالیست» نامند.

(پیروان این نظریه براهنمائی (الن تیت) درمـورد انتقاد درست نقطهٔ مقابل کسانی هستند که‌دردو دهه اول‌قرن درباره آثارادبی انتقاد کرده‌اند (الن‌تیت) وپیروانش فقط درباره متن ومحتوی کتب‌نویسندگان به‌فحص وتحقیق‌می‌پردازند وبخود نویسندگان وشرائط زندگی فکری‌واجتماعی آنان‌کاری ندارند. وجه امتیاز (الن‌تیت) ازدیگران آنست که‌وی ازعلوم وفلسفه تحققی کاملا دوری میجوید

جهت دیـگر این عـکس‌العمل بازگشتی بمطالعه وتحقیق درباره گذشته امریکاست دربرابر افکار و عقاید (فاشیست) ۱ و(کمونیست)۲ امریکائیان ناگهان بیاد می‌آورند که طرز فکری امریکائی نیز وجود دارد این‌توجه بغرور ومفاخرملی پس ازسالها تحقیر ملت و کشور خود ، چنان شگفت انگیز وتازه مینماید که (ا. ماك. لش) میتواند دراین باره بسراید (ای امریکای من- سرزمین‌نو۳ وتازه‌ام‌وچه سعادتی دارم که‌ترا

---

۱ ـ Fascisme مرام استبدادی راگویندکه از ۱۹۲۲ در ایتالیا استقرار یافته است این‌مرام‌متکی به اقتصادملی است و پیروان آنرافاشیست گویند .

۲ـ Communisme ـ فرضیه‌ایست که میخواهد اموال وثروت ها اشتراکی باشند ووسائل تولید ومواد مصرفی‌در دسترس همه قرار گیرند طبق این نظریه وسائل‌تولید عبارتست اززمین وهرافزاری که برای‌تولید کالا یاثروت یامحصول بکار می‌رود و ازنظر عملی بافرضیه اجتماعی یا «سوسیالیسم» فرقی ندارد و هردومطابق عقیده‌پیروان آنها وقتی‌درجهان عملی میشوند که کلیه دول بصورتـی واحد درآمده باشند یا عبارتی بهتر دولتی درمیان نباشد وراه استقرارآنهم‌تناقضی‌است که میان تولیدوتوزیع ثروت وجود دارد چه‌تولید اشتراکی است وتوزیع اختصاص

۳ـ درمتن این عبارت آمده‌است neufounded land = زمینی که تازه پیداشده‌است (زمین نویافته)

کشف کرده‌ام !

(داس پاسس) هنر و استعداد سرشار و دقیق خودرا که ازنظر صراحت و دقت وصداقت به‌عدسی عکاسی‌ماند اکنون وقف آن کرده است که در کتاب (زمینی که‌درروی آن هستم)شخصیت‌های بزرك‌تاریخی را نقاشی کند درمیان این‌شخصیتها صفاتی عفیف ونجیب یافته می‌شود که بیهوده‌آن صفاترا درمیان داستان اوجستجو میکنیم (داس‌پاسس) همان شکاك بزرك مینویسد

(دراوقات تحول وخطر هنگامیکه خاك‌وشن باترس ولرزازقوای عقلی بشر اطاعت میکنند تصوری که از ادامه و استمرار درذهن‌ما پدید می‌آید میتواند رشته زندگی زمان‌لرزان و زودگذر حال‌را با زندگی نسلهای گذشته پیوند دهد هیچگاه نباید از یاد بریم که ما وارث یکی از بزرگترین افکارجهان هستیم یکی از افکاری که در جریان تاریخ ازهر فکر دیگر بانجام گرفتن نزدیکتربوده است)

وهم‌چنین (وان ویك‌برو کس) به‌نگارش تاریخی ازادبیات امریکا همت می‌گمارد که یکی ازآثار مهم ادبی بشمار می‌آید اقدام وی برای آن نیست که خط بطلان بر زمان گذشته کشد بلکه برعکس میخواهد بتحقیق ومطالعه درباره آن پردازددرتاریخ گذشته معنی‌ومفهوم ووحدت‌و ایمانی مییابد که بعقیده او اکنون نویسندکان‌جدید متهمند که این‌معنی‌و ووحدت وایمان‌را ناچیز وتباه کرده‌اند

درست پیش ازجنك دوم جهانی و درآغاز آن، نگارش داستانهای تاریخی رونقی بسزا داشته است نه تنها داستانهائی عشقی وجنگی چون «بربادرفته» بلکه تتبعات وتحقیقاتی مانند کتاب «فرانکلن) تالیف« کارل

ون دورن « Carl van Doren و کتاب « شرمان» Sherman تألیف « لوئیدلویس» Loyd lewis و کتاب «لینکلن» Lincoln تألیف « کارل ساندبورك» و کتاب « جفرسن» تالیف « کلوباماتز» Kaude Bowers و غیره، را مشتاقانی فراوان بوده است.

در همین زمان فن انتقاد باظهور « رابرت پن وارن » Warren Robert Penn و «الفرد کازین » Alfred Kazin نضجی میگیرد این دوتن میتوانند سه روش روانشناسی واجتماعی و ادبی را بنحوی معقول باهم تلفیق کنند که اسلاف بلافصل آنان بطریقی خطرناك آنها را ازهم جداکرده اند «الفرد کازین » مخصوصاً عادت دارد که ازهمه فرضیه های اسلاف خود استفاده کند بدون آنکه مجذوب و پیرو هیچیك ازآنها بشود وی واقع بینی واستقلال کامل خود را در مورد ادراك و قضاوت هیچگاه از دست نمیدهد از همین روی کتاب او « در زادگاه » Onnative Ground باآنکه مغشوش و مشوش است ، اکنون صائب ترین تفسیری است که در قرن بیستم ازادبیات امریکائی شده‌است دراین کتاب « کازین» نخست نشان داده‌است که :

« ادبیات ازسیر آرام اجتماع بسمت جهان تازهٔ کارخانه ها و شهر های بزرك پدید آمده است کارشهرهای بزرك وکارخانه‌ها آنست که ایمان های قدیم وارزش‌ها ومفاهیم زمان گذشته را ازمیان می برند »

وی جریان تحول پر آشوب این ادبیات راکه بازگشتی به ایمان دموکراسی دنبال میکند.

پایان ترجمه ۲۹/۵/٤ قم